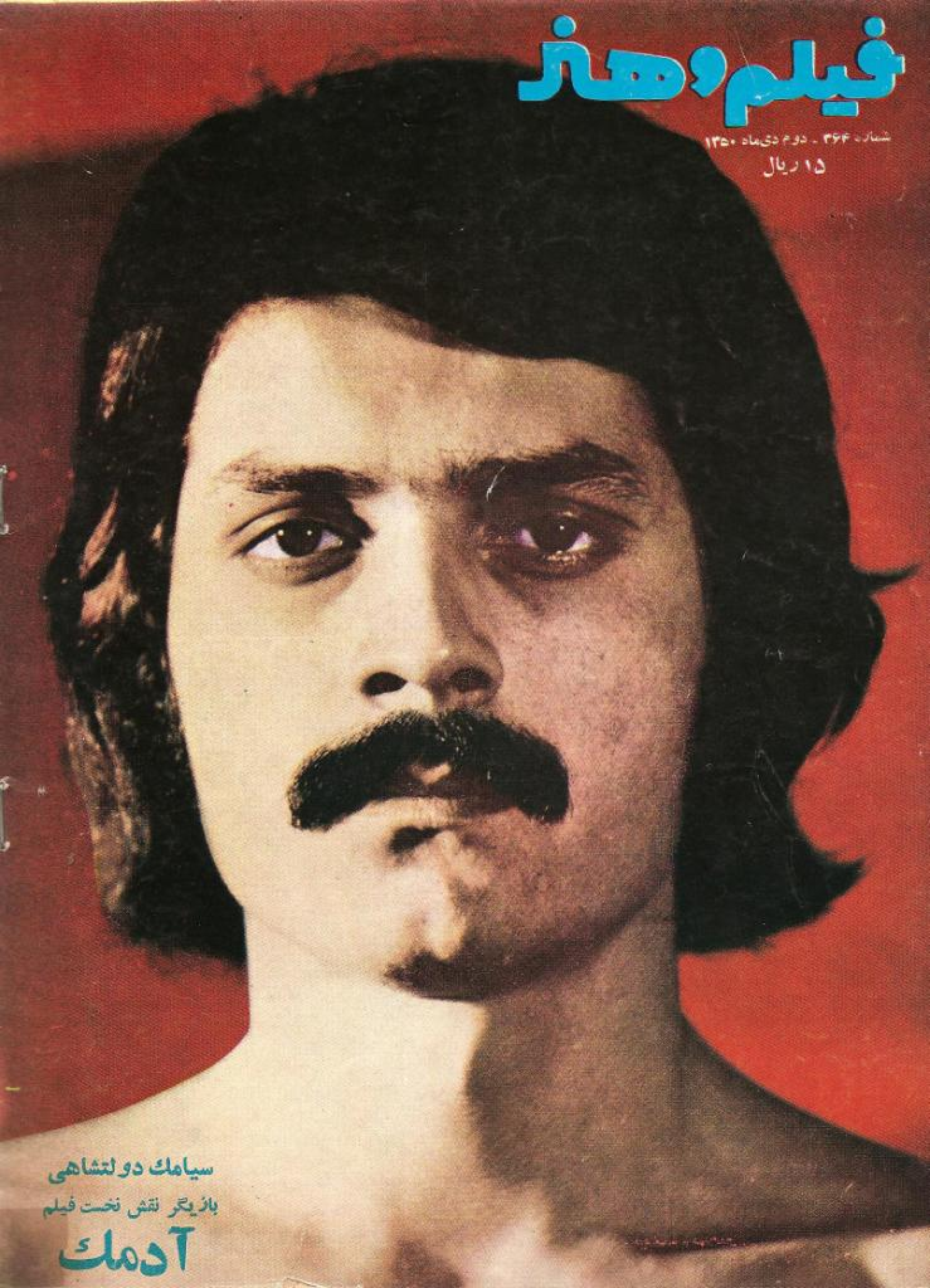
# فیلم و هنر

شماره ۳۶۴ ـ دوم دی‌ماه ۱۳۵۰
۱۵ ریال



سیامک دولتشاهی
بازیگر نقش نخست فیلم
آدمک





# آدمك

## دگرگونی تازه سینمای ایران

● تولد سینما در هرکشوری یك باره صورت نگرفته است ، وپیشرفت آن بتدریج صورت تحقق گرفته است . شاید در مقابل انبوه آثاری که جنبه‌های محلی و تجارتی صرف درسینمای هرکشوری دارد ، تعداد معدود فیلمهائی‌هم باشد‌که بتواندموجد دگرگونی های خاصی درکارسینمای هرکشوری پدیدآورد واین امردرسینمای مشرق زمین بخصوص‌چشم‌گیرتر ودرخشان تر است.

سینمای ایران ازجهت فکری درفقر بسیارزیادی دست‌وپا میزند ،آنچه ساخته‌میشود محصولاتی‌است که‌می‌بایست برنامه‌های سه‌گروه متعدد سینمائی را پرکند و بالطبع فرصتی نیست‌که یك فیلمسازکه‌کارش ساختن‌آثارتجارتی‌است ، بسوی یك سینمای‌تکامل یافته وجهانی بکوشد . امادرهمین‌سکوت ها وفقری‌که دامن‌گیر سینمای‌ما شده ، وجود دارند چهره هائی‌که با افکارتازه‌وجدید خود ، موجب دگرگونیهای خاصی شده وسینمای ایراندابسوی یك سینمای پیشرفته سوق میدهند و خسرو هریتاش یکی از آن ها است .

تماشاگر فکورکه بفیلم از دریچه دیگری نگاه میکند ، دارای فکر است وحرفی درپشت خود دارد . در«آدمك»زندگی جوان ها وپیرها مطرح است وبرزخ زندگی‌که‌آنان و اینکه نمیدانند ونمیتوانند درمقابل واقعیت های مسلمی‌که محیط‌آنان را فراگرفته چه‌کنند واین فرارازخود ودرون خود فرو رفتن آنچنان‌آنان را ازمسیرزندگی عادی دورمیکند‌که‌کسی‌تواندوبرو شدن باآن‌ها را ندارد وچه زیبا ودلپذیر دراین فیلم میتوان دریافت‌که ارزش های تثبیت شده‌کار «خسروهریتاش» بهدرنرفته است وفیلمی‌حاصل‌کار او است‌که ازبسیاری جهات میتواند موجد دگرگونیهای بسیار در سینمای امروز ایران باشد .

خسروهریتاش‌کارگردان فیلم‌که در ضمن خود سازنده موزیك وسناریست فیلم نیزمی‌باشد تا حد امکان‌کوشیده است‌که آدمك را بافکرو ایده خود منطبق سازد . وی فردی است‌ایده آلیست‌که درآدمك نیزکوشیده است‌که این مسئله را حفظ‌کند و خط‌کلی داستان‌آدمك نیز برمبنای مشکلات ومسائل مبتلا به انسان قراردارد وبا برداشتی‌کلی باین مسئله توجه‌گردیده است .

وی تحصیلاتش را درآمریکا دررشته سینما بپایان برد و ازهمان زمان عنوان یك فیلمسازفکوررا درکشوری چون آمریکا بخود اختصاص داد ، بخصوص‌آنکه فیلمهای‌کوتاه اوهرکدام‌در حد خود ازیك ارزش قابل توجه‌ویك شعوردرونی‌حکایت میکرد.

وی پس ازبازگشت بایران‌آغاز تازه پیداکردو باتحولاتی که در امرسینما در ایران بوجودآمده بود مصمم شدکه اولین فیلم طویل خودرا بسازد. «آدمك» حاصل این اقدام بود .

بجرأت میتوان‌گفت «آدمك» از معدود فیلمهائی است‌که در ایران دریك مقیاس جهانی ساخته شده است ودرآن شعور وفکرسازنده‌اش‌بخوبی‌متجلی‌است . قهرمانان‌فیلم دارای شخصیت های پرورش یافته‌ای هستندکه هرکدام درحد خود دارای طرز تفکری خاص نسبت بمحیط زندگی خویشند واین فلسفه ذاتی‌فیلم است‌که تماشاگر درمقابل واقعیت های واقعی زندگی در آدمك

بقیه در صفحه ۴۱

# رویدادها

## گنج

● **ابراهیم گلستان** پس از مدتی سکوت، اخیراً فیلم تازه‌ای جلوی دوربین برده که ظاهراً بدور از جنجال وهیاهو مشغول تمام کردن آن می‌باشد. دراین فیلم که «گنج» نام‌دارد «پرویز صیاد، صادق بهرامی» نقش‌های اساسی را بر عهده‌دارند. تقریباً حدود یکساعت از فیلم، گرفته‌شده است.

## کلفتها و شوفرها

● **صابر رهبر** که چندی پیش فیلم «مردان خشن» را ازاو دیدیم ازهفته آینده در استودیو مهرگان فیلم تهیه و کارگردانی فیلم تازه‌ای را آغاز خواهد کرد بانام **«کلفتها و شوفرها»** که نقشهای اصلی آنرا بیك ایمانوردی فروزان، نادیا و چند هنرپیشه‌ی دیگر بازی خواهند کرد. صابر درنظر داشت فیلم تازه خودرا با شرکت ارحام صدر تهیه نماید ولی بعلت گرفتاری های او در اصفهان این کار موکول شد به‌بعد از پایان فیلم کلفتها وشوفرها.

## علی کنکوری

● **سعید مطلبی** که اخیراً فیلم میعادگاه خشم او بروی اکران آمد در صدد کارگردانی فیلم تازه ای در **استودیو عصر طلائی** است که علی کنکوری عنوان آنست. دراین فیلم عده‌ای ازهنرپیشگان سرشناس تلویزیون منجمله نوذر آزادی «قاطبه معروف سریال اختاپوس» رلهای اصلی را بازی خواهند کرد.

## دلیری از تنگستان

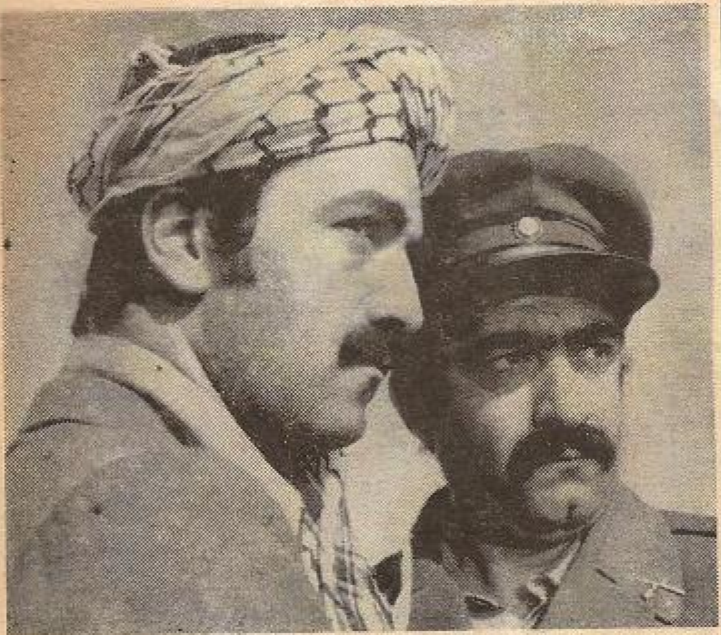
● عنوان فیلمی که **جمشید شیبانی و رضا بیك ایمانوردی** با تشریك مساعی یکدیگر تهیه خواهند کرد از عاصی به دلیری از تنگستان تغییر یافت. دراین فیلم که سناریست و کارگردان آن جلال مهربان و فیلمبردارش شکرالله رفیعی است بیك ایمانوردی پوری بنائی، شیر اندامی، علی زندی، کهنموئی و عده ای دیگر شرکت‌دارند. فیلمبرداری دلیری از تنگستان با مراجعت پوری بنائی که اینك دراروپا بسرمیبرد درنواحی جنوب آغاز خواهدشد.

## مارکوچوغلو

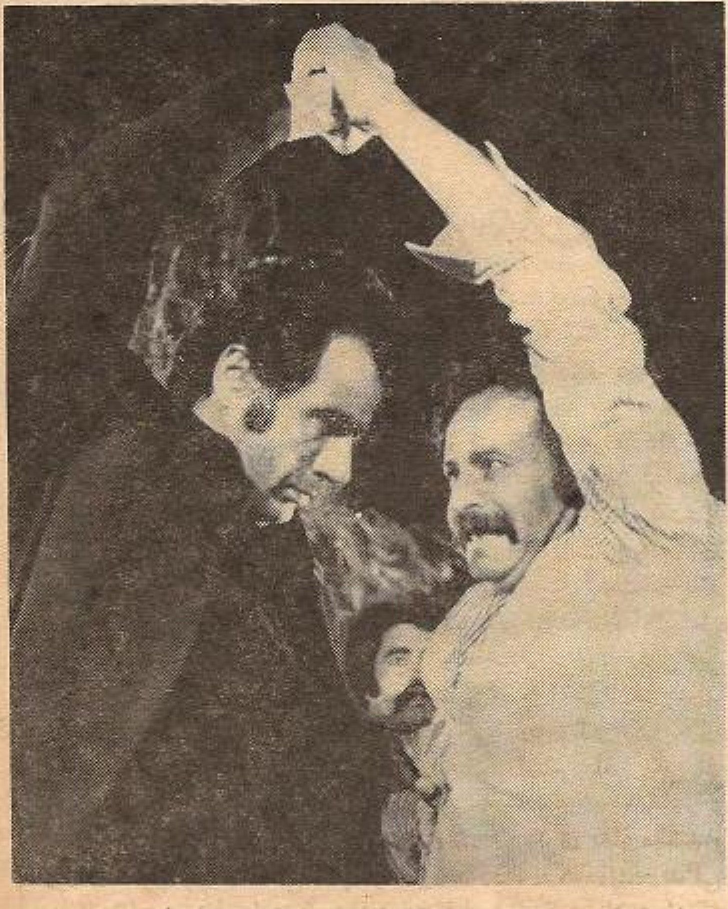
● اولین محصول مشترك سه کشورایران، ترکیه، پاکستان‌در کشور ترکیه امورفنی‌اش‌طی‌می‌گردد. این فیلم که تهیه کننده آن ناجی دورو است و توسط **«رمزی»** درترکیه کارگردانی‌شده باسرمایه دوتهیه کننده ایرانی و پاکستانی‌ساخته‌شده وفخرالدین (ازکشورترکیه) لی‌لی و کامی کسروی (ازایران) وطلعت حسین از(پاکستان) درآن‌شرکت‌دارند. مارکوچوغلو یکی از قهرمانان معروف‌مردم ترکیه است که‌اخیراً سری فیلمهای وی با شرکت فخرالدین ساخته شده و این‌فیلم پنجمین فیلمی است که باشرکت او تهیه‌شده است.

## عطش

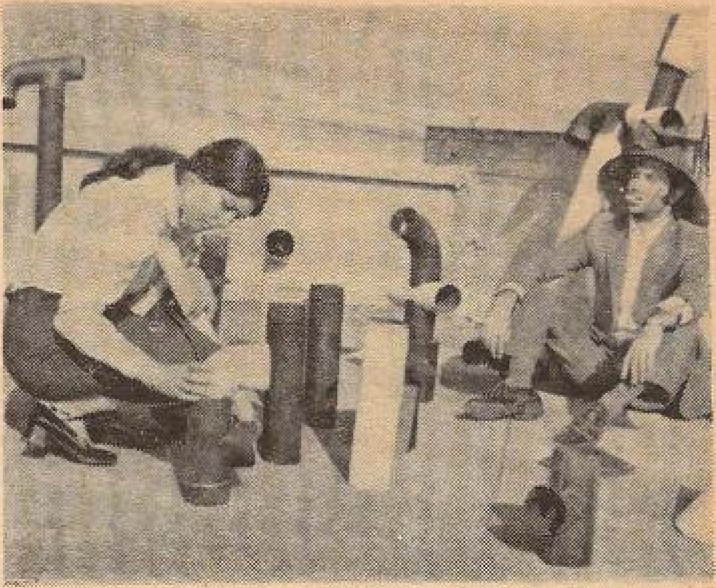
● عنوان فیلمی که قرار است **ایرج‌قادری** برای‌سازمان سینمائی کوروش کارگردانی نماید «عطش» میباشد که درآن ناصر ملك‌مطیعی، جمشید مشایخی، بهمن مفید، ایرج‌قادری ورضا فاضلی شرکت خواهند داشت فیلم برداری این فیلم بزودی توسط «داریوش» درنواحی دزفول انجام خواهد شد و بعد از مراجعت اکیپ سازنده‌ی آن تهیه محصول دیگر سازمان‌مزبور موسوم به «دسته دزد» باشرکت بیك ایمانوردی، فاضلی و ایرج قادری آغاز خواهد شد.



□ اولین تصویر از «عزت‌الله انتظامی و سعید راد» در صحنه‌ای ازفیلم «صادق کرده»



□ «ناصر ملك‌مطیعی» و «امین امینی» در محصولی از استودیو عصر طلائی، «نقره داغ»



□ «نیلوفر و فرخ ساجدی» درصحنه‌ای ازفیلم «زنجیری»



□ «لی‌لی وکامی‌کسروی» درفیلم «مارکوچوغلو»



□ صحنه‌ای از «خاطرخواه» ساخته «امیرشروان»

## مرد اجاره‌ای

● **خسرو پرویزی** طی قرار دادی که اخیراً بااستودیو آربی منعقد کرده است بزودی کارگردانی فیلمی راموسوم به **«مرداجاره‌ای»** آغاز خواهد کرد در این فیلم که اکنون سناریوی آنرا بهرام ری‌پور و جمال‌امید مینویسند بیك ایمانوردی نقش اصلی رابازی خواهد کرد وفیلم برداریش توسط علیرضا زرین‌دست انجام‌خواهدشد.

## علی‌ساربون

● بزودی در**فردوسی‌فیلم** تهیه فیلم تازه‌ای آغاز خواهدشد بنام **«علی‌ساربون»** که سناریوی آن بااستفاده از سوژه‌ی آهنگ معروف«علی‌ساربون» تنظیم شده است وقرار استخواننده این آهنگ «حسین‌موفق» خودعهده‌دار نقش اصلی آن شود . این اولین‌بار است که حسین موفق دریك فیلم سینمائی‌بازی‌مینماید از نام سازندگان و دیگر هنرپیشگان این فیلم هنوز اطلاعی دردست نیست.

## مستأجر جلوی دوربین

● ازاین‌هفته فیلمبرداری محصول تازه سازمان سینمائی مشعل موسوم به « **مستأجر** » در تهران آغاز خواهد شد وبعداز اتمام‌فیلمبرداری‌صحنه‌های‌مربوط در تهران اکیپ سازنده‌ی آن برای تهیه مابقی فیلم به‌اصفهان سفر خواهدکرد. دراین فیلم‌که کارگردان‌وتهیه کننده‌ی آن آرمان وسناریست‌وفیلمبردارش‌قاسمی‌وند است ارحام صدر ، دو چهره سرشناس‌تلویزیون‌پروین‌ملکوتی «قمرخانم» آقاجانی «داش غلام» چهره جدیدپژمان‌وآرمان‌شرکت دارند.

## رضا توپچی

● **فریدون ژورك** که‌مصمم بودکارگردانی فیلمی‌را باشرکت **سوسن** آغاز نماید فعلا از این تصمیم منصرف شد وی در نظر دارد سناریوی « **رضا توپچی** » نوشته‌ی احمد نجیب زاده را با شرکت بیك ایمانوروی و بهمن مفید جلوی دوربین ببرد هنوز هنرپیشه‌زن اصلی‌این‌فیلم‌انتخاب نشده‌است رضاتوپچی‌راکه‌محصول تازه‌ای است از سازمان سینمائی ژورك « **احمد قدکچیان** » تهیه خواهدکرد .

## فتنه پیش میرود

● فیلمبرداری « **فتنه چکمه پوش** » کماکان توسط **همایون ارجمند** ادامه دارد در این فیلم که کارگردانی آن را «کامران قدکچیان» انجام میدهد منوچهر والی‌زاده، متین و . . . . چهره‌جدید فتنه بنقش فتنه‌چکمه پوش شرکت دارند. سناریوی‌این فیلم از روی داستانی بهمین نام نوشته‌ی منوچهرمطیعی‌تنظیم‌یافته است.

## خاطر خواه

● **امیرشروان** کارگردان موفق ایرانی این‌روزهاسخت مشغول‌کار گردانی فیلم خاطرخواه محصول تازه فیلمکوفیلمز است. **خاطرخواه** که ازروی داستان‌ارونقی کرمانی بصورت فیلم درمی‌آید ازفیلمهای‌پرسروصدای‌بهارآینده خواهد بود ودرآن ناصر ملك مطیعی ، فروزان ( زوج موفق فیلم رقاصه) باتفاق ایفای نقش کرده‌اند.

ازجمله بازیگران دیگر خاطر خواه که توسط همایون ارجمندفیلمبرداری‌می‌گرددمیتوان بهمن مفید، ثریا بهشتی، امیر‌فضلی و قبادی را نام برد.

## زنجیری پایان می‌یابد

● آخرین مراحل فیلم‌برداری فیلم **زنجیری** اولین‌کار **خسرویحیائی** درزمینه‌کارگردانی دردست اتمام است. فیلم‌زنجیری که درزمینه‌ای‌غیرعادی‌درسینمای ایران ساخته شده است باسرمایه فرخ ساجدی تهیه میگرددو در آن بجز فرخ‌ساجدی هنرمندان دیگری چون نیلوفر ـ شهروز

بقیه درصفحه ۴۰

# در حاشیه

## اولین قدم

● در پنجشنبه شب هفته جاری «کانون هنرمندان» که هفتهٔ گذشته فعالیت خودش را آغاز کرده بود اولین قدم را در راه پیشبرد موزیك ایران خواهد برداشت و برنامه موزیکی با شرکت گروهی از نوازندگان آماتور در محل سوپر کاخ برگزار خواهد نمود. ضمناً از تنی چند از خوانندگان مشهور وجوانان علاقمند دعوت بعمل آمده تا در برنامه مزبور ترانه‌هائی اجرا کنند.

## خوانندگان رادیو در کاباره‌ها

● رقابت تازه‌ای مابین صاحبان کاباره‌های تهران برای جلب خوانندگان رادیو تلویزیون درگرفته است بطوریکه اینك تعداد بسیاری از خوانندگان رادیو درکاباره‌ها برنامه اجرا می کنند و یا آنکه برای اجرای برنامه قرارداد بامضاء رسانده‌اند.

بعد از عارف، سوسن، آغاسی دلکش، ویگن، گوگوش ورامش اینك کاباره باکارا با دعوت از گیتی و کاباره میامی با دعوت از وفائی آنان را برای اولین بار بروی صحنه کاباره کشانده است و کاباره شکوفه نو نیز از منوچهر دعوت کرده است که در کاباره مزبور برنامه اجرا نماید.

## ایرج رستمی در تبریز

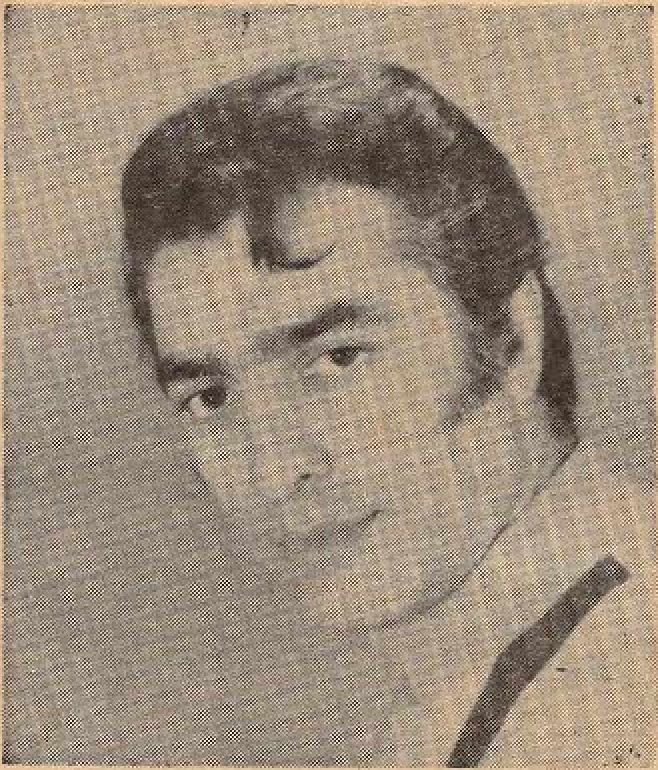
● هفته گذشته ایرج رستمی برای افتتاح فیلم معرکه که خود تهیه کننده و بازیگر نقش نخست آن بوده است به تبریز سفر کرد تا در مراسم افتتاح فیلم مزبور شرکت نماید. در مدت اقامت رستمی در تبریز ازوی پذیرائی گرمی از طرف هنردوستان تبریز بعمل آمد.

## ناتمامها

● تعدادی فیلمهای ایرانی موجود است که مدتهاست مراحل فیلمبرداری آنها بپایان رسیده ولی بخاطر بی پولی و یا علل دیگر سازندگان آن قادر بصدابرداری وسایر مراحل فنی آن نیستند این فیلمها عبارتند از:

**طبل بی عاری** با شرکت پوری بنائی، عادل روحی، **لی لی** ساخته‌ی اسماعیل پورسعید، **چهار مرد خبیث** باشرکت سهیلا فرخ ساجدی، نیلوفر، منوچهر طایفه ساخته‌ی منوچهر قاسمی **پدر که ناخلف افتد** باشرکت جمشید مشایخی، پوری بنائی، سعید کامیار ساخته‌ی رکنی **خاطرات یك عیار** ساخته‌ی جواد طاهری **قصر گای** باشرکت لی لی ساخته‌ی سلیمان رامتکار **دو کبوتر** باشرکت داریوش طلائی، ویکتوریا **بلور** ساخته ایرج فاطمی

## اعتراض فردین



● فردین هفته گذشته به مجرد بازگشت از سفر یك ماهه‌اش از انگلستان که جهت دیدار از پسر بزرگش که در آن دیار به تحصیل اشتغال دارد بدانصوب رفته بود با آگاهی از نمایش یك فیلم مصری درگروه آسیا به گردانندگان گروه اعتراض نمود. فردین خود نیز یکی از گردانندگان اصلی این گروه است و درغیاب او قرار داد نمایش این فیلم منعقد شده است.

فردین معتقد است این گروه برای نمایش فیلم های ایرانی بوجود آمده وشایسته نیست باآماده بودن تعداد زیادی فیلم ایرانی، فیلمهای کشور های دیگر خصوصاً کشور هائی نظیر هندوستان، ترکیه ومصر که فیلمهایشان رقیب فیلمهای ایرانی است نمایش داده شود.


فیلم و هنر

شماره ۳۶۴
پنجشنبه دوم دی ماه ۱۳۵۰

دارنده امتیاز و مدیر:
**عبدالمجید رمضانی**

زیر نظر:
**علی مرتضوی**

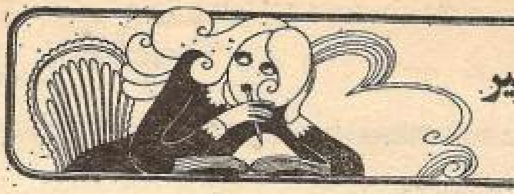
روی جلد:
زری خوشکام و سیامك دولتشاهی
پشت جلد: سیامك دولتشاهی
«هنرپیشگان فیلم آدمك»
تابلو وسط:
صحنه‌هائی از فیلم «آدمك»

چاپ از: شرکت چاپ تابان
تلفن: ۳۰۵۱۳۰ - ۳۰۳۴۵۶

گراور از: جواهری
تلفن: ۳۹۳۴۱۱

محل اداره: دروازه دولت - ابتدای روزولت شماره ۲ - آپارتمان ۱۰ - تلفن ۸۲۹۹۷۱ - آدرس پستی: تهران صندوق ۱۹۴۷

# پاسخ سردبیر



## تهران ـ آقای محمدرضا اسفندیاری:

۱ـ دیویدلین تاکنون دوبار بخاطر فیلمهای پل رودخانه کوای ولارنس عربستان جایزه اسکار بهترین کارگردان سال را بدست آورده است ۲ـ از مالیات هنرپیشگان آمریکائی دقیقاً اطلاعی در دست نداریم. ولی میدانیم آنچه را که آنها در کارهای عام المنفعه و امور ساختمانی و یا سایر مسائل ضروری خرج میکنند دولت آمریکا از درآمد آنها کسر و نسبت ببقیه آنها مالیات دریافت میدارد، درحالیکه درایران چنین نیست و آنچه راکه هنرپیشه دریافت میدارد، بعنوان درآمد محسوب میدارند ۳ـ دکتر نو، تندربال، شما دوبار زندگی می‌کنید، گلدفینگر، از روسیه با عشق والماس‌ها ابدی‌اند فیلمهائی است که در آن‌ها شون کانری بنقش جیمز باند ظاهر شده است.

## کاشان ـ آقای محمدرضا دانشمند:

دستمزد بیک ایمانوردی برای هر فیلم بین یك تا یك میلیون و دویست هزار ریال است ودر فیلمهای ایوب وفاتحین صحرا همین دستمزد را گرفته بود. وی دارای دو فرزند است واز وی چند شماره قبل عکس رنگی در روی جلد بچاپ رسیده است.

## تبریز ـ آقای ایرج سرخابی:

خوشحالیم که بعد از چند سال فرصت یافته‌اید که با مجله مورد علاقه خود همکاری نزدیکتری داشته باشید. در انتظار مطالب شما برای صفحاتی که توسط خوانندگان تهیه می‌شود، هستیم.

## آقای وارطان بالاسانیان:

متاسفیم که نتوانستیم بوعدهٔ خود عمل کنیم. حتماً ترتیب چاپ عکس گریگوری‌پك را خواهیم داد.

## آقای رضا موسوی و ارزانی:

افراد در ابراز عقیده خود آزادند. خیلی‌ها ممکن است علاقمند مکاتبه باطرفداران فردین باشند و خیلی‌ها هم برعکس نباید بآنها خرده گرفت. برای دوئل کردن باآقای جوادزینتی نیز بهتراست خودتان برایش نامه ارسال دارید. ماراهم البته بی‌خبر نگذارید!!

## اردبیل ـ آقای عادل ارشادیفرد:

۱ـ فیلمبرداری فیلم نقره داغ پایان یافته والا پشت صحنه آن را چاپ میکردیم، آهنگساز متن فیلم نقره داغ نیز حسین واثقی است ۲ـ متأسفانه اطلاعی ازفیلمهائی که در خارج ازایران بکسب جایزه توفیق یافته‌اند نداریم ۳ـ کار ایرج صادقپور دررقاصه بهتراز کاکو بود.

## خانم سیما:

متأسفانه مطبوعات سینمائی هند بایران نمی‌آیدکه عکسهای هنرپیشگان مورد نظرشمارا بتوانیم چاپ کنیم. معهذا اگرعکس جالبی بدست آوردیم در فرصت مناسبی چاپ خواهیم کرد.

## شیراز ـ آقای ناصر محبودی:

بجز شماره مخصوص قیصر کلیه شماره‌های مخصوصی که‌خواسته‌اید در دفتر مجله موجود است می‌توانید باارسال تمبر باطل نشده بجای وجه آن، آنها رادریافت دارید.

## اصفهان ـ آقایان ایرج سلطانی و سایر دانشجویان سال دوم علوم:

۱ـ فیلمی بنام رستم دوران در ایران ساخته نشده بود فقط رستم در قرن اتم بودکه هفته‌قبل بنام پهلوان درقرن اتم بنمایش درآمدفیلم مبارزه با شیطان نیز هنوز پروانه نمایش نگرفته است ۲ـ فعلا انتشار شماره مخصوص فصل برایمان امکان پذیر نیست ۳ـ «۴۳۳»، نام شماره مخصوصی بود که قرار بود منتشرشود اما منتفی گردید.

## خرم‌آباد ـ آقای محمود یاراحمدی:

میکوشیم که مطالب آموزندهٔ فیلم و هنر را زیادتر کنیم: معنی پاسخ کلماتی‌که خواسته‌اید پلان (نماـ کوچکترین قسمت یك فیلم راپلان گویند. مثلا نشان دادن صورت یك مرد، یك نمای وسیع ازیك میدان) متورانس (کارگردان) مونتاژ (اتصال قطعات فیلم بیکدیگر طبق سناریو) دکوپاژ (آماده کردن سناریو برای فیلمبرداری) آتونس (نمونه‌فیلم).

## آقای علی کیاست فر:

۱ـ دستمزدهنرپیشگان درفیلمها فرق نمی‌کند وتاکنون بارها دستمزد بیك، فروزان، بهمن‌مفید را نوشته‌ایم ۲ـ فروش سه فیلم مزبور درصفحه رنگارنگ نوشته شده است ۳ـ بیك ایمانوردی کلیه صحنه های موتور سواری راخودش دررضا چلچله انجام میداد.

## کاشان ـ آقای عزیز اسدی:

۱ـ فردین در سال ۱۳۳۸ بافیلم چشمه آب‌حیات واردکار سینما شد. ۲ـ فروش میعادگاه خشم رادرصفحه رنگارنگ چاپ‌کرده‌ایم ۳ـ درمورد فیلم راز درخت سنجد چندهفته قبل مطلب داشتیم ودرضمن بهترین فیلم هشت ماه‌گذشته درشگه‌چی بود.

## بابل ـ آقای فتح‌الله دیانی:

دوست‌عزیزمطلب دردسر نامهای بزرگ ازسری مطالب جالب فیلم و هنر است ودرطی‌آن بتجزیه وتحلیل کارمعودکیمیائی پرداخته شده در مورد اینکه‌گفته‌اید همه هنرمندان میخواهند سرتماشاچیان را شیره بمالند ما باحرفشما موافق نیستیم، درست است که سینما یك‌کار تجارتی است، ولی این‌دلیل نمی‌شود که‌هدف همه کلاهبرداری وشیره مالیدن بسر تماشاچی باشد، اگر این‌مسئله را دلیل ادعای خود میدانید که‌هرچه که‌می‌خواهید، می‌پوشید، مـی‌بینید جنبه شیره مالیدن دارد. نه‌آنقدر هم منفی فکر نکنید.

## آقای حسین دنیانور:

درمورد سناریو نویسی درسال گذشته مفصلا بحث کردیم وبزودی سری مطلب تازه‌ای شروع خواهیم کرد.

## آقای حسین دانشور فرزانگان:

۱ـ فیلم غلام ژاندارم سیزده میلیون ریال، حیدر نه‌میلیون‌وپانصد هزار ریال و میعادگاه خشم ۶ میلیون ریال فروش داشته است ۲ـ پرفروش ترین‌فیلم ناصرملك‌مطیعی غلام‌ژاندارم وبیك ایمانوردی تکخال است ۳ـ اکثر افرادی‌که بتحصیل‌دررشته‌سینما درخارج می‌پردازند، پس‌از مراجعت بایران معمولا باستخدام وزارت فرهنگ وهنر ویاتلویزیون‌ملی‌ایران در می‌آیند.

## اصفهان ـ آقای علی‌اصغر چشمی:

دوست عزیز نامه‌هائی که شما می‌فرستید، مربوط به‌سه یاچهاربخش مجله است، مثلا همین نامه‌شمامربوط به‌صفحه مسابقات، مسابقه یك به ده و پاسخ سردبیر است. اگر جدا جدا برای هرقسمت نامه ارسال داریدحتماً پاسخ داده میشود، فیلم مشترك ایرج قادری وزری خوشکام «توبه» نام داردوآخرین اثرداریوش مهرجوئی «پستچی» است که برای‌استودیومیثاقیه میسازد.

## تهران ـ آقای علی‌گوران:

پدر و مادر فردین در حیات هستندوبازی فردین در میعادگاه‌خشم کار قابل توجهی نبود در فیلم‌مردان خشن نیز مقداری ازعملیاتی‌که‌فردین انجام میداد حقیقت نداشت.

## قم ـ آقای عباس باقری:

۱ـ برای دریافت شماره ۲۵۸ آدرس جدید خودرا ارسال دارید و آن را درزیر نامه‌خود مرقوم‌دارید.

۲ـ داستان قلب افونگر تو بعلت آنکه نویسنده مطلب همکاریش را باما قطع‌کرد ناتمام ماند.

۳ـ بله مطلب مثبت ومنفی در حال حاضرازمجله حذف‌گردیده‌است.

## آقای سهیل خسروی:

۱ـ رضا چلچله ۷ میلیون ریال فروش داشت ۲ـ شماره‌های سال‌اول مجله درآرشیو موجود نیست ۳ـ از نام‌دوبلر ایرج قادری‌درفیلم‌میعادگاه خشم بی اطلاعیم.

## تهران ـ آقای هادی نیك‌نیا:

۱ـ فروش فیلمهارا از ابتدای سال جاری تاکنون‌درصفحه‌رنگارنگ نوشته‌ایم و اگر نوشته نشده‌خواهیم نوشت، بنابراین فروش فیلم هائی که‌خواسته‌ایددرآن‌صفحه جستجوکنید

۲ـ برندگان مسابقه‌گل‌پشت‌ورو نداره ۱۹،۱۸و۲۰ دراین شماره‌معرفی شده‌اند.

۳ـ خیرفیلمهای‌مزبوردرتلویزیون بنمایش در نخواهد آمد.

## جهرم ـ آقای عبدالحسین استحکامی:

دوست‌عزیز متأسفانه‌مجله اطلاعات هفتگی‌خبرمزبور را دروغ نوشته‌است. ناصر ملك‌مطیعی جایزه سپاس‌رابزمین نگذاشت واز صحنه بیرون نرفت‌بلکه آنرا همراه‌خود برد ولی بااین‌مسئله اعتراض‌کردکه «مشترك» یعنی چه، اما در مورد بهروز وثوقی‌وحرفهائی که در مطبوعات زده، ما کاری نمی‌توانیم بکنیم زیرامسائلی که‌درمصاحبه‌هایش مطرح شده ووی اظهار عقیده نموده یك مسئله شخصی است واظهار نظر خود وی است، شایدملك‌مطیعی نیز بحرفهای وی پاسخی داشته باشد اما اینکه نوشته شده فیلمی با شرکت این دو ساخته خواهد شدبایدبگوئیم که ناصر ملك مطیعی بعد از بازی‌در فیلم طوقی از همبازی شدن با بهروز وثوقی‌خودداری‌کرده استواین‌روش خودرا بدلائلی که میگوید هنوز هم ادامه داده است.

# یادداشتهای هفته...

## ۱

شنیدم که وزارت فرهنگ‌وهنر برای تعیین تکلیف وضع بلبشوی کارگردانان این ملك اقدامات عاجلی انجام‌داده و کمیسیونی با توجه بسوابق کاری‌وارزش فیلمهائی که آنان‌ساخته‌اند، کارگردانان‌سینمای ایران‌را به‌دسته تقسیم‌نموده وبرای عده معدودی کارت درجه یك، برای گروهی درجه دووگروه زیادی‌کارت درجه سه‌صادر کرده است و بسیاری از افرادی‌راکه از وضع گل‌آلود استفاده کرده وبکار گردانی روی آورده‌اند، فاقد صلاحیت دانسته و جالب آنکه تنها فیلمهای افرادی‌را کمیسیون نمایشات‌مشاهده خواهد کرد که توسط کارگردانان دارنده کارت صلاحیت ساخته شده باشد. برای افرادی‌که تازه بکار گردانی روی می‌آورند نیز کارتهای موقتی صادرخواهد کرد وپس‌از ساختن یکی‌دوفیلم نسبت‌بکار آنان‌قضاوت کرده وسپس‌درمورد‌صلاحیت آنان نظرخواهد داد.

تردید نیست که این تصمیم وزارت فرهنگ‌وهنر ازجمله اقدامات بزرگ‌واساسی است که درطی سالهای اخیر انجام‌گردیده، زیرا مسئله کارگردانی درسینمای ایران‌وضع بلبشوئی‌دارد، هر هنر پیشه‌ای‌که بیکارمیشود، پولی‌دست وپا کرده وعنوان کارگردانی برای خود می‌خرد وهرتهیه کننده‌ای دست‌هر کسی‌راکه‌فقط یك‌بار ازجلوی دراستودیوها ردشده گرفته وبداخل می‌کشاند وباو کارگردانی فیلم‌را که‌مهمترین عامل‌سازندگی یك فیلم است واگذار مینماید وبدین ترتیب‌وضع چنان‌است که ملاحظه‌می کنیم، سرمایه‌های بسیارزیادی بخاطرعدم شعور کارگردانان فیلم‌ازمیان‌میرود وسینمای‌ایران بجای آنکه‌قدمی بجلوبردارد، بقهقرا میرود.

اقدام وزارت فرهنگ وهنررا بعنوان یك‌کار خوب تحسین می‌کنیم و آرزو داریم که درسایر مسائل‌نیز دقت بیشتری بخرج‌دهد واز ورودخیل بیشماری که بدون‌مجوزی به‌سینمای ایران‌واردشده‌و آن را ازمسیر اصلی‌خود منحرف‌میسازند، جلوگیری نماید.

علی - مرتضوی

## ۲

این حقیر سراپا تقصیر، تا چندی پیش خیال میکردم که فقط «بعضی» از تهیه‌کنندگان فیلمهای فارسی درقبال دستمزدهنرپیشگان «فیلمهاشان» بد حساب هستند. در حالیکه اخیراً باین‌نتیجه‌رسیده‌ام که خدا پدر ومادر تهیه کنندگان فیلمهای فارسی راکه‌دستمزد «صد هزارتومانی» میدهند بیامرزد، زیراکه‌بعضی‌ازتهیه کنندگان‌برنامه‌های تلویزیونی‌آنقدر با هنرپیشگان‌برنامه‌های‌خود «خوش‌حسابی»! کرده‌اند که آدم شرمش میشود تمام موارد آنرا بازگو کند.

تقریباًهفته‌گذشته‌بود که‌یکی‌از بروبچه‌های بازیگر تلویزیون بنزدم آمد و سفره دلش را پیشم بازکرد و آنقدر از دست تهیه کننده برنامه‌ای که عنوان «پهلوان» را هم یدك می کشد گله کرد، که این حقیر ندانستم ونتوانستم مرهمی بر زخم دل او بنهم!

هرچندکه صاحب این قلم، تقریباً از دو سال پیش بطور پراکنده درنوشتن برنامه های تلویزیونی دست داشته است و بخوبی با حسن نیت مسؤلان تلویزیون آشنا می‌باشد، اما شاید نوشتن این نکته خالی از لطف نباشد که این بنده قلم زن هم بدام «بدحسابی» همین‌تهیه کننده گرفتار شده‌است وبازگو کردن‌این‌مسئله‌در «فیلم‌وهنر» شاید علتش «همدرد» بودن با همان هنرپیشه است.

آنچه که‌مسلم‌است‌ودرآن تردیدی‌نیست، اینست که‌تلویزیون به‌تهیه کنندگان خود اطمینان کرده، وهرهفته بمناسبت برنامه‌ای که ضبط میشود، بودجه‌ای در اختیار آنان مینهد. اما در این میان وضع نویسنده وبازیگر آنطور که باید وشاید «روشن» نیست، وهیچ بعیدبنظر نمیرسد که‌تق‌ولقی بعضی از برنامه‌ها، علتش‌همین‌بدحسابی تهیه کننده با عوامل سازنده برنامه باشد.

راستی دراین‌میان چه کسی‌مقصر است؟ نویسنده، هنرپیشه، یا تهیه کننده؟ کدامیك؟.. شاید گناه بگردن نویسنده باشد که برنامه را مینویسد، وشاید مقصراصلی‌هنرپیشه باشد که با هزار رنج‌ومشقت

# مهمان ناشناس

## ۱

آغاز مطلب‌این‌هفته‌را استثنائاً از برنامه‌شماوتلویزیون که‌ساعت ۲ وپانزده دقیقه روز دوشنبه‌بیست‌و دوم آذر ماه پخش میشد شروع میکنم و آن گفتاری بود توسط انجوی شیرازی شاعر قرن ماکه در مایه غرب‌زدگی بعضی ازمردم این‌دیار سخن‌میگفت واشاره می‌کرد به‌این مطلب که، چرا باید سنتها و آداب ورسوم خودرا فراموش کنیم وسراغ آداب‌ورسوم دیگران برویم؟.. وقتی از عید نوروز وچهارشنبه سوری و جشن آبریزان و... استقبال‌میکنیم‌آن عده از مردم میگویند؛ فلانی امل است، ولی اگر از شیوهٔ دیگران تقلید کنیم، روشنفکر ومتمدن بحساب میآئیم!

سخنان مفید و آموزنده‌ای بود، مفاخر ملی ایران امروزه با استقبال خارجی‌ها روبروست، تاریخ‌ما، هنر ما، آداب ورسوم ما...

گفتم سخنان جناب انجوی شیرازی جالب وآموزنده‌بودولی یك‌مطلب خیلی‌گویا وواضح‌برای من‌روشن‌نشد و آن قیافه‌حضرتشان بود با ریش‌لنینی، تصور نمیکنم در تاریخ دو هزار و پانصد ساله ملت ما در هیچیك از دوره های تاریخ ازهخامنشی گرفته‌تاامروز، قومی یا طایفه‌ای‌وجود داشتند که دارای چنین ریشی‌بوده باشند!!

واین سئوال پیش میآید که آیا ریشهای انجوی‌شیرازی‌خود تقلیدی از غرب نیست؟ و بقول خودشان نشانه‌ای از غرب زدگی نبود؟

## ۲

چند روز پیش فیلم آدمك در استودیو میثاقیه برای عده‌ای از کارگزاران سینماومطبوعاتی‌ها ومنتقدین بمعرض نمایش گذاشته شده بود که البته در این مورد همکاران دیگر مجله بتفصیل‌سخن خواهندگفت آنچه نظر میهمان ناشناس را بخود جلب کرد بحث و گفتگوی‌هریتاش و نصرت کریمی بود که در مورد تهیه فیلم محلل صحبت میکردند، کریمی‌میگفت تاآنجاکه میدانم برای تهیه‌فیلم محلل‌ازچهره‌های‌ناشناسی‌استفاده شده‌که از نظر دستمزد نرخهای پائین تری را برای تهیه کننده دست پاشود وبهمین جهت این فیلم با حداقل هزینه تهیه شده. کریمی با عباس پهلوان‌نیزبحثی

تمام وقت خودرا صرف تمرین برنامه میکند، وگرنه «تهیه‌کننده» چه‌گناهی میتواند داشته باشد!!؟

م. صفار

## ۳

نمی‌دانیم این گردانندگان و کارگزاران سینمای ایران بـا چه معیارها وجهت‌هائی بافیلمهای خودروبرومیشونـد. درقاموس آنها هیچ چیزدلیل هیچ‌چیز نیست وهرکاری، بدون هیچگونه‌دلیـل انجام میشود واگرازخودشان بپرسی که حضرت! این‌چه آش‌شلـه قلمکاری است که‌پخته‌ای؛ بـرایت یك‌سلسله علت می‌تراشند که آخـرسر هم نمی‌فهمی‌منظورشان چه بوده وتازه‌دست آخرهم ترابه غـرب‌زدگی و بی‌علاقگی به‌سینمای ایران هم‌متهم میسازند!

نمونه این‌وضع بلبشو ودرهم وبرهم و این آش‌شله قلمکار، چگونگی انتخاب اسامی‌برای فیلمهای‌ایرانی است. خدانکند که‌یك فیلم ازنمونه مثلا جنائی یاجاهلی یاکمدی‌بگیرد، دراین‌صورت‌فردای آن روز مشاهده میکنی که یك سری فیلم با اسامی خنده آور و عجیب وغیر مانوس وبی‌مسما بالای فیلم‌ها گذاشته میشود وهمان‌مایه‌و تم‌فیلمی که‌بشدت گرفته، بنوعـی‌دیگرتکرار میشود وبه‌حلق خلق‌الله فرومی کنند!

گفتیم اسم‌گذاری فیلم‌های ایرانی‌هم دیگـر اسباب‌خنده و مسخره‌شده است بایداضافه کنیم که ازبعداز «قیصر» که‌فیلم ایرانی نام قهرمان داستان‌را برخودگرفت، یك‌سری فیلم بـا اسامی‌مضحك روی‌اکران آمدکه همه اسامی‌قهرمان داستان را داشتند کـه نمونه‌هایش را قبلادرطی این‌دوسال به‌کـرات شاهد بوده‌ایم. وآخـر یکی نیست بگوید حضرات فیلمسازاینهم شد اسم، مگراسم بانـدازه‌کافی وجود ندارد وگرفتارقحطی اسم شده‌اید؟ بهـرحال این قضیه فکـر می‌کنیم همچنان ادامه‌داشته‌باشد، ولی‌ایکاش کارگزاران سینما دراین ملك کمی بااندیشه وبدیدبهتری به‌کارخود بنگرند.

جمشید ارمیان

## ۴

من که با «بیك ایمانوردی» همکاری دارم وزیاد او را می بینم هرگز به‌اندازه آن‌روزاورا ناراحت ندیده‌بودم. وقتی‌علت‌ناراحتیش را پرسیدم گفت،

ـ خودت خوب میدونی که الان دو ماه است میخواهم فیلم «رضا چلچله وچراغ جادو»را شروع کنم ولی بخاطر سناریو موفق به این‌کار نمیشوم.

ومن چون قضیه‌رو بدرستی میدانستم گفتم،

ـ بالاخره میخواهی چیکار کنی؛ چه تصمیمی در این مورد گرفته‌ای؛

جواب داد،

ـ خیلی ساده است. ازش به‌سندیکا شکایت میکنم.

قضیه‌که مربوط میشود به «فریدون گله» از این‌قرار است،

هنوز فیلم «رضا چلچله» بروی اکران نرفته بود که بیك‌ـ ایمانوردی ایده تازه‌ای به‌«گله» داد تا سناریوئی تحت عنوان «رضا چلچله وچراغ جادو» برای اوبنویسد، گله «هفت‌هزار تومان» بابت این‌کار ازبیك درخواست کرد واو بدون چك‌وچونه پذیرفت. هنوز کارش‌راشروع‌نکرده بودکه مقداری‌ازآن‌پول راگرفت وطبق‌قرارداد تعهدنمود پانزده روزه سناریورا تحویل دهد ولی تایك‌ماه بعدخبری ازاو نشد تابالاخره بعداز تلفن‌های مکرر سناریو را تحویل داد و مابقی پولش راگرفت. من و بیك ایمانوردی و میرصمدزاده سناریو راکه ناقص وخیلی سردرگم بود خواندیم وحس کردیم اگرآنرابرای تصویب به اداره کل نگارشات وزارت فرهنگ وهنر بفرستیم مسلماً ردخواهد شد وچون «گله» حاضر به‌اصلاح‌آن نمیشد بیك‌ایمانوردی از «سیروس الوند» خواست آنرا درست نماید ولی اوهم‌که ظاهراً پا جای پای‌گله‌گذاشته است «هزار تومان» برای رفع‌گرفتاریش‌وشروع کارگرفت ورفت ودیگر نیامد. بالاخره من پیشنهاد کـردم « جمال امید» دوست وهمکار مطبوعاتیم این‌کاررا انجام دهد و او بـا وجود مشغله زیاد این‌کاررا قبول کرد.

نتیجه‌ی این همه وقت تلف شدن علاوه بر تأخیر در شروع فیلمبرداری مقادیر معتنابهی زیان است که به بیك‌ایمانوردی وارد آمده است وحتی بخیال شروع فیلمبرداری آن چند پیشنهادرابرای بازی درفیلم رد نموده است وحالا بهمین‌مناسبت ازفریدون گله که مسبب اصلی تمام این زیانها است به‌سندیکای هنرمندان شکایت کرده وکمیته سناریستها جلسه فوق‌العاده‌ای بمنظور رسیدگی به‌این‌موضوع تشکیل خواهد داد.

رضا شمشادیان

---

داشتند درمورد اسامی بی‌مسما و آخرین‌قسمت حرفهایشان سئوال وجوابی بود باین شرح،

ـ عباس چرا اسم‌تراپهلوان گذاشته‌اند.

پهلوان در جواب میگفت،

ـ پس چـرا بتـو کـریمـی میگویند.

کـریمی چون بحث رابنفع خـودش نمیتوانست تمام‌کند پس ازلحظه‌ای مکث جواب داد،

ـ بهتر است ایـن بحث را ادامه نـدهیم چون آنچه در تـو نیست پهلوانی‌است وآنچه درمن نیست کرم وبخشش.

کانال صحبت عوض شد وباز ازفیلم هائی‌که میشود به ارزانی تمام‌کرد گفتگو درگرفت کریمی میگفت،

ـ مهم فیزیك هنرپیشه است که بایدسناریو راروی چهره‌های هنرپیشه تنظیم کرد و بعقیده من هنرپیشه‌است‌که فیلم رابحداعلای خود میرساند وبازهنرپیشه است که فیلم را به سقوط وامیدارد.

## ۳

از تصادف وحشتناك محسن آراسته خبرهائی شنیده‌ایـد ولی آنچه میهمان ناشناس‌دراین‌یکی دو روز شنیده شایدبرای خیلی‌ها داغ‌تر وقـابل توجه تر بـاشد. آراستـه اکنـون در بیمارستان خوابیده وبرای عمل مجدد پا و بازویش اقدامات پزشکی صورت میگیرد، راوی میگفت یکی‌از زنها که سوار اتومبیل آراسته‌بود وازدوپا محروم شده است و پس زنی بودکه سر راه سواراتومبیل آراسته شده بـود و تمام مخارج درمان‌وبیمارستانش گردن‌آراسته افتاده تا رضایت ندهد آراسته‌در کشاکش بـدبختی خود و هزینـه طاقت‌فرسای تامین زندگی‌ومخارج او که‌شاید نتواندجبران کنددست وپا خواهد زد. و همین راوی اضافه میکرد برای اینکه کمکی ازناحیه همکاران باو بشود وبـا اینکه آراسته هرگز زیربارمنت دیگران نمیرود ولی تـا آنجاکه مقدوربوده عده‌ای از هنرمندان برای کمك ویاری ایـن هنرپیشه کـه هـم اکنـون بـرروی تخت بیمارستان‌درازکشیده‌است‌فعالیت میکنند ویکی دونفرازهمکارانش اقدام به جمع آوری وجوهاتـی برای پرداخت هزینه بیمارستان وسایرمخارج ناشی ازاین تصادف اقداماتی بعمل‌آورده‌اند مثلایکی از کارگردانان حدود پـانزده هزارریال و از تهیه‌کنندگان و هنرپیشه‌ها نیز چند نفری‌مبلغی تعهد کرده‌اند.

## ۴

و آخریـن مطلب اینکـه دیروز دردفترمجلـه فیلم و هنر

بقیه درصفحه ۴۱

# دردسر نامهای بزرگ

میهن بهرامی «متوسلانی»

## ۹

● دید خوب سینمائی کیمیائی مسئله‌ای است که در اکثر آثار اوعمومیت دارد.

این فیلمساز کوشش می‌کند که هرموضوع وقصه‌ای را با بهترین فرمی که‌بنظرش میرسد بتصویر درآورد . ازجهتی تلاش می‌کند دراینکه به نسبت سیر داستان روی یك‌خط مأنوس وتا حدودی مأنوس که‌برای‌تماشاگر غافلگیر کننده بنظر آید حرکت کند .

کیمیائی اولین کسی نیست که بسراغ اماکن اصیل رفته . گرایش به این‌سبك فیلمبرداری از مدتهاقبل تاامروز در سینمای فارسی بوده است ولی اویکی از اولین کسانی است که خواسته فیلمش دربطن خود نمودارهائی از یك جامعه کهنه واصیل‌داشته باشد. تنهاعیب‌این مسئله آنستکه بینش واطلاع اوازاین‌نوع‌جامعه بحدعلاقه‌اش نسبت‌بنشان‌دادن‌آن عمیق نیست.

آوردن مجموعه‌ای‌ازمراسم و مناظر و مرایا راستی هم به قدرتی بزرگ نیاز دارد برای پیوندبین‌این‌پدیده‌هاوهم‌به‌گستردگی موضوع که فیلم داش‌آکل اصولا فاقد آن‌است چون این‌فیلم‌فضای محدودی‌دارد و گسترش حادثی محدودتری .

کیمیائی داش‌آکل رابایك نوع‌تردید ونوسان فکری‌بوجود آورده است.

مثل اینکه زمانی کلا با هدایت و یا اثراو همراه بوده و خود راواقعاً علاقمندمیدانسته‌که هدایت رادرك کند وداش‌آکل او راجدی بگیرد وکاراکترداستان رابروشنی‌وصراحت بتماشاچی نشان بدهد وزمانی ناگهان‌دچار این دگرگونی عقیده شده که اقتباس ازیکداستان کوتاه‌ادبی درسینما کاریست‌رایج‌واومیتواند جدا ازهدایت آزادانه درفضائی شبیه بآنچه که او تصورمی‌کرده حرکت کند وراه خود راازمیان معبرهای اضافی ومهمان‌برهای انتخابی وتوقف‌های انتزاعی ادامه بدهد وهیچ مسئولیتی هم درقبال آنچه که مربوط بیك برداشت سینمائی ازیك اثر نوشته شده است نداشته باشد .

این حالات مستقیماً از فیلم استنباط می‌شود با این توضیح که کیمیائی در هردو حال حق داشته جز در تلفیق این دو حال درساختن یك‌فیلم .

جائی که فیلم ازاثرادبی‌اش جدا می شود ، باید خصوصیات کامل خودش‌راداشته باشدونوعی استقلال که خاصیت سینمائی‌اش را نشان دهد. یك فیلم نمیتواند نام خود را، قهرمانان خود را ، محیط وزمان خودرا، بسیاری‌از محاورات‌وتکیه کلامهای خودرا، آغاز وپایان خودرا از نوشته‌ای بگیرد ولی ادعا شود که مربوط بآن نوشته نیست.

اگر توهم این باشد که کیمیائی اقتباس سینمائی‌رانمی‌-داند اقدام بانتخاب او از یك‌اثر مشهور این توهم‌را رد می کند.

کیمیائی‌می‌خواهدبا انتخاب یك نام بزرگ و چشم‌گیر دیگر برگی زمین بزند. توجه میکنیم به‌برداشت‌وعلاقه اوازکارهدایت.

فیلم باجمله‌ای از هدایت ، ازداستان داش‌آکل آغاز میشود وباپاراگرافی‌ازهدایت، از کتاب بوف کور او پایان می یابد که تفسیری‌است ازهمان دردپنهانی که روح‌داش‌آکل را مسخر کرده است.

این دو تکه تنها نکته‌های بکرودست نخورده‌کار هدایتنددر فیلم. در نگاه اول کیمیائی با

**● جائی که فیلم از اثر ادبی‌اش جدا می‌شود باید خصوصیات کامل خودش را داشته باشد.**

**● کیمیائی اولین کسی نیست که بسراغ اماکن اصیل رفته.**

مسئله کمبود زمان در داستان داش‌آکل روبرو بوده است .

در این قسمت او از تمام عواملی که بنحوی می‌توانسته با داستان مربوط باشد وبه حوادث و محیط آن پیوند بخورد و همینطور مراسم ومکانهائی‌که می توانسته دریك سطح با داستان پیش برود کمك گرفته. این‌حوادث ومکانها چیز های تازه‌ای نیستند ولی امروز مد روز فیلم فارسی شده‌اند .

برای مثال اگر آن زمان که فیلم فارسی باصطلاح به‌مسئله شانس وتصادف وآبگوشت توجه داشت، هنرپیشه‌فیلم‌دربطن‌حوادث شبی‌هم سری بکافه میزد و حدود بیست دقیقه از فیلم بیك رقص و آواز وده دقیقه هم بزد و خورد در آن کافه مصرف می شد حالا هنرپیشه یا بحمام می رود یا به زورخانه .

غیراز یخچال های دولاب که‌محل دائمی وقایع امروز و آینده‌فیلم‌ها است‌نشان دادن‌محل های‌قدیمی وخانه های ایرانی باستونهای گچبری واطاق های پنج دری ودر های ارسی قسمت مهمی از فیلم هارا پرمی کند و

این درست شبیه زمانیست که نویسندگان باآوردن جمله ها و تفاسیری که در آثار هدایت و نویسندگان پیرو او زیاد دیده می‌شد، تصور می کردندکه راه اصلی‌را در ادبیات ایران‌دنبال کرده‌اند وتا بخواهید باحوادثی کمرنگ‌و جزئی‌محاورات‌عامیانه وفحش‌های جنوب شهری‌و تفاسیر مرسوم آن طبقات همراه بود و این واقعاً چیز اصیل‌وجالبی‌نمی ساخت فقط‌یك‌تقلیدبود که‌دولتش چندان نپائید.

فیلم داش‌آکل قدمی بالاتر از این مسئله است. کیمیائی اصالت‌را دوست‌دارد ولی بخاطر کمبود مدت فیلمش آنرا با حوادث ریزو درشت در محل‌های مخصوص‌پر می کند واین حوادث ومحل‌ها‌که بطور اضافی در بطن داستان‌وارد شده‌اند خوب‌پرورده نشده‌اند وگاه باصل داستان‌حتی جدا از قصه هدایت هم لطمه زده‌اند.

درنگاهی نزدیکتر، فیلم‌با قهرمانی جالب و استثنائی مثل جالب آثار کیمیائی آغاز می شود.

بهروز وثوقی ، با لباس و گریم مناسب با آن بازی‌روان وحساب شده که‌درداش آکل بمرز قابل تحسینی میرسد ، اولین و قوی ترین نقطه ثقل فیلم‌است.

بهروز وثوقی در نقش داش آکل با قبای شال ترمه‌ای و سر تراشیده ونگاه قهرآلود و صورت زخم خورده شخصیتی‌است که تصور فراهم آمدن فیلم داش آکل‌را آسان جلوه می‌دهد. ولی این شخصیت ، حتی اگر بتمام قدرت خود برای داستان کافی بود، برای فیلم کفایت نمیکند از یك‌جهت و از نقطه نظردیگر او وسایر شخصیتها، ازمرجان و کاکارستم گرفته، تارقاصه که‌سهمش خیلی بیش ازحد لزوم بالارفته، درطول نمایش فیلم رفته رفته پیچیده‌تر ومبهمتر می‌شوندودست آخرهیچیك نقش‌معلوم ومتبینی ندارند.

این مسئله بهمان موضوع نوسان‌تصمیم سازنده درساختمان فیلم برمی‌گردد. می‌نماید که او زمانی‌کاملا به‌هدایت وآفرینش داستانی او توجه داشته‌وپابپای اوحرکت‌می‌کرده است.

دراینحالت باید فکر کرد که داش آکل‌مردی است برگزیده وبامردم. مردیست آرام وپخته. مردی است رنج کشیده وخاموش که‌دردخودرا مثل زخمی‌پنهانی همراه‌می کشد ، بااینکه دست بر قمه داردظریف وحساس است، تنها است ومونسش یك پرنده است. عاشق است واین عشق را بسرحدجان جدی میگیرد،واقعاً مرد است بآن حدکه توجه‌ای به نامردان وخطرات احتمالی از جانب آنها ندارد ودرعین این صفات برجسته ومتضاد بالاخره انسانی است که‌گاه‌برای‌استراحت جسم به میخانه سرمیزند وگاه برای ترضیه‌روح‌بخدا ومعتقدات دینی‌هم‌توجه‌دارد.

تا اینجای‌داستان داش آکل هدایت ترسیم‌شده است ومن‌فکر می کنم که کمترفیلمسازی بتواند شخصیت داش‌آکل را آنطور که کیمیائی ووثوقی درسینما مجسم کرده بودند بهترخلق کند.

«شخصیت داش آکل را تا آنجاکه مربوط به مسئله فیکور وحرکت وچهره و لباس او بود».

ولی زمانی هم هست که کیمیائی فکر می کند که سینما هیچ‌قیدی به‌ادبیات نداردو‌برای خودش می‌تواند راهی جدا داشته باشد.

این زمان کیمیائی به‌تدابیر سینمائی متوسل می‌شود ودرکارش دو گانگی و انحراف بوجود می آید.

داش‌آکل او رند است‌بیش ازآن حد که بتوان ازاو انتظار داشت « می‌گوید نگذارید مردم بفهمند که انگورهارا به‌شرابخانه فروخته‌ایم» ولی همون یکبار، و توضیح بیشتری از رندی خودش بجا نمی‌گذارد. چون جاهائی‌هم هست که دیگر رند نیست بلکه می‌کوشد تاصداقتی خدا پرستانه القاء‌کند و اتفاقاً در آن موارد هم‌کاملا موفق نیست.

داش‌آکل میخواره است‌بآن حدکه نمی‌توان واقعاً باور کرد که او بیشتر به‌میخانه میرود یا بیاری مردم که ادعا دارند کمك آنهاست.

میخانه رفتن و سیاه مست شدنش چندین‌بار درفیلم می‌آید ولی کمکش فقط تعریفی است.

**شماره آینده تمام میشود**



**■ کیمیائی ، داش‌آکل را بایکنوع تردید ونوسان فکری بوجود آورده است.**

«کیمیائی» هنگام کارگردانی صحنه‌ای از «داش آکل»

# جنجال بزرگ «۹ مرد مبارز»

❁ احمد قدکچیان : اتحادیه باید چشم هایش بیشتر باز باشد تا از اجحاف گروه های نمایش دهنده به تهیه کننده‌ها، جلوگیری کند!

❁ فریدون ژورک : مدیران گروه سینمائی نمایش دهنده «حیدر» تخلف بزرگی درحق ما کردند!

❁ عباس شباویز : تهیه‌کنندگان سینمای ایران اتحاد ندارند و همین امر باعث میشود که سینما ها به آنها زور بگویند!

❁ نصرت‌الله وحدت: درمورد فیلم «حیدر» واقعاً بی‌انصافی شد، حقش نبود با فروش بالا آنرا عوض کنند!

اشاره :

● هفته قبل عقاید و نظریات «مهدی میثاقیه» رئیس اتحادیه تهیه‌کنندگان سینمای ایرانرا درمورد مطلب اساسی وداغ «۹مرد مبارز» مجله که شدیداً مورد استقبال تهیه‌کنندگان قرارگرفته، خواندید. در این شماره همانطورکه تذکر داده‌بودیم، عقاید چندتن از تهیه‌کنندگان‌دیگر سینمای ایران راکه برای مجله رسیده، در ذیل می آوریم . البته اگر عقاید تازه‌تری در این مورد به مجله رسید، این بحث را نیز در شماره آینده ادامه خواهیم داد.

## ● احمد قدکچیان

(تهیه‌کننده فیلم حیدر) :

■ من ضمن تائیداین‌بحث مجله ، نکاتی را بایب خدمتتان بگویم :

« قرارداد سینماها با تهیه کنندگان ظالمانه منعقد میشود ، چون اینها نمی‌آیند « سرجمع » گروه ، قرارداد امضاء کنند می‌روند یك سینما را از شمال شهر و یك سینما را از جنوب شهر وارد گروه می کنند وهر وقت هم دلشان خواست فروش را پائین می آورندو فیلمهارا عوض میکنند. فی‌المثل تعیین می کنند که سینما الوند«می‌نیمم»فروش‌شبی سه هزار تومان باشد اما می آیند سینماری را هم بغلش می گذارند و«سرجمع» میفروشد هفت هزار تومان ، ولی سینما الوند کمتر میشود وآنوقت حقه را به تهیه کننده‌ها میزنند و میگویند چون روز آخر سینما الوند از می‌نیمم سه هزار تومان پائین آمد ، ما ناچار شدیم فیلم را عوض کنیم .

**اینجا من باید به هشداری که رئیس اتحادیه‌تهیه‌کنندگان، به‌تهیه‌کنندگان‌داده، پاسخی بدهم وآن این است :**

**« اتحادیه، باید چشم‌هایش بیشتر باز باشد تا از اجحافی که‌گروه‌های سینماهای نمایش دهنده فیلم‌های فارسی به تهیه کننده‌هاواردمی‌آورند، جلوگیری کند . گروه های نمایش دهنده فیلم‌های ایرانی ، تهیه‌کننده‌ها را فریب میدهند مثل کاری که «مجتهدی» و «ایزد» در حق ما کردند .»**

در مورد چگونگی نمایش فیلم‌های ایرانی در گروه‌هاو تعداد هفته‌های نمایش واین که روی‌چه میزانی فیلم‌ها باید به‌هفته‌های بالاتر برود قدکچیان گفت :

«اگر یك فیلم در هفته اول نمایش خود ۴۵۰ هزار تومان فروخت باید به‌هفته دوم برود و اگردرهفته‌دوم ۷۵۰ هزار تومان فروخت به هفته سوم برود و در قرارداد هم این‌مواردذکر بشوند. روی این‌اصل فیلم «حیدر» می‌بایستی به‌هفته سوم میرفت.»

## ● فریدون ژورك

(کارگردان فیلم حیدر) :

■ بعد از قدکچیان از «ژورك» هم خواستیم که نظریاتش را در این مورد برای ما ابراز کند. وی در این مورد بما چنین گفت:

«گروه‌سینمائی نمایش‌دهنده فیلم «حیدر» تخلف‌کردند، چرا؟ اکنون برایتان توضیح میدهم . درقراردادهای منعقده بین گروه ها و تهیه کننده‌ها یك ماده‌ای است که بموجب آن اگر گروه‌ها سه روز قبل‌از پایان نمایش فیلم فعلی (روی اکران) فیلم بعدی شان را «رزرو» انتخاب کنند باید ۵۰ هزار تومان به تهیه کننده فیلم روی اکران بدهند.

**ولی اینها آمدند یك‌هفته قبل از برداشته شدن «حیدر» آگهی کردند که فیلم «بده در راه خدا» از هفته‌آینده‌نمایش داده خواهد شد ، این تخلف بزرگ را گروه های نمایش دهنده «حیدر» درحق‌ماکردند و اتحادیه هم نتوانست آنرا جبران‌کند وآن ۵۰هزارتومان را هم ندادند.**

روزی که خواستیم قرارداد نمایش حیدررا ببندیم مدیرسینما الوند آقای «ایزد» از دردوستی باماواردشد وبمن گفت که می‌نیمم فروش‌در «الوند» سه‌هزار تومان بشود فیلم را عوض خواهیم کرد من گفتم‌هیچوقت این‌کاررانمیکنم چون سینما ری بغل آن است و



**قدکچیان : قرارداد سینما ها با تهیه‌کنندگان ظالمانه منعقد می‌شود .**

بعد «ایزد» با «مجتهدی» به اصطلاح گردگیری کردودر برابر او جبهه گرفت- کەما بعداً فهمیدیم همه این کارها یك جور حقه بوده است ــ و سرانجام ایزد بما قول شرف داد که اگر فروش حیدر تا به دوهزار تومان‌هم‌رسید، نمایش آنرا ادامه بدهد.

**روزی‌که در اتحادیه جمع شدیم و میثاقیه و وحدت هم شاهد قضیه بودند، همین آقای «ایزد» اقرار کردکەروزتعویض، فروش فیلم باید دوهزارتومان بوده باشد. درصورتی‌که‌فروش فیلم در روز آخر در الوند ۲۹۵۷۰ ریال بود، ولی مع‌الوصف‌و باتوجه باین‌موضوع فیلم را برداشتند. بدین ترتیب گروه اجحاف بزرگی درحق ما روا داشتند.**

در این جلسه آقای میثاقیه رئیس اتحادیه ازقضیه مطلع شد، ولی دیگرکاری نمیشد انجام داد چون‌گروه آگهی نمایش «بنده‌در راه خدا» رااز صبح «چهارشنبه» چاپ کرده بود و لاجرم تلاش اتحادیه بجائی نمیرسید.

## ● عباس شباویز

**(تهیه‌کننده ومدیر عامل آریانا فیلم):**

■ عباس شباویز که اینك مدتی است ظاهراً سکوت کرده و فیلمی دردست تهیه ندارد، ولی دربطن قضایا همیشه بوده و در کوران سینمای ایران، در یك تماس تلفنی بما گفت،

من بادوگروه دەتائی و دو گروه اکران دو موافق هستم و داریم این کاررا انجام میدهیم و بااین‌نظر صددرصد موافقت دارم. **اما من نظرم این است که باید به‌مسأله تهیه کننده هائی که هم سینما دارند وهم فیلم تهیه می کنند، رسیدگی کرد چون نیمی ازاین مشکلات را آنها بوجود آورده اند. مثلا مجتهدی و نارنداس‌که هرکدام درسال ده بیست فیلم میسازند و اگر بخواهندگروه را اختصاص به نمایش فیلم‌های‌خودشان‌بدهند پس تکلیف‌فیلمسازان چه‌خواهد بود ؟**

**در این مورد باید اتحادیه تصمیم بگیرد.**

درموارد دیگر مثل «می‌نیمم فروش فیلم» و تعیین حد نصاب فروش برای تعویض هرفیلمی‌من باین ترتیب معتقدم که‌اگر فیلمی در هفته اول بین پانصد و پنجاه هزار تومان تا ۶۵۰ هزارتومان فروخت باید به هفته دوم برود و باز اگر در هفته دوم بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان فروخت به هفته سوم برود. مثلا فیلم ژورك «حیدر» حقش‌بود سه هفته‌ئی‌بشود چون در پایان هفته دوم به مرز ده میلیون ریال نزدیك‌شده بود.

من‌اعتقاددارم که‌تهیه‌کننده- **های ایرانی اتحاد ندارند.عدم اتحاد واتفاق ما باعث میشودکه سینماها مقداری به ما زور بگویند** و حرف خودشان را به کرسی بنشانند، در صورتی‌که اگر همه تهیه کنندگانی که عضو اتحادیه هستند، درمقابل‌سینماها بایستند وبه‌آنها فیلم ندهند،این اجحاف بر بعضی‌ازتهیه‌کنندگان امثال قدکچیان و ژورك وارد نمی‌آمد. بهرحال ما داریم در این‌زمینه اقداماتی انجام‌میدهیم تاببینیم چطور می‌توانیم آنها را به مرحله اجرا دربیاوریم.»

## ● وحدت

**(تهیه‌کننده وکارگردان:)**

■ وحدت دبیر اتحادیه تهیه‌کنندگان که خود تهیه‌کننده وکارگردان محصولات‌ایرانی‌است در این‌مورد گفت:

«من‌همیشه بااین‌طرزقرارداد با سینماها مخالف بودم. فیلمی مثلا در هفته اول عالی‌فروش‌می- کند بعد در هفته دوم گرفتار یك وضع استثنائی‌میشود وفروش‌فیلم کم میشود و آنوقت سینماچی خودرا موظف میداندکه آنرا عوض کند!

در بیشتر کشورهای اروپائی تعویض فیلم بیشتر روی فروش آن است مثلا اگر فیلمی‌درهفته اول ۶۰۰/۰۰۰ تومان فروخت سهم صاحب سینما ۴۵٪ و سهم صاحب فیلم ۵۵٪ خواهد بود و بهمین نسبت اگر در هفته دوم فروش ۳۰۰ هزار تومان بشود پورسانت صاحب‌فیلم کم ودرآمد صاحب سینما نسبت به صاحب فیلم زیاد میشود ولی به هفته سوم میرود.

من عقیده ام این است که فیلم بایدروی فروش هفته، عوض بشود. نه این‌که به محض آن که دری به‌تخته خورد وفروش‌پائین آمد آنرا عوض کنند.

**در مورد فیلم «حیدر» بی‌انصافی شد، چون دردوهفته یك میلیون تومان فروخت و می بایستی آنرا در هفته سوم ادامه میدادند، در قراردادش نوشته بودند که‌اگر درنیاگارا از۷هزارتومان پائین‌بیایدودر الوند ازسه هزارتومان (شبی) کمترشد، فیلم‌را عوض‌کنند.**

من اینجاپیشنهادی دارم و آن‌این‌است که سینماهای بالای شهر، بردارند یك فیلم خوب ایرانی‌رااکران‌دوم‌نمایش‌بدهند، چون‌اگراین‌کارانجام‌بشود، فیلم ها آنقدرحبس نمیشود وتکلیف آنهائی که فیلمشان‌اکران‌بدست نمی‌آورد، معلوم‌میشود. ■



ژورك:
گروه سینمائی نمایش دهنده فیلم «حیدر» تخلف‌کردند.



شباویز:
من با دوگروه ده‌تائی ودو گروه اکران‌دوموافق‌هستم.

تهیه وتنظیم از: جمشید‌ارمیان



# من از میعادگاه خشم دفاع می کنم

● «سعید مطلبی» را با ستاریو-هایش شناختیم و درسال گذشته با نمایش «کوچه مردها» با کارش درزمینه کارگردانی آشنا شدیم.

امسال ازاو فیلم پرسروصدای میعادگاه خشم بنمایش در آمد که برغم توجهی که ازهرجهت بدان شده بود، فیلم ناموفقی ازآب درآمد بخصوص آنکه تاحدی وضع وی را ازنظر کاری متزلزل کرد.

وی را بعد ازانتشار مطلب «۹ مردمبارز» دیدیم. درعین آنکه نظریات مجله مورد قبول او بود، معهذا از فیلم «میعادگاه خشم» دفاع میکرد و همین امر سبب شد که ازاو بخواهیم در مورد این ادّعای خود باما گفتگوئی داشته باشد.

●

**- شما را بعد ازفیلم کوچه مردها بعنوان یك کارگردان خوب درسینمای ایران شناختیم تصور می کنید فیلم میعادگاه خشم با توجه باین مسئله که همه جوانب یك فیلم خوب را دارا بود چرا با اقبال تماشاگران مواجه نشد؟**

مطلبی - من فکر میکنم اگر موافق باشید درمورد این بحث اگر مفصل تر صحبت کنیم از خیلی جنبه‌ها میتواند مفید واقع شود حتی از جنبه ای که اکثر دست اندرکاران سینما با آن درگیرند، یعنی «سانسور» بنا براین من برای شما روشن می کنم که اساساً ماچه می خواستیم بسازیم.

حدوداً روال قصه میعادگاه خشم تا ده دقیقه پایان و یا تا لحظات پایان همین داستان بود که بصورت فیلم درآمده بود، درست تا لحظه‌ای که نظر (بهزاد فراهانی) چنگك را برمیداشت و به ستار (قادری) حمله میکرد. در اصل داستان بدینصورت در می آمد که ستار درست درلحظه‌ای که تصمیم میگیرد اورا ببخشد ودرلحظه‌ای که «نظر» را می بخشید، توسط چنگك کشته میشد، این قتل بیشتر برای هاشم (رشیدی) پدرستار یك فاجعه بود برای اینکه درچندین لحظه از فیلمما تکیه کرده‌ایم روی این مسئله که هاشم پسر خودرا آدم نامردی نمیداند و تصور نمیکند که او کسی باشد که از پشت به کسی حمله کند وهمیشه این دل-خوشی را بخودش میدهد که اگر ستار زن قدم (فردین) را کشته این مسئله صرفاً یك تصادف بوده است نه عمد وناجوانمردی.

پلان بعدی، یعنی بعد از مجروح شدن ستار این بود که ستار عقب عقب بطرف پدرش می رفت درعین آنکه بهت زده شده بود یعنی درحالت عادی وی این کاررا نکرده بود وتازه متوجه میشود که قتل کرده است و بهتر بگویم خودش ازاین ماجرا شوکه است.

وقتی عقب عقب بطرف پدرش میرود، اوبرایش همه چیز روشن شده است. اومیداند که خصوصیت اصلی پسرش نظررا دیده است که چگونه ازپشت خنجر میزند و ناجوانمردانه رفتار میکند، دیگر تمام افکاری که درمغزش داشته از بین میرود و بعد روی نظررا گرفته وبطرف خود برمیگرداند وباو میگوید «توبمن دروغ گفتی نظر، تو یك نفر را ازپشت زدی، تو دیگر پسرمن نیستی نظر، تو یك نامردی».

وبعد ماروی صورت نظر عکس العمل یك زخم خوردن و یك فریادرا میدیدیم وصحنه وقتی بازمیشد، هاشم رامیدیدیم که چاقو در دستش قرارداردو. اوپسرش راکشته است. سپس نظرمیگفت، «تو...تو...» وبعدماوقتی جهتمان راعوض میکردیم و دوربین روی صورت هاشم قرارمیگرفت. هاشم درحالیکه اشك میریخت میگفت، «آره...من،من..پسر» واین اولین باری بود که او به پسرش «پسر» میگفت نه «پسرم» بقول معروف «سهراب کشون» آخر فیلم ما چنین بود وتمام مسائلی که ما با نقش هاشم از اوائل فیلم آمده بودیم جلو بهره برداری از این لحظه بود. بعد آنطرف قضیه صحنه‌ای بود که ستاردرحال مردن بود ستار به پسر قدم ودرحقیقت پسر خواهرش قول داده بود که وقتی بتهران آمد، او را به بوت کلاب خواهد برد که سوار چرخ وفلك ومرغابی قرمزه شوند. ستار وقتی دارد میمیرد هنوز نمیداند که نظر کشته شده و او بهمان خوی انتقامجویش برگشته وروبقدر کرده میگوید «من دارم نزدمتو رمیروم، اماتتی دست تو سپرده، توتمومش میکنی نه»

وقدر باآنکه میداند نظر مرده، به ستار میگوید «آره تمامش میکنم» وسپس ستارمیگوید وقتی بتهرون برگشتی یادت باشد که محسن رو ببری بوت کلاب سوار چرخ وفلك بکنی وخودت هم روی مرغابی قرمزه نشسته مثل مرخ پوستا شیهه بکشی. باو بگو که دل دائی ستاربرای تو یك ذره شده» وسپس میمیرد.

بقیه درصفحه ۴۱



□ ستار درمیعادگاه خشم یك آدم «اندیویدوآلیسم» بود.

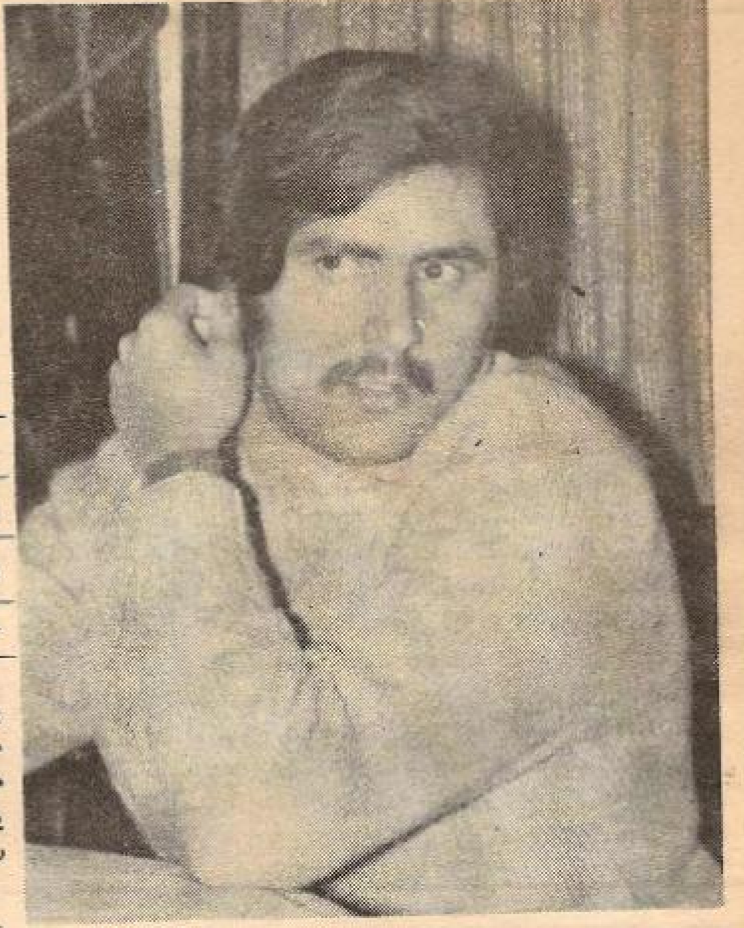
# معصومیت های از دست رفته

## فریدون گله :

● فیلم گاو را اگر غربی‌ها نمی‌گفتند فیلم خوبی است کسی استقبال نمیکرد !!

● ساعدی بنظر من سینما را نمی‌شناسد !

● تماشاچی از یك پسر ایرونی زیر بازارچه‌ای مثل «فردین» انتظار جیمز باند بازی را ندارد.



● قبل از آنکه گفتگوی خودمان را بر روی نوار ضبط کنیم، گله پیرامون مسائلی که میبایست برای یك سناریست مطرح باشد صحبت‌هائی کرد . و ضمن آن در مورد «معصومیت» ونقش آن در سینما حرفهائی زد.

پس از آغاز گفتگویمان باو میگوییم:

**- بهتر است بحث خودمان را از سناریو و سناریست و معصومیت سینمائی که خودتان مطرح کردید، شروع کنیم . معصومیت سینمائی یعنی چه ؟**

● سینمای امروز، بخصوص سینماهای پیشرفته از نظر تکنیکی، مقدار زیادی محتوای خودشان را همیشه در قالب‌های عوام فریب تکنیك بیان میکنند، و خواه ـ ناخواه مقدار زیادی دست و بالشان باز است. سرمایه‌های زیادی دارند وچشم تماشاچی را بزرق و برق فیلمهایشان خوره میکنند . در حالیکه خیلی ساده اگر ما بیائیم تعدادی از این فیلمها را با آثار گذشته مقایسه کنیم ، می‌بینیم که اصلا قابل مقایسه نیستند. مثلا فیلمهای جیمز باند را بیائیم با فیلمهای نظیر آن در سالهای ۴۰ـ ۴۱ تا ۴۸ مقایسه کنیم، می‌بینیم که این فیلمها سریالهائی بودند خیلی تمیز ، خیلی معصوم و خیلی خوب . مثل **« خنجر مقدس»، « الهـه خورشید » ، «بلای جان نازی»**. اینها یك مقدار «المان»هـای داستانی و «المان» های سناریو نـویسی در خودشان داشتند. بقول معـروف دارای آدم بده، آدم خوبه، جیمی وخلاصه قطب مثبت ومنفی بودند. اما همه آنها در یك قالب خیلی خیلی ساده وخیلی معصوم بیان شده بود که هیچگونه تزویری در آنها دیده نمیشد. واگر حال این فیلمها را ببینیم مقدار زیادی به حقانیت آنها پی میبریم. اکنون ما فیلمـ های جیمز باندی را می‌بینیم که حتماً شروع آن با یك صحنه بسیار مجلل که در کنـار جیمز بانـد تعدادی دختر سکسی است و بنا ـ مردی هفت هشت نفر را میکشد و جواز کشتن را نیز از همه جا دارد وهمیشه نیز پیروز است. ولی اگر درفیلمهای قدیمی مثلا ( خنجر مقدس) دقت کنیم، می‌بینیم هرگز از پشت دشمن را نمی‌زدند وصبر میکردند تا شخص مـورد نظـر برگردد و آنوقت هـر حادثـه‌ای بود شروع میشد منتها اینها دیگر مطرح نیستند. این «معصومیت» های کوچك که اصولا اسکلت بندی یك داستان است متأسفانه ازبین رفته است.

حالا در تمام دنیا تماشاچی بین ایـن تکنیك پیشرفتـه کـه من بآن « عوام فریب » میگویم وآن معصومیت‌های از دست رفته سرگردان مانده است . ما دیگر فیلمی کـه در قالب ساده ساخته بشود نمی‌بینیم...

**- فکرمیکنید این موضوع نیز در مورد سینمای ایران صادق باشد؟**

● بله. درسینمای ایـران نیز فیلمی که درقالب ساده ساخته شود خیلی کم است ، یکی ساخته شد بنام «گاو» . در همان قالب ساده، صمیمی وباصطلاح بی ریای خودش ودیدیم که چه جنجالی بپا کرد ...

**- این معصومیت سینمائی که شما میگوئید، شاید یکی از عواملی که باعث شد در سینمای ایران ازبین برود، خود مردم بودند . یعنی تماشاچی از این فیلمهای غیر صمیمی استقبال کرد وتهیه‌کنندگان نیز که فکر سرمایه خودشان بودند مجبور شدند بـدنبال خواسته های تماشاچی بروند. آیا شما معتقد باین نیستید که مردم باعث از بین رفتن این معصومیت ها شده‌اند؟**

● من صددرصد معتقد باین حرف شما هستم . ولی میتوانیم بگوئیم که مردم بدنبال چشمشان رفتند تا حظ بصری ببرند ولی شما این را در نظر بگیرید کـه فاجعه‌ای که برای سینمای جهان اتفاق افتاد تهیه کننده نبود، بلکه تلویزیون بود.

با ورود تلویزیون به یکباره دست کمپانی‌ها بسته شد. تماشاچی هائی که ساعت هـا درصف سینما می‌ایستادند دیگر راضی نشدند تلویزیون را ندیده گرفته و به سینما بروند. بنابر این سینمـا بطرف تکنیـك های جدید تری کشیده شد . از آن جمله سینه راما، سینماسکوپ وهفتاد میلیمتری وصداهای استریوفونیك بود تـا بدین وسیله مردم را بسالن وعظمت صحنه بکشند . اما این عـظمت صحنه ملزم باین بود که همراه با تکنیك، وسائل تکنیکی نیز جلو برود .

لذا کم کم سرمایه گذاری‌ها بیشتر شد وخرج یك فیلم چندین برابر گردید وتهیه کننده مجبور شد کاری کند تا پولی که در این راه ریخته بدست بیاورد، وناچارا از وجود افراد بیشتری استفاده کنند. همانطور که درفیلمـهای خارجی می‌بینیم که یك فیلم کار ـ گردانهای مختلف دارد. وبعقیده من این کارگردانها هرگز نمی ـ توانند اصالت یك اثـر را حفظ

بقیه در صفحه ۴۲

## یك گپ تلفنی با:

# الهه



● الهه: با ادغام رادیو و تلویزیون و با سرپرستی آقای قطبی حتم دارم رادیو و تلویزیون بموفقیت های شایان توجه‌ای دست خواهد یافت

● جنجال اخیر خوانندگان وشکایت آنان بدادگستری باعث شد که این هفته با «الهه» خواننده‌ای که سالها در رادیو فعالیت دارد و صفحاتش همیشه جزو پر فروشترین صفحات روز بوده است تلفناً تماس گرفته و نظرش را دراین مورد بخواهیم.

● **خانم الهه، چه نتیجه‌ای ازشکایت خوانندگان بدادگستری گرفته شد؟**

الهه- بدون شك درروزنامه ها آنرا خوانده‌اید ومن همینقدر میگویم که خوشبختانه دادگستری درنهایت خوش بینی بشکایات ما رسیدگی کرد ونتیجه اینکه برای متخلفین از ۶ ماه تا سه سال زندان درنظر گرفته شده است.

● **فکر میکنید این کار همچنان ادامه پیداکند؟**

الهه- صددرصد

● **مدتی است از شما**

# این چهره های

# رضافاضلی:

● من مهرجوئی را به سینمای ایران معرفی کردم!!

● آقای سیامك یاسمی در مورد مهرجوئی اشتباه میکنند!



● **چطورشد بیکباره شرکت درمحصولات خارجی راکنار گذاشتید؟**

فاضلی: من درهر کجا که فیلم بازی کنم دلم میخواهد فیلمهایم را درمملکت خودم نمایش دهند ولی چون سانسور از نمایش فیلم‌های خوب من جلوگیری کرد تصمیم گرفتم فعالیتم را درایران متمرکز کنم.

● **پیشنهاداتی بشماشده است؟**

- بله ولی بدلایل بالا فعلا

**برنامه های کمتری از رادیو ایران پخش میشود علتش چیست؟**

الهه- اتفاقاً اینطور نیست فقط مسئولین رادیو کمتر از نوارهای قدیمی من استفاده میکنند ولی اخیراً نوارهای جدید من مرتباً ازرادیو پخش میشود.

● **با ادغام رادیو و تلویزیون موافقید؟**

الهه ـ صددرصد . این یکی از کارهای برجسته وقابل توجه میباشد که نه تنها برای مردم بلکه برای خود هنرمندان نیز درخور توجه می باشد . بخصوص آن که سرپرستی آن بعهده **آقای قطبی** است درطی این مدت کوتاه شما ناظر پیشرفتی که درزمینه های مختلف دررادیو وتلویزیون شده است بوده اید ودرآینده نیز بیشتر خواهد شد . من تاکید میکنم با سرپرستی آقای قطبی حتم دارم رادیو و تلویزیون بموفقیت های شایان توجه ای دست خواهد یافت.

● **درتلویزیون برنامه هائی برای شما در نظر گرفته شده است؟**

الهه ـ چرا ، قطعیت آن هنوز معلوم نشده است ولی در طی جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران برنامه ـ ائی از من پخش شد .

● **آهنگهای جدیدی از شما ضبط شده است؟**

الهه ـ بله، یکی از آنها «فریب» میباشد که ساخته حسن لشکری است ودیگر نرگس که افغانی است وبدون شك صفحه (قصه عشق) را که از صفحات خوب من است شنیده اید اشعار این آهنگ را آقای کریم فکور ساخته اند .

● **نهایت متشکرم خدا حافظ.**

الهه ـ خواهش میکنم، خدا خداحافظ .

# آشنا

## از : ح . پریور

منصرف شده ام .

● **گویا «خردجال» اولین محصول سازمان سینمائی مستقل شما «کوروش» میباشد. آیا به موفقیت آن اطمینان دارید؟**

ـ فیلم خردجال میتوانم بگویم مثل کتاب حافظ می ماند هرکس نسبت به شعور خودش از آن برداشت خواهد کرد . این فیلم برای همه طبقات ساخته شده است، حتی برای تیپ انتلکتوئل و کسانیکه شیفته بحث های فلسفی هستند. آندسته از کسانیکه خواهان سازوضرب میباشند، نیز از فیلم راضی خواهند بود.

در فیلم مسائل روز ما مطرح است، ترافیك، انسانهای غارنشین و... بزرگترین بحثی که در فیلم است مسئله ی انسان و شیطان میباشد که آیا بالاخره انسان گول شیطان را خورده است یا شیطان .

● **چه کارهائی در آینده خواهید کرد؟**

ـ تمام فعالیتم را در «کوروش فیلم» متمرکز کرده ام وتصمیم دارم برای ساختن فیلم سرمایه گذاری کنم.

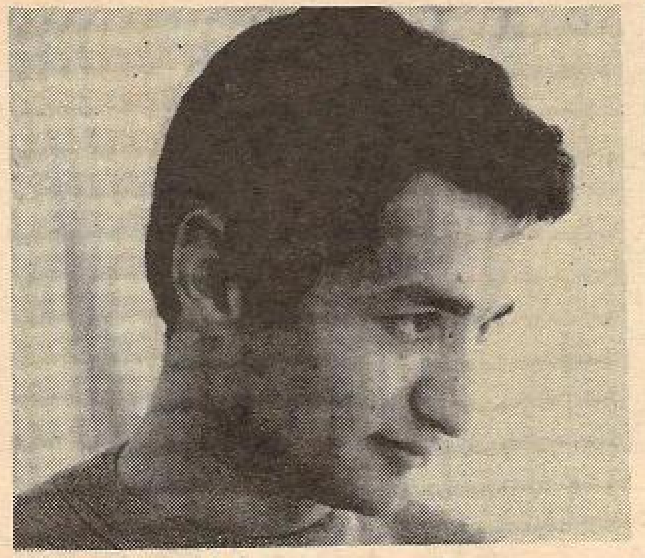
● **تصمیم ندارید خودتان کارگردانی کنید؟**

ـ کارگردانی یك فیلم بمعنای امضاء کردن آخر فیلم است ولی اگر خدا بخواهد تصمیم دارم فیلم «فرزند کبیر» را که ۵ سال تمام روی داستان آن کار کرده ام بسازم .

● **ولی شما قبلا فیلمهائی راکارگردانی کرده اید.**

بقیه در صفحه ۳۹

## نظری و گذری



# مصطفی عالمیان

## برنده جایزه سپاس

● با نمایش فیلم خوب «آدمك» یکبار دیگر مصطفی عالمیان بعنوان یك فیلمبردار با تجربه معرفی میشود. کار وی در این فیلم کاملا چشمگیر ودر خور توجه میباشد.

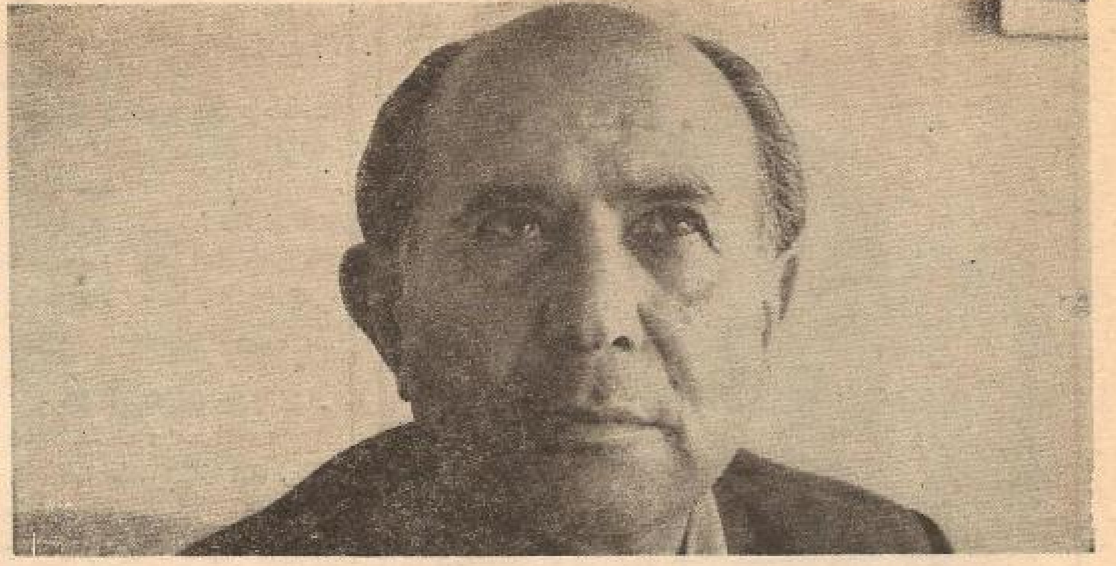
عالمیان هرچند فعالیت خودرا با فیلم «الماس ۳۳» شروع کرده است ولی با فیلم **«امشب دختری میمیرد»** که ضمن فیلمبرداری، کارگردانی آنرا نیز بعهده داشت توانست موقعیت خوبی برای خودکسب نماید. این تنها فیلمی بود که عالمیان توانست خودرا نشان دهد و با دریافت جایزه سپاس بعنوان بهترین فیلمبردار رنگی موقعیت خودرا در سینمای ایران تثبیت نمود.

عالمیان قبل از آنکه برای تحصیل در رشته فیلمبرداری به لوس آنجلس برود با گروه اسکوئی ها فعالیت داشت. درسال ۱۳۴۵ پس از اتمام تحصیلات خود بایران بازگشت و با فیلمبرداری **الماس ۳۳** بکارگردانی داریوش مهرجوئی کار خودرا در ایران آغاز نمود. این فیلم هرچند نمیتوانست صددرصد یك فیلم قابل توجه باشد ولی نشانی بود از ذوق و شعور فیلمبرداری چون مصطفی عالمیان وکارگردانی چون «داریوش مهرجوئی» .

مصطفی عالمیان بخاطر آنکه قبل از ورودش بایران درامریکا ضمن تحصیل کار میکرده است نه تنها درزمینه فیلمبرداری سیاه و سفید تجربه دارد ، بلکه در فیلمبرداری رنگی نیز تجربه کافی دارد و کارش نیز بخاطر شعوری که در این کار دارد مورد توجه است .

وی تاکنون فیلمبردار فیلمهائی چون **بیگانه بیا ـ وسوسه شیطان ـ دشت سرخ ـ جاده تبهکاران ـ مرد هزار لبخند و امشب دختری میمیرد** بوده است. وفیلم «بیگانه بیا» را میتوان جزو بهترین کارهای او دانست هرچند که خود خلاف نظریه ما را دارد .

وی اکنون کارگردانی را کنار گذاشته است و فقط بعنوان فیلمبردار در سینمای ایران فعالیت دارد. چندین قرارداد جدید منجمله فیلم «آبشار طلا» بکارگردانی سیامك یاسمی بسته است وبزودی فیلم دیگری را بنام نالوطی ها شروع خواهد کرد .



# صادق بهرامی: باکلاه‌نمدی وچپق نمی‌توان فیلم ایرونی ساخت!

**استاد «صادق الدوله» بازیگر برنامه تلویزیونی «اختاپوس» که‌معرف حضورتان هست! پس دیگر هیچ احتیاجی نیست که درباره او قلمفرسائی کنیم، زیرا تمام دست اندرکاران تاتر و سینما بخوبی او را می‌شناسند و شنوندگان رادیو نیز با نام «صادق بهرامی» آشنائی دیرینه دارند. بهمین جهت گفتگوی این هفته خودرا باستاد «صادق‌الدوله» یا بهتر بگوئیم «صادق بهرامی» اختصاص داده‌ایم.**

● **درباره خودتان و فعالیتهای‌هنریتان حرف بزنید ...**

**بهرامی:** من کارتاتر را از یازده سالگی شروع کردم والان پنجاه ویك سال است که‌دارم در این‌رشته فعالیت میکنم.

● **برای تکمیل نمودن هنر خود، چه دوره‌ای دیده‌اید؟**

**بهرامی:** اولین‌دوره را در سال۱۳۱۴ درهنرستان‌هنرپیشگی تهران دیدم این هنرستان‌تقریباً ماننددانشکده هنرهای زیبای فعلی بود که در آنموقع وابسته بسازمان پرورش افکاربود.

● **از چه‌سالی همکاری خود را با رادیو شروع کردید؟**

**بهرامی:** ازسال‌هزاروسیصد وسی یك بعنوان کارگردان‌وسرپرست‌نمایشات رادیوئی دررادیو شروع بکار کردم ودرسال ۱۳۴۱ بدریافت نشان پنجم همایون‌در سمت‌سرپرستی هنرپیشگان‌رادیو مفتخر شدم.

● **چطورشد که بازی در نمایشنامه‌های تلویزیونی را قبول کردید، آیافکر نمی‌کنید اینکاروقت شما رابگیرد؟**

**بهرامی:** من ازسالها قبل، یعنی در آن موقعیکه هنوز دو کانال تلویزیونی تلفیق‌نشده بود با تلویزیون همکاری می‌کردم، وهمیشه هم بی فرصت مناسبی بودم تا دوباره این همکاری را ادامه بدهم، تا این که پرویز صیاد پیشنهاد بازی نقش «استاد صادق‌الدوله» را در سریال تلویزیونی اختاپوس بمن نمود وتابامروز این‌فعالیت‌ادامه دارد. من‌برنامه‌ام‌را طوری‌تنظیم کرده‌ام‌که هیچگونه لطمه‌ای‌بکار رادیوئی ودیگرفعالیت‌های‌هنریم وارد نمیشود.

● **اگر ازشمادعوت‌کنند که بغیر از برنامه اختاپوس‌در سریال دیگری بازی کنید، آیا این پیشنهادرا می‌پذیرید؟**

**بهرامی:** اگر ببینم به برنامه‌اختاپوس‌لطمه‌ای‌نمیخورد، حتماً این پیشنهادرا قبول خواهم کرد.

● **اینطور که دیده‌ایم و شنیده‌ایم ازسال‌گذشته فعالیت خود را در سینما هم گسترش داده‌اید، ممکن است بگوئید چه فیلمهائی ازشماآماده‌نمایش است؟**

**بهرامی:** فیلمهای «راز درخت سنجد» بکارگردانی جلال مقدم و «سعدوسعید»بکارگردانی کوشان و «گنج» بکارگردانی ابراهیم گلستان از من آماده نمایش است وهمچنین پارسا فیلم وآس‌فیلم هم دعوتی از من بعمل آورده‌اند تادر یکی‌از محصولات تازه‌شان شرکت کنم.

● **بعقیده شما هنرمند باید دارای چه‌خصایصی باشد؟**

**بهرامی:** من‌معتقدم‌هنرمند درهرمقامی که باشد باید عزت نفس داشته باشد و وظیفه‌شناسی را فراموش نکند وهیچگاه ازکار خود راضی نباشد. من معتقدم که هنرمند واقعی به‌هیچ‌عنوان‌نباید غرور وتکبر ازخود نشان دهد.

بنظر من‌هنرمند الگوی‌یك آدم خوب وباایمان است ومردم همیشه مواظب رفتار و گفتار او هستند، پس یك هنرمندنمیتواند ماجراجوئی پیشه کند، زیرا که نباید جامعه راگول بزند. اصولا من معتقدم که‌بهر کی نبایدبآسانی لقب هنرمند داد.

● **تاچه حد باصالت فیلم ایرانی معتقدی؟**

**بهرامی:** اصولا درهر کاری باید اصالت را بمعنای واقعی‌در نظرگرفت. من عقیده دارم‌باکلاه نمدی وچپق نمیتوان فیلم‌ایرانی ساخت. کاراکتر بایدایرانی‌باشد، نه‌شلیته و کلاه... اگریك‌فستیوال بین‌المللی بگذارندما برای‌نمونه یك فیلم ایرانی نداریم‌که برای نمایش به‌فستیوال بفرستیم. البته حرف در این باره زیاد است که در فرصتهای آتی بتفصیل پنبه خیلی هارا خواهم زد!

● **خیلی متشکر وممنون.**

**گفتگو از: ع. رهنما**

# چهره های متغیر



● حسین کرد



● اسمال در پاریس



● هاشم‌خان

بعد از «کلاه مخملی»، ملك مطیعی روی به فیلمی می‌آورد که هم از نظر کیفیت آن موردتوجه قرار می‌گیرد وهم ازنظر تیپ که این تیپ علیرغم سادگی، باعث دگرگونی نسبی دیگری می‌شود. ماحصل تلاش ملك‌مطیعی در زمینه کارگردانی و بازیگری فیلم «سوداگران مرگ» بود... «ملك‌مطیعی» شاید با این فیلم، می‌خواست به فیلمسازان دیگر، ثابت کند که او فقط شرایط لازمه برای فیلم‌های جاهلی را ندارد، بلکه‌قادر است در هر نوع تیپ و شخصیتی ظاهر شود... اگرچه این فیلم‌در زمان تهیه خود، مورد توجه سینماروها قرار نگرفت، ولی مورد اخیر، یعنی قادر بودن ملك مطیعی به بازی در هر نوع نقشی، درفیلم‌های بعدیش به‌اثبات رسید... چه هنوز ملك مطیعی، راه درازی را در پیش داشت و نقش‌های متعددی برای آینده‌او در نظر گرفته شده بود...

«عروس‌دهکده» یکی ازاین فیلم‌ها بود که در آن «ملك‌مطیعی» نقش متفاوتی یافته بود... اما هیچیك ازاین فیلم‌ها سبب دگرگونی چشمگیر ملك مطیعی به آنصورت که «آراس‌خان» مؤثر بود، نشد.

«ملك‌مطیعی» با «**آراس‌خان**» یکباره تغییر فرم محسوس و مشهودی پیدا کرد. او در هیبت یك خان سختگیر و با ظاهر چنین مردی یکباره شکلی دیگر پیدا کرد... با آن کلاه‌وسبیل ولباس‌مخصوص و آن حرکات خاص این‌مرد، سوار بر اسب... «آراس‌خان» به‌همان صورت «ملك مطیعی» را تغییر داد، که اولین فیلم جاهلی‌اواین کار را کرد.

ولی تیپ جاهلی او دنبال گردید در حالی که‌تیپ یك خان سختگیر، عملا دنبال کردنی نبود. بعد از «آراس خان» نوبت آن رسیده بود، که یکبار دیگر ملك مطیعی با تیپ یك جاهل‌در فیلمی‌ظاهرشود... این‌باراگرچه ملك مطیعی، همچنان یك جاهل بودولی‌نوع کار وشغل‌اوسبب‌تازگی تیپ‌او گردید... «**مرده‌اوجاده‌ها**» ملك مطیعی را درنقش یك‌جاهل راننده، در خود داشت... ملك مطیعی بعد از سال‌های متمادی که‌از تهیه‌ی فیلم «مردهاوجاده‌ها» می‌گذرد، هنوز‌به‌این فیلم‌علاقمند است وتیپ خودرا در آن فیلم، به عنوان تیپ مورد علاقه‌ی خود ذکر می‌کند...

«ملك مطیعی» معتقداست که همیشه‌بهتر وراحت‌تر درنقش‌یك راننده ظاهر می‌شود، کما اینکه بهمین‌خاطر بازی درفیلم «کلبه‌ئی آن‌سوی‌رودخانه» را باآنکه‌نقش اول آن‌را دیگری بازی می‌کرد قبول نمود.

«لذت گناه»، یکباره‌به‌«ملك مطیعی» ظاهری‌دیگر گونه بخشید، به‌صورتی که چهره‌ی او از نظر تازگی‌وتغییر، در ردیف چهره‌ی او درفیلم «آراس‌خان» بود. «ملك مطیعی»، در این فیلم با لباس زنده‌ی یك پیرمرد آسیابان وبا گریم مخصوص، یك تغییر کلی را در کاریر خود باقی گذاشت... البته این گریم به‌صورتی بود که گوئی پیرمرد آسیابان ریش خودرا در آسیاب، سفید کرده است! ولی بهرحال، ازنظر کیفیت، این‌تغییر بی‌تأثیر نبود. بدنبال این فیلم «ملك مطیعی» یك‌بار دیگر در یك فیلم با تیپ یك جاهل ظاهر شد، منتهی در فضائی دیگر...

«ابرام درپاریس» برای‌سازندگان فیلم، می‌توانست یك‌محصول تازه باشدولی در اصل، چهره‌ی «ملك مطیعی»، چهره‌ی‌همان‌جاهل‌شناخته شده با همان حرکات بدن وهمان حرکات ابروها بود ورفتن او به لب دریاوسروکله‌زدن‌بالختی‌های آن زمان واختلاط سکس جاهلی و سکس های پاریسی کاری را از نظر تغییرات، ازپیش‌نمی‌برد...

بهرحال «ملك‌مطیعی» بعداً تصمیم گرفت فیلم دیگری راکار-گردانی کند وحاصل این‌تصمیم و تلاش چند ماهه‌ی اوواکوپش‌فیلم «یکپارچه‌آقا» بود. البته خود او نیزایفاگرنقش نخست دراین فیلم بود و یکبار دیگردرقالب یك جاهل کهنه‌کار فرو رفت.. شاید، تصور این بوده که دلیل عدم موفقیت فیلم «**سوداگران مرگ**» سادگی‌تیپ «ملك‌مطیعی» بوده، چون، «یکپارچه آقا» با فاصله‌کمی نسبت به «سوداگران مرگ» توسط «ملك‌مطیعی» کار گردانی گردید...

اما تیپ‌وظاهر «ملك‌مطیعی» در فیلم بعدیش‌چه‌بود؟ یك نگاه به‌ظاهر اودرفیلم‌بعدیش «پاسداران دریا» با توجه به‌فیلم‌های قبلی «ملك‌مطیعی» خودنشان دهنده‌ی تنوع تیپ‌های این هنرمند در فیلم‌های مختلفش می‌باشد. «ملك‌مطیعی» درفیلم بعدی خود، ایفاگر نقش یك افسر نیروی دریائی بود که‌پایش به‌یك‌ماجرا های پرتحرك کشیده می‌شد. تغییرات ظاهر «ملك‌مطیعی» از دوطریق صورت گرفته بود یکی ازنظر البسه وکلاه و دیگری از نظر تغییراتی که به‌چهره‌اش‌داده شده بود. مثلا چهره‌ئی که از فرط ترس والتهاب و هیجان از عرق خیس شده بود، به‌کمك‌نور پردازی فیلم ازاین‌نوع بحساب می‌آید..

به دنبال این‌فیلم، «ملك مطیعی» در یکی دوفیلم آینده‌اش تغییر محسوسی از نظر چهره نیافت. در آن فیلم‌ها تیپ‌های نامشخص و ساده‌ئی داشت که از میان‌ظواهر چهره‌های‌مردم انتخاب شده بود...

اما بعد از مدتی دوری از تغییرات‌ودگرگونی‌های ظاهری، فیلم «حسین کرد» تاحدودی‌می‌توانست نجاتبخش او ازنظر این دوری‌از تغییرات ودگرگونی‌ها باشد...

«ملك‌مطیعی» درفیلم «**حسین کرد**» محصول استودیو پارس‌فیلم درنقش شاه عباس کبیر ظاهرشده بود و با آن لباس های خاص دوره‌ی صفویه وبخصوص توسط گریم، که درشبیه ساختن او با شاه عباس، بسیار مؤثر بود، تغییر بزرگ و قابل ملاحظه‌ئی یافت... اگرچه کما-

بقیه در صفحه ۳۹

### گفتگو با امین امینی

# ما برای پیشرفت احتیاج بکمك معنوی دولت داریم.

مصاحبه از : علی رهنما



□ امین امینی در صحنه‌ای از «کوچه مردها»

● این بار ، پای صحبت هنرمندی نشسته‌ایم که سالهاست اورا بعنوان کارگردان، هنرپیشه وتهیه کننده می‌شناسیم... سالهاست که اودرسینمای فارسی فعالیت میکند ویکی ازمهره‌های اساسی این هنر در ایران شناخته شده است . «امین امینی» برای همه شناخته شده است ، کمتر کسی است که سینمای فارسی را بشناسد ، اما امین‌امینی را نشناسد .زیرا که‌ازسالها پیش‌بعنوان‌یك‌بازیگر در فیلم فارسی ظاهر شده است ، وفیلمهای مختلفی را بعنوان کارگردان‌ارائه داده و تهیه کنندگی فیلمهای زیادی را بعهده داشته است .

***

اورا در استودیوی عصر ـ طلائی، ملاقات‌میکنیم .باچهره‌ای گرم‌وصمیمانه‌باستقبالمان می آید وبحث و گفتگو آغازمیشود .

● **بهتر است اولین‌سوال را باین صورت‌مطرح کنم که‌درحال حاضر«شخصیت» سینمای‌فارسی درچه مرحله‌ای قرار گرفته‌است آیا میشودبآن اتکاء‌کرد وگفت سینمائی داریم‌که حداقل تاچند سال دیگر همطراز باسینمای پیشرفته‌کشورهای غربی‌خواهد شد ؟**

**امینی:** بدون‌شك‌سینمای‌امروز با سینمائی که در چند سال گذشته داشته‌ایم‌فرق کرده است .پس‌خود بخودشخصیت ومقام‌سینمای‌فارسی روبه تکامل گذاشته است ومیشود روی آن حساب کرد ودرباره‌اش حرف زد .

اما نکته مهمی که شما در سوالتان مطرح کردید و گفتید که آیا سینمای همطرازسینمای بین‌ـ المللی خواهد شد ، یا نه ؟باید بگویم که سینمای غرب تاریخ هشتاد ساله دارد وسینمای مایك چهارم تاریخ کشورهای غربی‌را. اگر بخواهیم به نسبت هم‌بسنجیم می‌بینیم که سینماگران غرب توانسته‌اند در این مدت هشتاد سال‌در تکامل‌سینمای خودو تکنیك فیلمهایشان بکوشند . درحالیکه ما فقط‌درفاصله بیست وچند سال توانسته‌ایم سینمائی داشته‌باشیم که کشور خودمان را راضی کند . مسئله‌ای که گفتن آن ضرورت‌دارد اینست که فیلم فارسی نسبت بکشورهای همجوار پیشرفت‌های زیادتری کرده است وهمین نشان میدهد که روزبروز فعالیت در کار فیلم فارسی بیشترمیشود .

اما اگر بخواهیم باسرعت خیلی زیادتری این پیشرفت را تکمیل کنیم‌لازم است مثل کشورـ های غربی ، دولت بسینماگران کمك کند تا با تجربه کافی و سرمایه زیاد و کمکهای معنوی

بتوانیم آنچه راکه واقعاً خواست «سینما» است ارائه بدهیم.

● **پس شما معتقد هستید که سینمای فارسی دستخوش تحول شده است، ولی آیافکر نمی‌کنید این تحول بدنبال یك سری فیلمهای باب روز بوجود آمده باشد؟**

امینی: بله، من معتقدم که تحول بوجودآمده، زیراکه یك عده از فیلمسازان ما بطرف داستانهای فلکلوریك جلب‌شده‌اند وعده‌ای دیگرهم بدنبال سوژه‌های بکر وتازه‌ای‌هستند وهمین‌مسئله باعث شده است‌تافیلمهای‌سینمای ما کاملا رنگ ایرانی بخودش نگیرد.

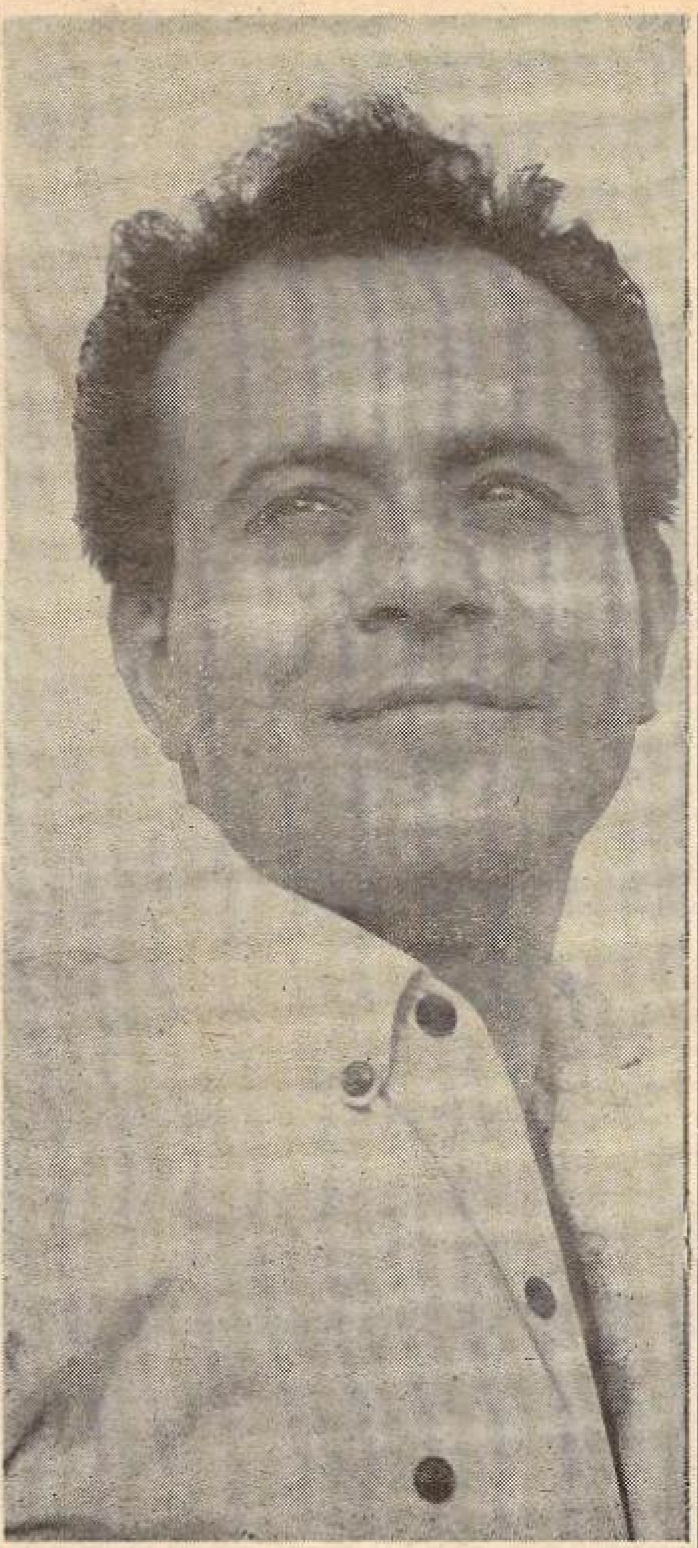
● **بنظر شما برای فیلم‌سازی درایران، خصوصاً دراین سالهای‌شکوفائی‌سینمای‌فارسی، باید برای فیلمسازان ویاتمام دست‌اندرکاران‌ضابطه‌وسابقه‌ای وجود داشته باشد، یا این‌که فعلا استعدادهای جوان‌را در بوته آزمایش گذاشت‌وازمیان آنها، نخبه‌هارا انتخاب کرد؟**

امینی: مسلماً اگر فیلمساز بسینما آشنا نباشد، نمی تواند آنچه‌را که‌میخواهد بوسیله بیان تصویری بگوید، به تماشاچی به فهماند.

درنتیجه خودبخودتمام‌دست اندرکاران سینما قبل از این که دست بساختن فیلم بزنند قبلاباً فوت وفن آن آشنا می‌شوند...اما مسئله‌مهمتری که‌بایددرنظرگرفت اینست که یك‌عده واقعا استعداد دارند وبا آشنائی مختصری که بسینما دارند فیلم‌خوب‌میسازند، ویك عده هم هستند که سالهاست فعالیت می کننداما نتیجه‌کارشان صفر است، اینها همان آدمهای بی‌استعداد هستند.

● **بتازگی تعدادبیشماری از فیلمهای‌فارسی باشکست مادی روبرو شده است، شما فکر می‌کنید این شکست های پی‌درپی نسبت‌بسالهای قبل‌علت خاصی دارد؟**

امینی: من‌عقیده دارم که یك‌کارگردان خوب، باید فیلم‌را برای زمان‌خودبسازدویاسوژه‌ای را انتخاب کند که هم مردم بپسندند و هم درخور یك فیلم خوب وسنگین باشد، اگرغیر از این باشد مسلماً فیلم‌با شکست روبرو خواهد شد. البته اگر فیلمی فروش خوب‌نکرد دلیل بد بودن آن نیست، بلکه ممکن است همان‌طورکه گفتم باب‌سلیقه مردم نباشد.



## امین امینی:

● **یك کارگردان خوب باید فیلم را برای زمان خود بسازد.**

● **فیلمساز اگر سینما را نشناسد، نمیتواند آنچه راکه میخواهد، بوسیله بیان تصویری بگوید.**

● **پس معتقدیدکه برای ساختن یك فیلم باید سلیقه تماشاچی‌را درنظرگرفت؟**

امینی: سلیقه تماشاچی، در ساختن یك‌فیلم خیلی‌مؤثر است، ولی فیلم‌خوب ساختن منوط بر این نیست که حتماً عده بیشماری ازتماشاچی‌ها آن‌را بپسندند. اما مسئله‌ای که اشاره آن ضروری بنظرمی‌رسد اینست که‌اگرسازندهٔ بخواهد سلیقه تماشاچی‌را درنظر نگیرد، امکان نداردبتواندبکارش ادامه دهد، مگر اینکه‌پشتوانه خیلی‌محکمی داشته باشد.

● **این‌طورکه ازحرفهای تان پیداست، شماباتلفیق‌هنر و تجارت درکار سینما موافق هستید؟**

امینی: جز این نمی تواند باشد.

● **پس اگر ممکن است بگوئید درکدام‌یك از فیلمهای اخیرتان هنروتجارت‌راتلفیق کرده‌اید؟**

امینی: درفیلم «کوچه‌مردها» بنحوخیلی خوبی می توانستید تلفیق هنر وتجارت رابه‌بینید، و درفیلم «نقره‌داغ» هم که بزودی نمایش داده خواهد شد این کاررا کرده‌ایم.

● **خب، بهتراست درباره خودتان صحبت کنیم، مدتی است‌که فعالیتان‌را کم‌کرده‌اید، چرا؟**

امینی: چون من‌مدیرعامل استودیو عصر طلائی هستم، بهمین جهت باید درروز مقدار زیادی فیلم ببنیم وبرآنها نظارت کنم، وهمین کاروکارهای دیگر باعث می‌شودکه خودبخودفرصت‌زیادی ازنظر زمانی برای فعالیت های هنری نداشته باشم. اما درآینده خیلی نزدیك فیلمی با نام «سام و بلقیس» می‌سازم‌که «فریدون گله» سناریوی آن را نوشته است.

بقیه در صفحه ۴۰



● مرجان

# بدنبال بحث هفته گذشته ما...
# آیا ...

□ راستی چرا فیلم اخیر «فردین» باشکست تجارتی روبرو شد ؟

**آیا عمر فردین درسینمای فارسی تمام شده است ؟**

این سؤالی است که این روزها تمام دست اندر کاران امور هنری، مطلعین به امر سینما، و تماشاگران فیلمهای فارسی از خود میکنند. و شاید همین سؤال باعث شد که من بنوشتن این مطلب، اقدام کنم.

یادم میآید، که در دهه سوم سینما درایران، هنوز فیلم فارسی آنطور که باید وشاید نضج نگرفته بود و تماشاگران فیلم فارسی با شور و اشتیاق امروزی بدیدن فیلم فارسی نمیرفتند. در آن موقع چهره نوظهوری درسینمای ایران تولد پیدا کرد. این مرد، فردین بود، یك کشتی گیر ، یك قهرمان، وبعد یك هنرپیشه...

وبعدها دیدیم که همین مرد درسینمای ایران ولوله انداخت، مطبوعات در باره اش نوشتند ، و جنجالهای بیشماری در اطراف او بپا شد . راستی چرا «فردین» اینقدر گل کرد، چرا رقیبان خود را پشت سر گذاشت؟

شاید دلیلش این بود که اوموقعیت خودرا در سینما یافت، فهمید که مردم چه میخواهند و برای مبارزه با کشورهای همجوار که فیلمهای آنها باب میل تماشاگران فیلم فارسی بود ، در تیپ و کاراکتری ظاهر شد، که سینمای فارسی را از رکود نجات داد .

با نمایش فیلم «گنج قارون» سینمای فارسی حرکت کرد . از آن حالت مرده در آمد. ومطبوعات بخاطر مشخص شدن چهره فردین بیشتر باو توجه نمودند ، وهمین امر سبب شد تا مطبوعات بدیگر هنرپیشگانی که درسینما فعالیت میکردند توجه خاص پیدا کنند، زیرا حالا دیگر تمام مردم هنر دوست توجهشان بطرف سینما جلب شده بود و گیشه سینماها بهترین شاهد برای اثبات این قضیه است .

از آن پس فیلمهای فردین فروش سرسام آوری داشت، هیچ چهره ای یارای مقاومت درمقابل او را نداشت ومردم فیلم را بخاطر فردین میرفتند وتهیه کننده فروش فیلم خود را بااسم « فردین » تضمین میکرد .

اما آیا این صحیح است که عمر هنری این هنرپیشه بپایان رسیده است، حتماً میگوئید چون دوسه فیلم اخیر او فروش خوبی نکرده ، بابداین شکست راقبول کرد.

در حالیکه هیچ چنین نیست. **مگر تمام فیلمهای «مارلون براندو» فروش میکند؟ مگر تمام فیلمهای «پل نیومن» موفق است ؟** پس اگرچند فیلم ازاین هنرپیشه ها کارنکرد، باید آنهارا تمام شده دانست. شاید گناه از فردین باشد که برای جلب تماشاگر نسبت بموقعیت زمانی سینما در ایران کاراکتر وتیپ بخصوصی برای خود ساخت، وگرنه مگر آدم با آدم فرق میکند . اگرفردین را هم بجای «آلن دلون» دریك فیلم بگذارند و داستان فیلم و کارگردان فیلم و تمام عوامل دیگر سازنده فیلم همان دقت را بخرج بدهند، مسلماً اوهم درتیپ جدیدش موفق خواهد بود.

نامه هائی که هرهفته بدفتر مجله میرسد، مبین این گفته است که اوهنوز یك تیپ استثنائی در سینمای ایران میباشد، البته به شرطی که خود را با سینماگران امروز وفق دهد ودیگر صرفاً بخاطر تجارت ببازی درفیلمهای مختلف تن در ندهد.

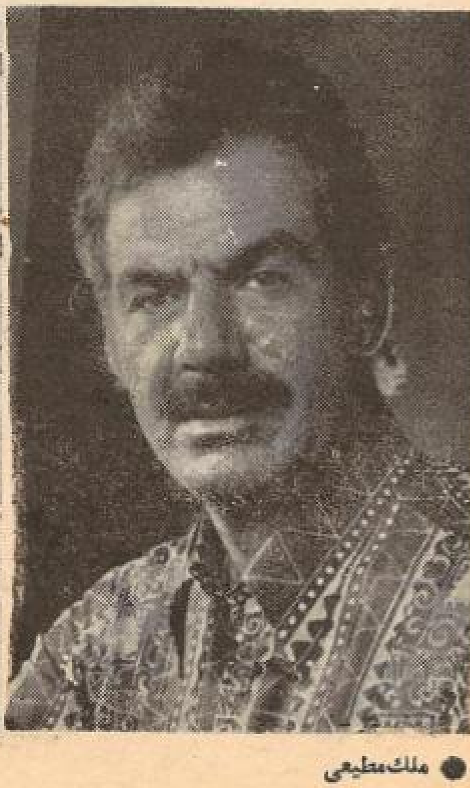
همانطور که گفتیم، وحتی در هفته پیش درهمین مجله خواندید این موضوع باعث شده تا سینماگران در باره «فردین» به بحث و گفتگو بنشینند ، وماهم از فرصت استفاده کرده ایم واز چند تن از دست اندرکاران خواسته ایم تا در باره روحیه ، کاراکتر و موقعیت فردین درسینمای فارسی اظهار نظر بکنند.

**● فردین مستعد است**

**« ساموئل خاچیکیان »**

که فیلمهای «فریاد نیمه شب» و «نعره طوفان» وچند فیلم دیگر را با شرکت فردین ساخته است میگوید ،

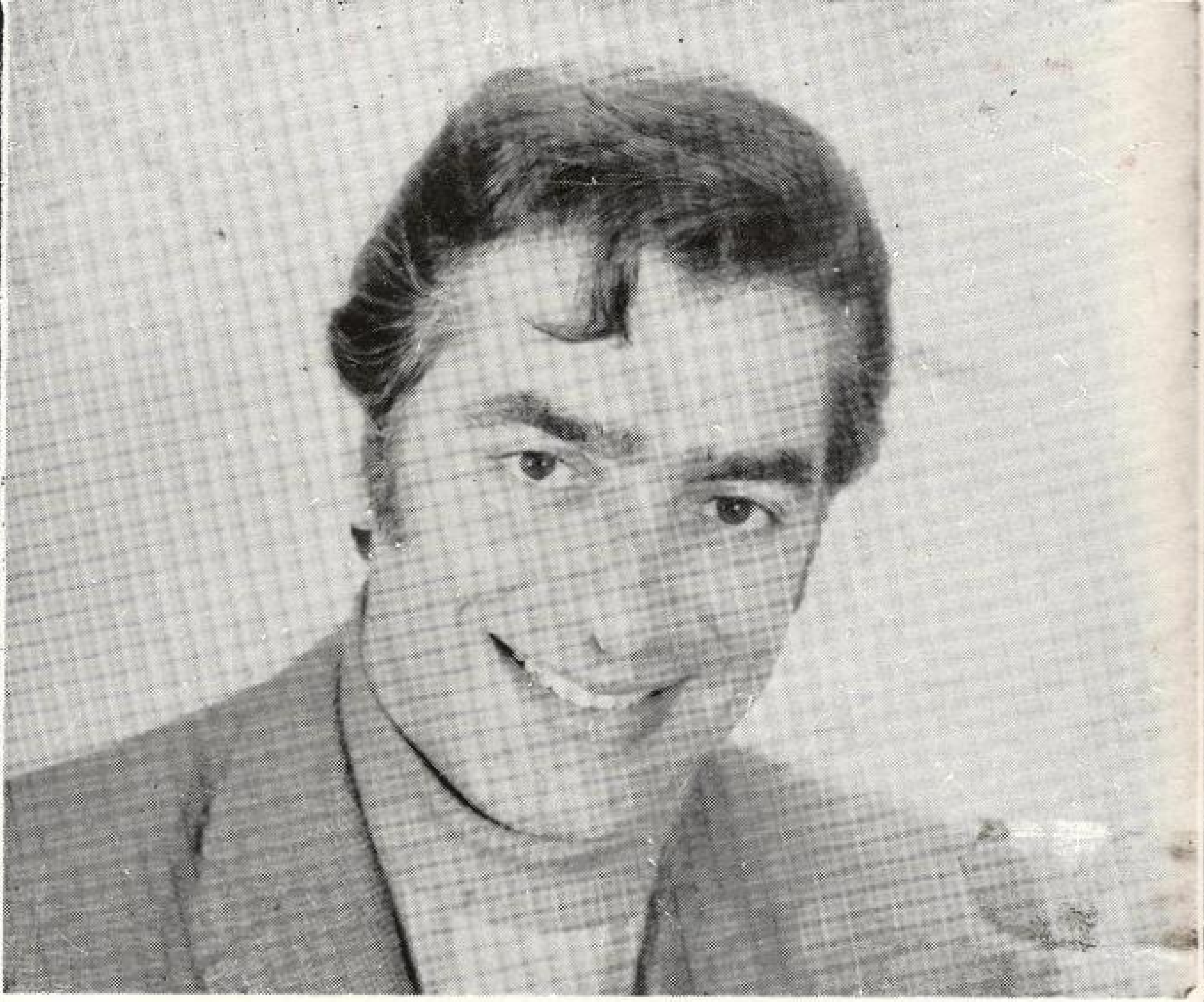
ـ من درهمان برخورداول باطرافیانم گفتم که فردین روزی یکی ازچهره های محبوب ومشهور میشود واین چنین هم شد. وحالا هم میگوییم که او یکی ازمحبوب‌ترین و مستعدترین هنرپیشگان سینمای ایران است.



● ملك مطیعی



● بیك ایمانوردی



بحث از: م. هورا

# پرونده هنری فردین بسته شده است؟

من از «فردین» در فیلم فریاد نیمه شب بعنوان یك تیپ جدی استفاده کردم وخیلی خوب هم دراین تیپ موفق بود، حالا اگر این تیپ جدی نسبت به موقعیت زمانی، گرایش بطرف رقص وآواز پیدا کرد شایدعلتش محیط بود وگرنه در زمانی که آپولو بفضا میفرستند صحیح نیست یك مرد بالغ را بخاطر عشق، برقص وآواز بکشانند،در حالی که از فردین میتوانستند یك چهره جدی وخوب بسازند. من فکر میکنم گرایش فردین به فیلمهای تجارتی او را از نظر مادی تأمین کرد و موفقیتی استثنائی هم بدست آورد. اما حالا موقع آن رسیده است که فردین با تعمق بیشتر در مورد کارهای هنریش، دوباره رنگ و روی سینمارا درایران عوض کند ودوره جدیدی برای فعالیت خودش درسینما بگشاید. بنظرمن شکست یك فیلم از نظر تجارتی، دلیل شکست هنرپیشه نیست، و چه بهتر که فردین در فیلمهای سنگین و هنری که فروش نداشته باشند شرکت کند تا فیلمهای تجارتی ومورد پسند...

بهرحال فردین هنوز «فردین» است و میتواند در سرنوشت سینمای ایران، نقش مؤثری را بازی کند.

**● مرجان چه میگوید؟**

«مرجان» که اخیرا بافیلم «غلام ژاندارم» خوش درخشید، وبرای اولین بارهم بافیلم «سکه شانس» بسینما راه یافت،درمورد فردین میگوید:

ــ بنظر من فردین اخلاق و رفتار بسیار خوبی دارد، اوخیلی باهوش، متواضع وزرنگ است و درکارش دقت عجیبی ازخودنشان میدهد.

شاید علت شکست فیلم اخیرش این باشد که فردین «تیپ» عوض کرده است وتامردم بیایند وبا تیپ جدید او انس بگیرند کمی وقت لازم است. چون وقتی مردم هنرپیشه‌ای را در یك تیپ مشخص قبول کردند، خیلی‌سخت

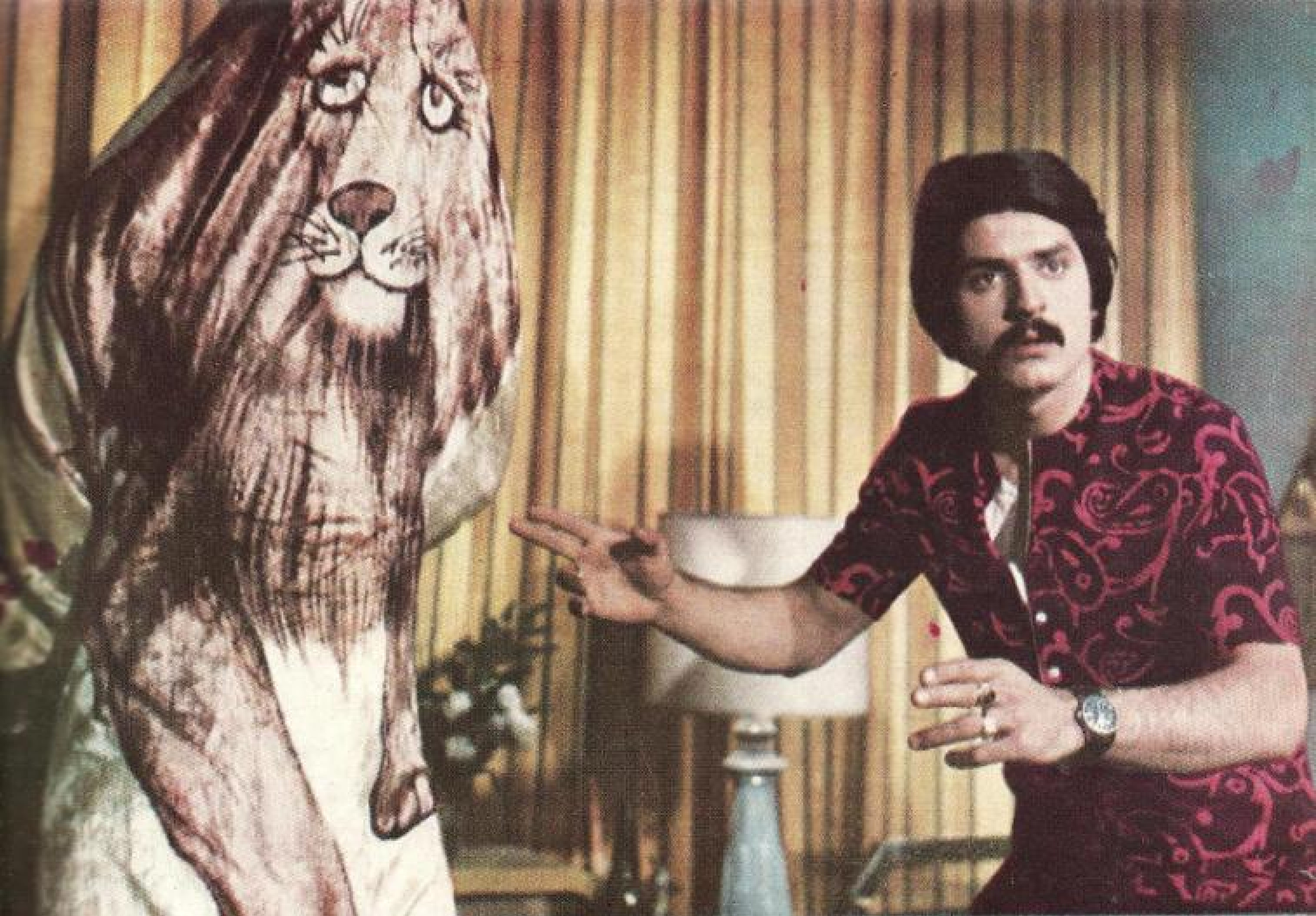
بقیه درصفحه ۴۲

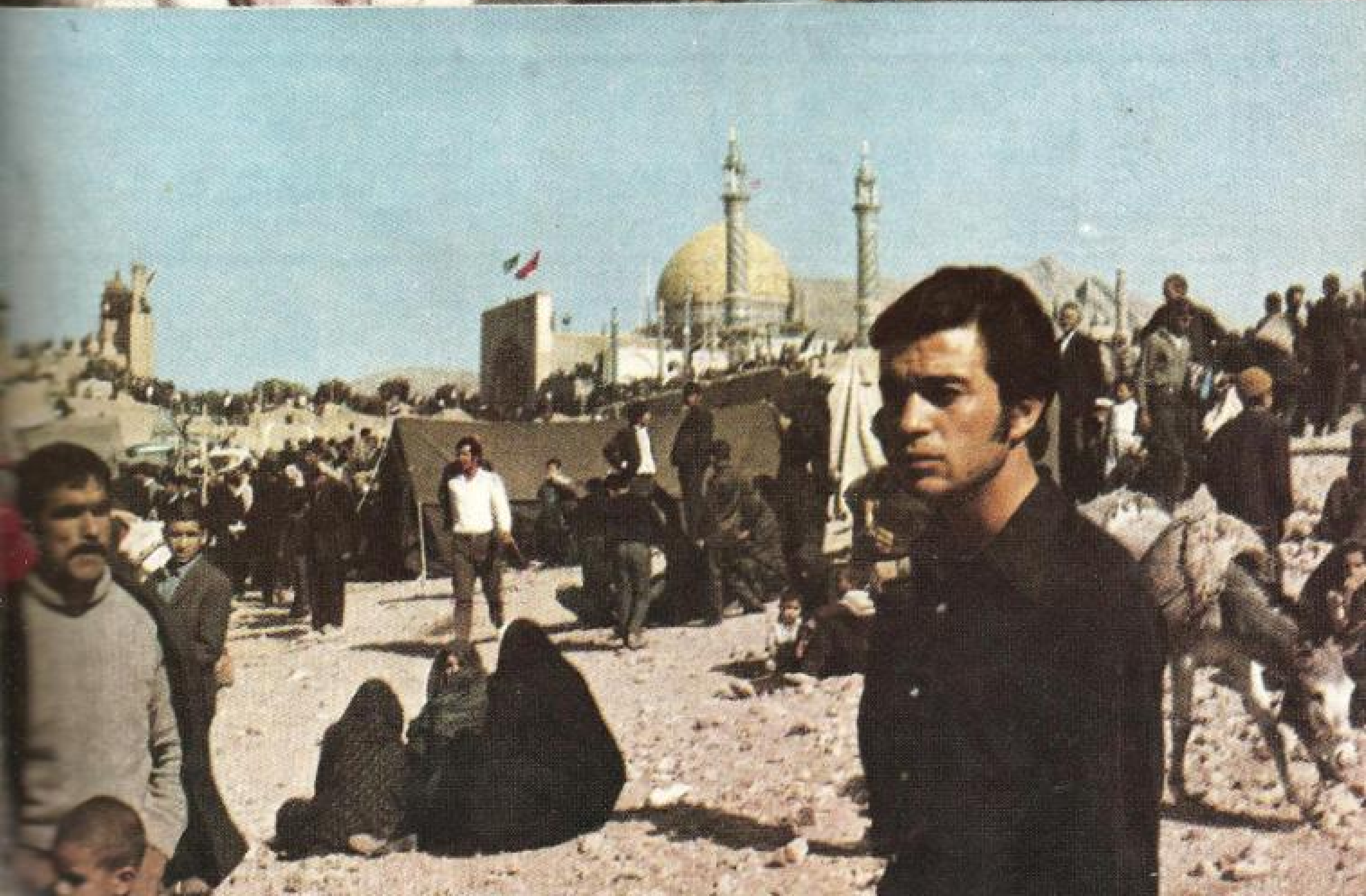
**● ساموئل‌خاچیکیان: فردین باید درفیلم های‌هنری بازی کند**

**● مرجان: مردم‌باید باتیپ جدید فردین‌انس‌بگیرند**

**● پیك‌ایمانوردی: فردین‌باید تجارت‌را کنار‌بگذارد**

**● ناصر ملك مطیعی: باید از فردین تجلیل شود**











# یک دوئل

## اولین فیلم «جانی کاش» خواننده

■ سینمای وسترن آمریکا تاکنون فیلمهای زیادی در باره سرخ پوستان قدیم ایالات غربی خود ساخته که در بیشتر این فیلم ها، آنها را افرادی وحشی و خونخوار و بی تمدن جلوه گر ساخته است.

سرخ پوستان در فیلم های وسترن، آدمهای بی اصل و ریشه معرفی شده اند و هیچکدام دارای ارزش و اهمیت از لحاظ شخصیت نبوده و جامعه شناسی آنها، با یک شناخت و دید کامل صورت نگرفته است. در این میان یک استثناء وجود دارد و آنهم ساخته سینماپرداز بزرگ وسترن «جان فورد» بنام «پائیز قبیله چاین» می باشد که در آن سوای فیلم های سرخ پوستی سابق، با دید واقع بینانه و صادقی به مسالهٔ زندگی سرخ پوستان که در حال نابودی هستند، نگریسته است. (این فیلم مدتهاست در انبار سینماهای تهران خاک میخورد و معلوم نیست بچه دلیلی آنرا نمایش نمیدهند. د. م)

اینک سینماگران آمریکائی یکبار دیگر به صرافت ساختن فیلمی از مسائل مبتلابه سرخ پوستان آمریکا، بخصوص قبیله معروفی از قبایل آپاچی افتاده اند. قبل از معرفی جامع این فیلم، بد نیست مقداری در بارهٔ اوضاع طبقاتی و اجتماعی سرخ پوستان امروز آمریکا حاشیه برویم:

اگر کسی فکر کند که امروز زندگی سرخ پوستان آمریکائی با توجه به شروط و قیودات آنها، رقت انگیز و سرشار از بینوائی است، تا اندازه ای در اشتباه خواهد بود!

این امر صحت دارد که روز و روزگاری بعد از پایان جنگهای سرخ پوستی در قرن اخیر، آنها از تحقیری که میدیدند رنج می بردند و تقریباً به آستانهٔ بینوائی کامل و مطلق دست یافته بودند، اما بعد از آنکه سازمان دوباره تشکیل شده سرخ پوستان در سال ۱۹۳۴ از طرف رئیس جمهور وقت آمریکا «فرانکلین روزولت» مورد حمایت و تحت نظر او قرار گرفت، این فرصت و شانس را به سرخ پوستان داد که حقوقی بدست آورند و دارای یک رشد اجتماعی بشوند.

بسیاری از قبایل سرخ پوستان فرصت های خوبی برای عرضه لیاقتهای خود بدست آوردند، افقهای تازه ای برای آنها گشوده شد و آنها توانستند در این مورد کاملا ابراز شخصیت کنند و از ورای مهارت و نشان دادن کاردانی-های شخصی خود و کار زیاد، حقوقی مساوی با سایر آمریکائی ها بدست آورند، گو اینکه این امر آنچنان که باید و شاید، بخوبی تحقق نیافت، اما وضع بهتری بدست آوردند.

یکی از قبایل پیشرفته سرخ پوستان در آمریکا، قبیله «جیکا ریلا» آپاچی (در جنوب دشتهای غرب آمریکا) می باشد که در صنایع الکتریک، گاز، نفت و چوب سرمایه گذاری کرده اند...

.. و حالا فیلم تازه وسترن که در زمینه زندگی سرخ پوستان ساخته میشود، از این مایه ها برداشت کرده است. این فیلم را **«رونالد لوبین و جک بلوم»** با همکاری یکدیگر تهیه کرده و عنوان «یک دوئل» را برایش انتخاب کرده اند. اما چگونه آغاز شد؟

هنگامی که **«هارولد جک بلوم»** سناریوی «یک دوئل» را باتمام رسانید، نمی توانست حدس



# روف آمریکائی در هیئت یك سرخ پوست واقعی !

بزند که چه سلسله حوادثی در انتظار این فیلم است. ابتدا قرار بود مکان حادثه و فضای داستان فیلم، بنا به‌سنت فیلم‌های وسترن منطقه‌ئی وسیع از ایالات متحده نزدیك مرز مکزیك باشد ...

بلوم و همکارش **رونالد لوبین** تصمیم گرفتند اسپانیا را - مانند بسیاری از فیلم‌های وسترن دیگر که این روزها در این کشور ساخته میشوند - برای فیلم خود انتخاب کنند، ولی ناگهان، در آخرین لحظات مکان قبیله جیکاریلا آپاچی واقع در «دولس» نیو مکزیکو به آنها پیشنهاد شد و قرار بر این شد که تمام فیلم را در آنجا فیلمبرداری کنند. روی این اصل تغییراتی می‌بایستی در اکیپ فیلمبرداری که به سانتافه رفته بودند داد و همین‌جا بود که تهیه کنندگان تصمیم گرفتند در لیست هنرپیشه‌های فیلم هم تغییر عمده‌ای بدهند.

آنها انگشت روی «**جانی کاش**» خواننده مشهور آمریکائی که اخیراً صدای او را در فیلم «خشونت یك عشق» اثر جان - فرانکن هایمر شنیدیم، گذاشتند، چون «جانی کاش» در اصل یك سرخ پوست واقعی آمریکائی است!

«جانی کاش» باین ترتیب کار بر سینمائی خود را آغاز کرده و «یك دوئل» اولین فیلم او بشمار میرود. وی به‌نقش «آ به کراس»، یکی از نقش‌های حساس و اصلی فیلم را عهده‌دار شده است. جانی کاش پرفورمانس جالب و تأثیر کننده‌ای در این فیلم ارائه میدهد. وی علاوه بر بازی، آهنگ های فیلم را تنظیم و چند آهنگ با صدای خود در سرتاسر فیلم اجرا کرده است.

شانس بزرگ «کاش» در اولین فیلم سینمائیش این است که با غول پولساز فیلم‌های وسترن چون «**کرك داگلاس**» همبازی میشود. کرك داگلاس که قبل از «یك دوئل» فیلم «برایم یك جاسوس بگیر» را به‌اتمام رسانیده، همچنان از پولساز های سینمای آمریکا بشمار میرود و از محبوبیت او چیزی کاسته نشده است.

وی در این فیلم به نقش «ویل تنری» ظاهر میشود، تیر اندازی که با جانی کاش روبرو میشود و دوئل مرگباری میان آن‌دو سر میگیرد. دوئل آنها در یك شهر مرزی کوچك در جنوب غربی کالیفرنیا واقع در مرز مکزیك صورت میگیرد. «ویل» با همسر و پسر ۹ ساله‌اش زندگی میکند، در حالی که «آ به» اینك پس از یك جستجوی ناکام و غیر موفقیت آمیز درمورد کشف معدن در مکزیکو، به‌این شهر کوچك پای میگذارد.

هر دوی این مردها این شهر را بمثابه یك‌جور مبارزه برای زندگی کردن در آن می‌پندارند و مردم شهر ناگهان شاهد مبارزه و دوئل آندو میشوند و به انتظار نتیجه‌ای که از این دوئل بدست میآید، می نشینند.

پس از مدتی یك دوستی شدید میان «آ به» و «ویل» پدید می آید و گرچه هیچکدام از آنها مایل به کشتن دیگری نیست، مع‌الوصف آنها اینطور تشخیص میدهند که نتیجه چنین دوئلی به‌نفع هردوی آنها می‌تواند تمام بشود.

دوئل در ساعت چهار بعد از ظهر یکی از روزهای یکشنبه در این شهر کوچك مکزیکی صورت میگیرد و با آخرین ضربه ساعت کلیسا پایان می‌پذیرد. ایفای نقش «ویل» برای کرك داگلاس طبق‌معمول آسان بوده است ■

معرفی فیلم

# ازدواج کشیش





# میخائیل کالاتوزوف

## خالق فیلمهائی چون «نامه ای که هرگز فرستاده نشد، وقتی که لك‌لك‌ها پرواز می کنندو«چادرقرمز»

● اگرمیخواهید«میخائیل کالاتوزوف» را بیاد آورید به‌دو فیلم‌برجسته او-دوشاهکارسینمای شوروی«**نامه‌ای که‌هرگز فرستاده نشد**» و«وقتی که لك‌لك‌ها پرواز می کنند» فکر کنید.

میخائیل یکی ازبرجسته‌ترین کارگردانان اتحادجماهیر شوروی است وفیلم «چادرقرمز» درواقع آخرین‌کار وی درسینما است و فیلم وهنر برای نخستین بار بیوگرافی‌وی‌را چاپ‌میکند.

میخائیل دردسامبر ۱۹۰۳ درتفلیس بدنیا آمد ومیتوان‌او را جزو بنیانگذاران سینمای شوروی دانست . در اواخر سال های سینمای صامت وی فعالیت خودرا باساختن یك دكومانتر-دیرتاز بنام «**نمك سووانتزیا**» شروع کرد. وبلافاصله بعدازآن، درسال ۱۹۳۲ یك فیلم‌قابل‌بحث دیگر بنام،«**میخ درکفش**»ساخت که فقط «نكاتیف» آن‌باقی ماند وبنا بعللی نمایش داده نشد، دو سال بعدکپی جدیدی‌ازآن‌ساخته شد و بار دیگر از نمایش آن جلوگیری شد، میخائیل برای مدتی ازفعالیت‌خود دست‌میکشد وفقط به‌تدریس درمدارس تفلیس می پردازد و فیلمسازی را کنار می گذارد .

شهرت‌ومحبوبیت«کالاتوزوف» درسال ۱۹۵۲ بافیلم «**وقتی که لك‌لك‌ها پرواز می‌کنند**» باوج خود میرسد. فیلمی‌که با نمایش آن **تاتیانا ساموئیلوا** بعنوان‌یك ستاره برجسته شناخته شد .

عمده فیلمهای میخائیل کالاتوزوف عبارتند از ۱۹۳۰ DzimSuante (نمك‌سووانتزیا) ۱۹۳۲ (میخ در کفش) و دوسال بعد یعنی در سال ۱۹۳۹ با نام **انسانیت** . ۱۹۴۱ ( خلبان کر کالوف ) ۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ (کنسول درلوس‌آنجلس) ۱۹۵۰ (توطئه محکومین) ۱۹۵۴ (دوستان باوفا) ۱۹۵۶ ( اولین تبرئه ) ۱۹۵۷ (وقتی که لك‌لك‌ها پرواز می‌کنند) ۱۹۶۰ (نامه ای که هرگز فرستاده نشد) ۱۹۶۴ (در کوبا) و ۱۹۶۹ (چادرقرمز)

معرفی هنرپیشه:

# لی تایلور یانگ وزیبائی‌هایش



● بدون هیچ‌شك وشبهه‌ای «لی‌تیلوریانگ» برای‌دوستداران سینما و بینندگان تلویزیـون ، چهره‌ایست آشنا وشناخته شده . چه کسی میتوانست بـاور کند که اوزمانی‌جزویکی‌ازبرجسته‌ترین ستارگان سینما درآید . وحتـی برای خودش نیز عجیب بنظـر میرسید . بطوریکه دراین مورد میگوید :

**هروقت یاد « مزرعه»ای که درآنجا بـزرگ شده‌ام ، میافتم بگذشته غبطه میخورم ، زمانی‌که خود راشناختم بازی هنرپیشگان روی پرده برایم جالب بود و گاهی در نهایت حسرت‌بخود میگفتم آیا امکان دارد من‌نیز روزی‌بتوانم‌مانند آنها هنرپیشه بشوم واکنـون بآنچه که‌میخواسته‌ام رسیده‌ام وبرای خودم نیز این موضوع تعجب آور است.**

پدرش « دونـالدیانگ » و مادرش«پولین» میباشد که‌شغلشان زراعت است . محل تولـدش در «کانزاس» ودختری است‌خون ـ گرم ،خوش‌صحبت ودوست‌داشتنی بیش ازهرچیـز چشمانش جلب توجه میکند وحتی‌لبخندشیرین، ودندانهای‌مرتب‌او نیز نمیتوانند این‌چشمان‌فریبنده‌را تحت‌الشعاع قراردهند .

کارهنریش‌را ازتئاترهـای «بـرادوی» شروع کرد محلی که اغلب هنرپیشگان بزرگ سینما

بقیه درصفحه ۴۰

● بعداز یك‌سکوت‌طولانی ...سانا پودستا » ستاره‌ای کـه ...جزو هنرپیشگان پولساز ...یا بود ، بار دیگر با فیلم ...اج کشیش » به‌سینما باز ...گردد. در این فیلم روسانا با ...یولساز ایتالیا «لاندو بوزانکا» ...ی است .

این‌فیلم که ابتدا ازنمایش ... ایتالیا جلوگیری شد ، پس‌از ...قیت «همسر کشیش» با شرکت ...لرن و مارچلوماستروپانی ...فیلمهای پرفروش‌سال ۱۹۷۱ ...ت.

داستان فیلم که‌مملو ازطنز ...شیرین وصحنه‌های کمدی‌است ...اس‌زندگی کشیشی‌است‌بزرگ ... «دده» کـه بخاطر فعالیت ... از حدش بعنوان « جایزه » ...سیل فرستاده میشود. «دون ...اتوره» جوانی خوشمزه و ...طبع‌است که‌طرفداران‌بسیاری ...د. هنگام خدمتش در یکی‌از ...ساهای سیسیل با خانمی مؤدب ...یك پوش آشنا میشود.

روزهای‌شنبه «دون‌سالواتوره» ...کلیسا باقی میماند تا مردمی که مایل باعتراف هستند نزد او ...یند. «سیلویا» نیز هرروزشنبه ...کلیسامیآید ودر کنار پدر «دون ...واتوره» اعتراف می کند. وعده ...صبح هرشنبه میباشد. کشیش با ...افات‌غیرقابل‌قبول که «سیلویا» ...کند ، روبرو میشود واین‌امر ...ناراحت‌می کند. وطی‌ماجرائی ...س میکند کـه «سیلویا» فقط ...طر او متولد شده است‌وشیفته ...میشود. ولی درلباسی که‌اوست ...گز ازدواج با سیلویا امکان ـ ...یر نیست ...

فیلم «ازدواج کشیش» بطریقه ...گی توسط «ساندرو اوا» که‌از ...برداران تازه کارمیباشد فیلم ـ ...داری‌شده‌است و«مارکو ویکاریو» ...ریو آنرانوشته‌وخود کارگردانی ...را انجام داده است .

در این فیلم بجز « روسانا ...ستا» و«لاندو بوزانکا» هنرپیشگان ...گری‌چون «انریکوماریاسالرنو»، ...چانو سالچه» ، «سالوورا ندونه» ...بارباراپوچت» شرکت‌دارند.

# شوخی، شوخی

همکاران این شماره: هادی نیک‌نیا ـ ناصر گودرزی ـ عزت‌الله جدیدی ـ عزیز کشاورز

## باعث خجالت است!

● اتوبوس بی‌نهایت شلوغ بود بطوری که عده‌ای زن و مرد ایستاده بودند. سپهرنیا روی صندلی راحت نشسته بود و سر را میان دو دست خود گرفته بود.

گرشا که پهلویش نشسته بود پرسید:

ـ چرا سرت را میان دو دستت گرفته‌ای؛ مگر خدا نکرده سرت درد می‌کند؟ سپهرنیا گفت،

ـ خیر، وجداناً ناراحتم که ببینم مردها اینطور نشسته و خانمها ایستاده‌اند!

## جواب منطقی

● دکتر از اسدزاده که بیمار شده بود پرسید: چرا مرتب دوایتان را نمی‌خورید؟

اسدزاده جواب داد، چه کنم آقای دکتر، روی شیشه دوا نوشته‌اند، دقت کنید، در شیشه همیشه بسته باشد!

## مقاومت!

● ایرج رستمی به شهین: میگذاری لبانت را ببوسم!

شهین، نه غیرممکن است.

ایرج رستمی، خواهش میکنم.

شهین، باشد ولی یادت باشه که من مقاومت کردم و تو نگذاشتی !!..

## قضیه (میری)

● مردی در آب افتاده بود. دست و پا میزد و داد و فریاد میکرد (میری) که از آنجا رد میشد گفت؛ چه خبره اینهمه داد و فریاد راه انداخته‌ای.

بیچاره مرد که داشت در آب خفه میشد گفت، آخه... بابا... من شنا بلد نیستم.

(میری) گفت: خدا پدر تو بیامرزه منم شنا بلد نیستم پس باید مثل تو جیغ بکشم؟!

## دستور زبان

● معلم فعل رفتن را صرف می کرد و می‌خواست مضارع آن را به دانش‌آموزان یاد بدهد او گفت رفتم، رفتی، رفت، رفتیم ـ رفتید و رفتند بعد لیلا فروهر را بلند کرد و گفت بگو ببینم از درس چه فهمیدی لیلا فروهر جواب داد من فهمیدم که همه می‌رویم و هیچ کس در کلاس نمی‌ماند؟!

## خواندن

● معلم به لیلا فروهر ـ چرا تو درست درس بلد نیستی مثل اینکه دیشب نخواندی.

لیلا فروهر ـ خانم به خدا من دیشب همه‌اش می خواندم.

معلم ـ خوب بگو ببینم چه خواندی؛

لیلا فروهر ـ آمنه چشم تو جام شراب منه آمنه...!!!

## خطر

● دختر خانمی در دریا نزدیک بود که خفه شود که فردین به آب پرید و او را نجات داد! پدر دختر رو به فردین کرد و گفت: ای جوان شجاع تو خودت میدانی که چه خطری متوجه تو بود؟

فردین جواب داد، بله، ولی من هم زن دارم و هم قهرمان شنا می‌باشم!؟

## راه رفتن

● سرکوب و حسن شاهین به کافه‌ای رفتند و همه پولشان را شراب خوردند سرکوب به قدری مست شده بود که نمی‌توانست راه برود به ناچار او را در سبد بزرگی گذاشتند و سبد را به کول حمالی تا او را به خانه برساند! و شاهین نیز تلوتلوخوران دنبال حمال به راه افتاد تا نزدیکی خانه سرکوب سرش را از سبد درآورد و به شاهین گفت مرد حسابی مگر مجبور بودی اینقدر بخوری که نتوانی مثل آدم راه بیائی!؟!

فرستنده: هادی نیک‌نیا
(تهران)

## نقطهٔ حساس

● در آنزمان که رضا سرکوب در اصفهان تحصیل میکرد روزی خانم آموزگار شاگردی را که زیر میز رفته بود از کلاس بیرون کرد و لحظه‌ای بعد از شاگرد دیگری که زیر نیمکت رفته بود پرسید زیر میز چه می کنی و چه می بینی

شاگرد درحالیکه از زیر میز بیرون میآمد گفت دیدم جورابتان [illegible] شما پاره بود!

خانم آموزگار گفت برو [illegible] کلاس بیرون و یکهفته سر کلاس نیا.

در این موقع رضا سرکوب درحالیکه سر را بزیر انداخته [illegible] خواست از کلاس بیرون رود که مورد بازخواست خانم آموز[illegible] قرار گرفت.

خانم آموزگار ـ بدون اجا[illegible] کجا میروی!؟

رضا سرکوب ـ من زیر [illegible] رفته بودم و نقطهٔ حساسی را دید[illegible]

## فیلم هفته:



زن یکشبه!!

که باید باز گو نکنم والا شما مرا برای همیشه از کلاس بیرون خواهید نمود !!

## فرار

● همکلاسی لیلا فروهر به لیلا فروهر میگفت ، اگر من جای پدر تو بودم یك ماشین مرسدس بنز برای مادرت میخریدم !!

لیلا فروهر درجواب گفت ، اگر توجای بابای من بودی سر به بیابان می گذاشتی..!

فرستنده : ناصر گودرزی (اصفهان)

## گدای امروزی

● فروزان ازخانه اش بیرون آمد ، مرد گدائی را دید که دستهایش را درجیب شلوار خود کرده و تقاضای صدقه میکند . فروزان نزدیك اوشده ویك سکه ۵ ریالی بطرف اودراز کرد .

ـ خانم ممکنه اونو توی جیب کتم بگذارید .

ـ دوره آخرزمون شده، وقتی که بگدا پول میدن که دستش را توجیب شلوارش نمی کند .

ـ اخه اگردستم رودربیارم شلوار از پـام میافتد ، چون بند شلوار ندارم .

## مشاجره لفظی

● شارل بوایه بـا الك گینس در استودیوی فوکس قرن بیستم بیکدیگر برخورد کردندو پس ازصرف نهار شروع بصحبت کردند ودرضمن صحبت مشاجره لفظی بین آنها درگرفت ومسئله جنگ دوم جهانی پیش کشیده شد .

الك گینس رو به شارل بوایه کرده با عصبانیت گفت ما در جنگ دوم جهانی بخاطر شرف جنگیدیم وشما بخاطر پول . در این وقت شارل بوایه بـا خونسردی گفت ، معمولا انسان هرچه راکه ندارد دنبالش میگردد .

## هدیه

● ظهوری رو بقد کچیان کرده وگفت بالاخره برای خانمت هدیه تولد خریدی .

قد کچیان ـ بله یك گردن بند مروارید باو هدیه کردم .

(فیلم و هنر)

## فیلم «پستچی» ساخته مهرجوئی آماده نمایش میشود



«گاو» ما زائید برو دیگه «پستچی» نمیخوایم !!

ظهوری ـ خودش چی لازم داشت .

قد کچیان ـ یك ماشین سواری.

ظهوری ـ پس چرا بجای ماشین برایش گردن بند خریدی مگر ارزانتر بود .

قد کچیان ـ آره جونم، چون ماشین تقلبی هرچه گشتم پیدا نکردم .

## ورزش مگس ها

● ایرج قادری که مدتی در تیمارستان بستری بود نزد دکتر تیمارستان رفته گفت ، آقای دکتر، چند دقیقه قبل دوتا مگس خورده ام که ورزشکارترین مگس های جهان هستند .

دکتر نگاهی باو کرده وقرص گردی باو داد که آنرا بخورد قادری آن را باخیال راحت خورده واطاق دکتر را ترك کرد ، اماهنوز پایش را بیرون نگذاشته برگشت وگفت ، آقای دکتر، آقای دکتر بدادم برسید . بـا توپی که بمن دادید خوردم ، مگس ها دارند پینگ پونك بازی می کنند .

## این وصله‌ها به اینها نمی‌چسبند !!

- ☐ همایون وکم خوری .
- ☐ اسدالله یکتا و بلندقدی.
- ☐ ابراهیم فخار ولاغری.
- ☐ لی لی و فیلم اخلاقی .
- ☐ میری وفیلم تراژدی .
- ☐ فرخ ساجدی وفیلم جاهلی
- ☐ خلیل عقاب وفیلم هنری.

فرستنده : عزیز کشاورز

## بده درراه خدا

● درجریان فیلمبرداری بده درراه خدا ظهوری ومیری مشغول گدایی بودند عابرین که آنها رامی شناختند ومیدانستند که آنها مشغول ساختن فیلم هستند برای اینکه آنها نیز درفیلم ظاهر شوند هریك جلو می آمدند ومقداری پول به آنها کمك می کردند بتصوراین که بعد ازختم فیلمبرداری پولهایشان راپس خواهند داد ولی پس ازپایان جلسه فیلمبرداری هرچه انتظار کشیدند که باصطلاح ظهوری ومیری پیش قدم شوند و پولها را به صاحبان آن بدهند خبری نشد ودیدند که آنها خیلی جدی پولها راتقسیم کردند وبراه خودرفتند وقتی یکی از عابرین جلورفت وباین کار اعتراض کرد ظهوری دست خودرا درازکرد و گفت ، بده درراه خدا!!

## قهر کردن وحدت

● معلم پسروحدت را از جایش بلند کرده وباو گفت :

ـ حتماً پدرت در انجام تکالیف حساب باتو کمك میکند

ـ نه خیر، دیگر نمی کند.

ـ چرا

ـ چون ازوقتی که بمن نمره صفر داده اید قهر کرده و دیگر مسئله‌های مرا حل نمی کند.

## وظیفه شناس

● آغاسی قبل ازآنکه به شهرت برسد ، مدتی همکار گر راه آهن شد. روزی که برای اولین بار کار خودرا شروع کرد، رئیس قسمت یك حلب روغن ویك آچار باو داده وگفت پیچ‌های ریل‌ها را روغن زده و آنهـا را سفت میکنی.

آغاسی خوشحال ازکاری که بدست آورده مشغول فعالیت شد اما ده روزی خبری ازاو نشد . روز یازدهم تلگرافی باین مضمون به دست رئیس اورسید.

«آقای رئیس ، من بمرز ترکیه رسیده ام ، اجازه عبور از مرز نمیدهند، تکلیف من چیست؟»

## راه‌حل ؟

● فردین وارد باری شده واز صاحب بـار تقاضای آبجو کرد، پس ازآنکه چند گیلاس خورد ازاو پرسید.

ـ شمادوروز چندلیتر آبجو می فروشید .

صاحب بار درجواب گفت ، صد لیتر.

ـ بسیار خوب ، من یك راه بشما نشان میدهم که مصرف شما درروز دو برابر شود.

شود .

ـ خیلی خوبه ـ این راه کدام است.

ـ راهش اینست که گیلاس مشتریان راکاملا پر کنی.

## اشتباه لپی

کشیش داشت ایرن را موعظه میکردو باو میگفت،

ـ فرزندم ، متاسفانه فکر نمی کنم شما رادر آسمانها ملاقات کنم.

ـ چرا پدرروحانی، مگرشما چکار کرده اید؟

# دوست یابی



● مایل بمکاتبه بادوستداران سرسخت کورس سرهنگ زاده و صفحات او مثل شب گرد ـ قصه زندگی ـ هوا ابری نمی مونه ـ هستانه ـ اینهاهمش کار دله‌میباشم.

**مرند ـ صندوق پستی ۲ ـ ۴۴۷ ذبیح‌الله احمدی**

● مایلم با دوستداران عارف و همچنین علاقمندان به ترانه‌های روز ایشان مانندطلسم آرزوها ، بلور اشك ، عشق تو نمی‌میرد، رقص ایرانی ، دیوانه بی‌آزار ، لبان تو و بی‌تو چه کنم ودوستان نسل جوانی که علاقه شدیدی به آن خواننده دارند مکاتبه بکنم.

**مرند ـ صندوق پستی ۴۴۷٫۲ احسان صلح‌جو**

● مایلم با خوانندگان دائمی مجله فیلم وهنرمکاتبه‌نمایم وبکسانی که نظریه‌خودرا درباره این نشریه موفق هنری برایم بنویسند یك کتاب «فیلم وکار ـ گردان» تقدیم میدارم.

**تهران ـ شوش شرقی ـ خیابان شهپر ـ چهارراه هاشمی ـ شماره ۷۷. منزل ایمانی ـ ماشاءالله (میشا) ایمانی**

● مایل به‌مکاتبه باخواهران وبرادرانی که‌علاقه زیادی به سناریونویسی دارند هستم و به بهترین سناریو یك کتاب نفیس داده میشود .

اراك خیابان شازند جنب پل مشتاقی کوچه شفیعی پلاك۷۳ منزل غفاری برسد بدست‌جوادغفاری

● حاضرم با سلطان قلبها وبنیان‌گذار سینمای‌ایران‌وهنر ـ مند محبوب مردم جهان آقای محمدعلی فردین وسلطان آواز ومرد حنجره‌طلائی ایران ایرج مکاتبه نمایم بکسانی که نظریه خودرا درباره این دوهنرمند محبوب برایم‌ارسال‌دارند‌یك کتاب فیلم وسینما تقدیم میدارم.

تهران ـ نارمك ـ خیابان چمن غربی میدان ۵۹ جنب پلاك ۱۰۳ و ۱۰۱ منزل شجری ـ علی گوران

● مایل به‌مکاتبه باعلاقمندان واقعی هنرمندان برجسته وگران قدری چون ایرج قادری وفردین وخوانندگان بی‌رقیب و محبوب گرانبهائی چون مهدیه و ایرج وهنررقص و بازیگری جمیله‌می ـ باشم .

تهران : خیابان آریانا چهار ـ راه گلی روبروی سینما چرخ و فلك پلاك ۶۳۳ ـ حسین مصدق سوادکوه

● حاضر به‌مکاتبه باعلاقه ـ مندان آلن‌دلون، چارلز برونسون و بهروز وثوقی تا سن ۱۸ سال می‌باشم.

**تهران ـ خیابان نادری گروه فرهنگی آذر شماره ۱ ـ هادی نیك‌نیا**

● باکسانی که فردین را تنها هنرمند واقعی سینما قبول دارند وبه‌هنر او عشق می‌ورزند مایل بمکاتبه‌ام.

**اصفهان ـ خیابان کاوه مقابل شرکت واحد اتوبوسرانی ـ کوچه زند پلاك ۵۱ علیرضا جوزدانی**

● حاضرم با خواهران و برادرانی که استعدادی در زمینهٔ هنرپیشگی دارند مکاتبه کنم.

**تهران ـ نازی‌آباد خیابان سرسبز کوچه حسینی پلاك ۱۴ منزل آقای اسدالله آراسته ـ هوشنك آراسته.**

● مایلم با دوستداران رضا بیك‌ایمانوردی . بهروز وثوقی. ناصر ملك‌مطیعی. فردین. ایرج قادری. آرمان. بوتیمار و ستارگانی چون پوری بنایی . وجستا . شیلا . سهیلا. آذرحکمت شعار. فروزان . ثریا بهشتی و نیلوفرمکاتبه نمایم .

**سمنان . خیابان شیروخورشید هنرستان صنعتی سمنان. سال دوم‌فلز کاری، قربانعلی ایمانی سمنانی.**

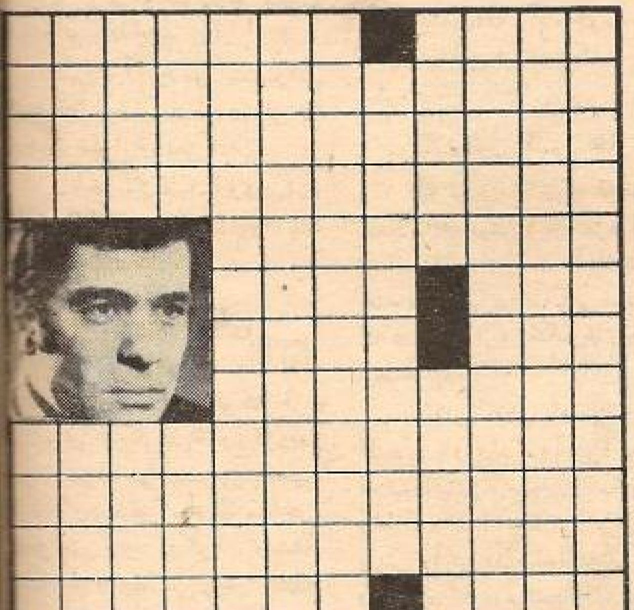
● مایل‌به مکاتبه بادوست داران سینما وعلاقه‌مندان‌بورزش زیبائی‌اندام‌می‌باشم.

**یزد ـ میدانشاه ـ پیراهن سلطانی ـ احمد پیوندی**

# مسابقات؟؟؟؟؟

● از این هفته کلیه جدول هائی‌که در صفحه مسابقات بچاپ میرسد دارای ده جایزه است‌که برای برندگان تهران بلیط از سینما تخت جمشید وبرای شهرستانها کتاب در نظرگرفته شده است . پاسخ ـ هائیکه برای جدول میرسد ، باید حتماً نام و فامیل و آدرس دقیق فرستنده در زیر آن قید شده و با یك ریال تمبر باطل نشده همراه باشد . نام برندگان هر جدول ۵ شماره بعد همراه با حل صحیح جدول چاپ خواهد شد.

## جدول بهروز وثوقی



۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ٦ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

افقی :

۱ ـ فیلمی با شرکت بهروزوثوقی ـ در این فیلم نیز بهروز وثوقی‌نقش منفی داشت ۲ ـ فیلمی با شرکت فردین که‌توفیق چندانی نداشت ۳ ـ چهره محبوب وخشن فیلمهای ضربت و دلهره ۴ ـ کلاه مخملی معروف ایران ۵ ـ فیلم مشترك ایران و آمریکا با شرکت بهروزوثوقی ۶ ـ فیلم فستیوالی‌سینمای ایران ـ فیلمی با شرکت بهروزوثوقی که دوجایزه اول گرفت ۷ ـ آکترمنفی بازنشسته سینمای ایران ـ ستاره سکسی فیلم ایوالله ۸ ـ فیلمی باشرکت فردین و پوری بنائی ۹ ـ ستاره فیلم میعادگاه خشم ۱۰ ـ فیلمی با شرکت بهروز وثوقی و پوری بنائی ۱۱ ـ ازفیلمهای اولیه فردین که‌با فرانك‌وتهمینه درآن همبازی بود ۱۲ ـ کارگردان فیلم تله باشرکت بهروز وثوقی ـ فیلمی که بهروزوثوقی را باوج شهرت رساند .

طراح : نادر ـ م (بهبهان)

از سری مسابقات بزرگ فیلم وهنر

# مسابقه «یك» به «ده»

● از این‌شماره وارد سیزدهمین هفته مسابقه جالب یك به ده می‌شویم . درطی دوازده هفته گذشته انبوه بسیار زیادی نامه‌برای این صفحه دریافت داشته‌ایم . گروهی ازدوستان مجله در یکی دو مسابقه بیشترشرکت نکردند ، گروهی از ابتدا تاکنون همه هفته صمیمانه مسابقه ما راتعقیب کرده‌اند وبعضی‌نیز تنها به‌ارسال‌پاسخ یك هفته اکتفا کرده‌اند .

درطی ۵ هفته گذشته ما یکصد برنده که شامل ۵۰ جلد کتاب و ۵۰ بلیط لژسینما بوده، داشته‌ایم که‌نام آنها رادرج وبیش‌ازهشتاد درصد جوایزرا ارسال داشته‌ایم وبیست درصددیگر نیز بعلت دردست نداشتن آدرس هنوز باقی مانده است .

درهفته گذشته برندگان مرحله‌دوم مسابقه رامعرفی نمودیم و ۴۰ نفر بعنوان‌برنده دوره دوم‌معرفی کردیم و در حقیقت برندگان ما بیکصد وچهل نفررسید .

در این هفته برندگان مسابقات هفتگی شماره‌ششم و"شماره هفتم رامعرفی کرده‌ایم‌وبدین ترتیب رقم‌برندگان این‌مسابقه به‌یکصد وهشتاد نفر میرسد.

قبل ازآنکه اقدام بدرج نام‌برندگان کنیم لازم است تذکر دهیم برندگان سومین مرحله مسابقه‌بزرگ مادر هفته پانزدهم‌اعلام خواهند شد واین بدان جهت است که بتوانیم کلیه نامه‌های‌دوستان خود راجهت ۱۰ هفته اول دریافت داریم زیرا تاکنون بسیاری از پاسخ‌های دوستانمان را جهت ده هفته اول مسابقه دریافت نکرده‌ایم .

همانگونه که هفته گذشته نوشتیم‌امتیازات ۵هفته اول رانیز درجمع امتیازات ۵ هفته دوم شرکت میدهیم ، یعنی قرار بود فقط امتیازات کسانی را درمرحله سوم شرکت‌دهیم که حداقل صد وپنجاه امتیاز بدست آورده باشند ، اما چون در بررسی لیست دارندگان امتیاز باین مسئله برخوردیم که گروه‌زیادی ۱۰ یا ۲۰ امتیاز کمتر از ۱۵۰ امتیاز دارند لذابهتر آن است که امتیازات مرحله دوم آنان نیز درمرحله سوم‌شرکت داده‌شود بدین ترتیب کلیه کسانیکه حداقل سیصد امتیاز ازده هفته مسابقه بدست آورده باشند نامشان درقرعه‌کشی مرحله سوم‌شرکت داده می‌شود.

## اینك نام برندگان هفته ششم

آقای دانیال دانیال (کرمانشاه)هادی شاه‌گل زاده (مشهد) اسدالله‌قاسمی ( آبادان ) سیروس کاوسی(شیراز) مهرداد ناصری (اصفهان) حسن قادر پناه(تبریز) اسماعیل عظیمی ( یزد ) محمد جواد حیدری نائینی (کاشان)بهرام متولی (قم) هاشم یعقوبی(بندر پهلوی) برنده یك‌جلد کتاب.

از تهران نیز ولی‌الله خسروی ـ کاظم سلطانیه زنجانی ـ غلامرضا میر معنوی ـ جعفر وظیفه‌فرد ـ علی وحیدی ـ محسن‌حسامی گیتی رئوفی ـ مهدی هروی ـ ایرج مجتهدی ـ ساموئل نازاریان‌برنده یك بلیط لژ سینما.

## برندگان هفته هفتم

اسدالله چشمه‌نور(بندرماهشهر) ـ علی جواریان ( قزوین)ـ محمود کاشی گر (شیراز) ـ محمد رضامظفری (بابل) ـ حمید همتی (مشهد)ـ هدایت فروزین (رضائیه) اختر خادمی (کرمان) ـ سرور زهادی (چالوس) ـ صمد شکرائی(زاهدان) نازنین نمتی ( شیراز ) برنده یك جلد کتاب.

و از تهران آلیس داوری ـ نازگل هاشمی ـ باقرعالی‌خانی ـ قربان محمدی ـ حسین امیری ـ سهیلا فاضلی ـ اصغر دانش ـ حمید سپهری ـ داریوش اسدی ـ هما فروتن برنده یك‌بلیط لژ سینما .

ازکلیه دوستانی که نامشان در فوق آمده ، خواهشمندیم برای ارسال جوایز آدرس دقیق خود را برای ما ارسال دارند.

# ۱۳

**۱ـ درنام بسیاری‌ازفیلم‌های ایرانی ویاخارجی واحد زمان آورده شده است . مثل ثانیه، ساعت، روز ـ هفته ،سال. برای مانام ۵فیلم رابنویسید که یکی از زمانهای یادشده در فوق آورده شده باشد،مثل ۵ ثانیه تا جهنم .**

**۲ـ از هنرپیشگان‌سینمای ایران فیلمهای‌بسیاری دیده‌اید که‌ممکن‌است‌حرف اول نام‌فیلم باحرف‌اول فامیل‌هنرپیشه‌یکی باشدبرای‌مانام۵فیلم‌وهنرپیشه را بنویسید که درآن این تشابه وجود داشته باشد . مانند «بیك ایمانوردی ـ ببررینگ» که حرف اول بیك ایمانوردی وببررینگ هردو «ب» است.**

**۳ـ تاکنون فیلمهای بسیار زیادی بنمایش درآمده که در نام فیلم اصلا « نقطه» وجود نداشته است . حداقل نام ۵ فیلم رابرای ما بنویسید که در نام آن نقطه‌ای وجودنداشته باشد ، مانند «مرادولاله»**

**۴ـ فیلمهای زیادی‌دیده‌اید که‌درنام آنها یکی از اعضای بدن آمده است. برای ما حداقل نام ۵ فیلم رابنویسید که در آن یکی ازاعضای‌بدن‌در نام‌فیلم قرار داشته باشد مانند «دندان‌افعی» یا «بازوطلائی».**

**۵ـ بازهم ممکن‌است‌فیلم‌های زیادی دیده باشید و یا آنکه با نام فیلمهای بسیاری آشنا باشید که درآن‌کلمه«زن» آمده باشد ، برای‌مانام۵فیلم را حداقل بنویسید که درآنها کلمه «زن» آمده باشد ، مانند زن جهنمی.**

# رنگارنگ

## فیلمهای سینمای ایران

● سینمای ایران بر پایه و اساس امروزی از سال ۱۳۲۷ آغاز شد و البته قبل از آن فعالیتهای مختلفی صورت گرفته بود. از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ در سال بیش از یکی دو فیلم ساخته نمی‌شد، ولی از سال ۱۳۳۰ تعداد فیلمها رو به فزونی گذاشت که در حال حاضر در هر سال قریب یکصد فیلم در ایران ساخته می‌شود.

حالا بد نیست نظری بسالها و تعداد فیلمهای آنها بیاندازیم ۱۳۲۷ (۲ فیلم) ۱۴۲۸ (۱ فیلم) ۱۳۲۹ (۱ فیلم) ۱۳۳۰ (۶ فیلم) ۱۳۳۱ (۱۱ فیلم) ۱۳۳۲ (۲۰ فیلم) ۱۳۳۳ (هجده فیلم) ۱۳۳۴ (پانزده فیلم) ۱۳۳۵ (سیزده فیلم) ۱۳۳۶ (دوازده فیلم) ۱۳۳۷ (سیزده فیلم) ۱۳۳۸ (بیست و پنج فیلم) ۱۳۳۹ (بیست و چهار فیلم) ۱۳۴۰ (بیست و هفت فیلم) ۱۳۴۱ (بیست و هفت فیلم) ۱۳۴۲ (سی و یک فیلم) ۱۳۴۳ (سی و شش فیلم) ۱۳۴۴ (چهل فیلم) ۱۳۴۵ (پنجاه و چهار فیلم) ۱۳۴۶ (پنجاه و یک فیلم) ۱۳۴۷ (هفتاد و یک فیلم) ۱۳۴۸ (چهل و نه فیلم) ۱۳۴۹ (پنجاه و هشت فیلم)

بدین ترتیب تا ابتدای سال ۱۳۵۰ از سینمای ایران ۶۰۴ فیلم بنمایش در آمده و سال هزار و سیصد و چهل و نه از نظر تعداد مقام اول را دارا است.

## تیرانداز ناشی

● میگویند زمانی که ناصر ملک‌مطیعی در خدمت نظام بود، روزی یکی از سپهبدان معروف برای تماشای مانوری عظیم بمحلی که سربازان مانور داشتند آمد. زمانیکه وی در ارتفاعات ایستاده و مشغول مشاهده مانور بود ناگهان سه گلوله شلیک شد و از کنار او گذشت، سپهبد که از این ماجرا ناراحت و عصبانی شده بود به فرمانده مانور دستور داد فوری چند سرباز فرستاده و شخصی را که تیراندازی کرده است بسوی او بیاورند اما فرمانده مانور گفت، این شخص ملک‌مطیعی نام دارد و در مانورها همیشه بسوی مانور تیراندازی می کند، اما بما اصابت نمی‌کند، حالا میترسم اگر اورا دستگیر کنند، شخصی را بجای او بگذارند که تیراندازی بلد باشد.

## ملاقات ماجانه!

● محبوب معلم فیلمی بود که در آن کلارک گیبل فقید با مامی وان دورن و یا بقولی دارنده بزرگترین سینه‌های جهان سینما همبازی بود. این دو در اولین صحنه‌ای که در فیلم یکدیگر را ملاقات میکردند بصورت جالبی با یکدیگر آشنا می‌شوند بدین ترتیب که مامی وان دورن بسوی کلارک گیبل رفته اورا می‌بوسید و سپس از او دور میشد و بعد از آن کلارک گیبل بسوی او رفته و اورا می‌بوسید.

## عقاید بزرگان !!

یک زن اگر بخواهد نظر شوهرش را جلب کند باید با او مثل سگ رفتار کند، سر وعده غذای مرتب باو داد، بسرش دست ملاطفت کشید و ریسمان گردنش را شل کرد که موقع غذا خوردن ناراحت نشود.

«روفیا»

اگر زنها هم مانند مار هرسال پوست عوض میکردند و تغییر قیافه میدادند مردها اصلا احتیاج نداشتند دنبال زنهای دیگری روند.

«وحدت»

## فروش فیلمهای سال ۱۳۵۰

درختها ایستاده میمیرند (چهار میلیون ریال) رسوای عشق (یک میلیون و ششصد هزار ریال) شب عروسی (یک میلیون و سیصد هزار ریال) ـ رضا چلچله (هفت میلیون ریال) با باشمل (هفت میلیون ریال) مردان خشن (نه میلیون و پانصد هزار ریال) خوشگلترین زن عالم (چهار میلیون و پانصد هزار ریال) مرد افکن (یک میلیون و دویست هزار ریال) زیر بازارچه (پنج میلیون ریال) غلام ژاندارم (سیزده میلیون ریال) حیدر (نه میلیون و پانصد هزار ریال) میعادگاه خشم (شش میلیون و پانصد هزار ریال).

## سال و محل تولد هنرپیشگان

● بسیاری هستند که خواستار محل تولد و سال تولد هنرپیشگان هستند. در زیر سال و محل تولد تعدادی از هنرپیشگان معروف جهان آمده است.

«آلن دلون ـ اسکو ـ فرانسه ۱۹۳۵»
«کلیف ریچارد ـ هندوستان ـ ۱۹۴۰»
«فابیان ـ فیلادلفیا ـ ۱۹۴۳»
«رابرت واگنر ـ دترویت ـ آمریکا ـ ۱۹۴۰»
«الکه زومر ـ برلین ـ ۱۹۴۱»
«جین سیبرگ ـ آیووا ـ آمریکا ۱۹۳۸»
«آنیتا اکبرگ ـ سوئد ۱۹۳۱»
«رومی اشنایدر ـ وین ۱۹۳۸»
«روسانا اسکافینو ـ ژن ۱۹۳۹»
«کلادیا کاردیناله ـ تونیزیا سیسیل ۱۹۴۱»
«الویس پریسلی ـ میسی‌سیپی آمریکا ۱۹۳۵»
«جینا لولوبریجیدا ـ رم ـ ایتالیا ۱۹۲۸»
«جین منسفیلد ـ پاسادنا ـ آمریکا ۱۹۳۲»
«دوریس دی ـ سین سیناتی آمریکا ۱۹۲۸»
جیمز کاگنی ـ نیویورک ـ ۱۹۰۴»
«روری کالهون ـ کالیفرنیا ۱۹۲۳»

## کتابهایی که بهمان نام فیلم شده‌اند

● در عالم سینما تاکنون کتابهای متعددی بوده است که بصورت فیلم درآمده، البته گاهی این آثار اقتباس بوده و گاهی بهمان نام اصلی فیلم شده است. در زیر تعدادی از کتابهائی که بنام اصلی فیلم شده آمده است.

۱ـ بر باد رفته.
۲ـ بینوایان.
۳ـ جنگ و صلح.
۴ـ گوژپشت نتردام.
۵ـ داش آکل.
۶ـ امشب دختری میمیرد.
۷ـ خورشید همچنان میدرخشد
۸ـ رومئو و ژولیت.
۹ـ یوسف و زلیخا.
۱۰ـ امیر ارسلان نامدار
۱۱ـ حسین کرد شبستری
۱۲ـ لیلی و مجنون.
۱۳ـ ربکا.
۱۴ـ لولیتا.
۱۵ـ داستان وست ساید.
۱۶ـ مکبث.
۱۷ـ اتللو.
۱۸ـ کلئوپاترا.
۱۹ـ جولیوس سزار.
۲۰ـ هاملت.
۲۱ـ ریچارد سوم.
۲۲ـ خرقه.

فرستنده: ماشاءالله ایمانی

عمو رو نبین چه ریزه . . . بشکن به بین چه تیزه !
عمو یادگار ؟ جو .. جو . جو ... جونم !
خوابی یا بیدار ؟ بی ... بی ... بیدار بیدار !
عمو یادگار ؟ جونم .. قرار ما ، توی سینما !




برنامه این هفته
گروه سینماهای

# اونیورسال
# ایران
# پاسیفیك
# تیسفون
# ساینا
# پرسپولیس
# مراد
# مونت کارلو
# موناکو
# دریا
# پانوراما
# کارون
# داریوش
# و آستارا

«تجریش»

# سالن آرایش وزیبائی روبین

## جوابگوی زیبارویان تهران

● غالباً پیش آمده که خوانندگان عزیز ما وسیله تلفن یا نامه ازما سئوال کرده‌اندچرا اکتریس‌های سینمای ایران یا خوانندگان ودیگرهنرمندان از جذابیت وآرایش چشمگیری برخوردارهستند؟ آیا ازلوازم آرایش بخصوصی استفاده‌میکنند که انحصاراً برای آنها وارد میشود ویانه؟ وبرای زیبا کردن گیسوان خود بکدام آرایشگاه میروند؟ وچه هنرمندی درزیبا ساختن گیسوان آنها دست‌دارد؟

آنچه‌که مسلم است این میباشدکه‌هردختر امروزی و با سلیقه میتواند بااندکی مهارت‌و به‌کمك لوازم آرایش به‌زیبائی وجذابیت خود بیفزاید بخصوص اینکه‌درعصرحاضر انواع واقسام لوازم‌آرایش به‌بازارها عرضه‌شده وروز بروزنیز بر تعداد آنها افزوده میشود.

اما آنچه دردرجه‌اول‌اهمیت قرار دارد وهرکس به آن‌دسترسی ندارد استفاده درست وبجا وصحیح از انواع لوازم آرایش وانتخاب آنها باتناسب‌اندام، سن، رنگ پوست وغیره می‌باشد واینکه ازچه نوع آرایش استفاده بکنند ودرچه‌زمان چه‌نوع توالتی داشته باشند.

حتماً تعجب میکنید اگر بدانیدکه بسیاری ازنواقص‌چهره بوسیله آرایش گیسو قابل‌اصلاح است...

بعقیده آرایشگران وکارشناسان مشهور زیبائی در جهان انتخاب مدل مناسب برای‌آرایش موها می‌تواند تیپ یك‌خانم را بکلی عوض‌کند ونواقصی‌را که احتمالا دراعضای چهره او هست از انظار بپوشاند. بسیاری از خانمها براثر آرایش غلط ونا هماهنك نه‌فقط امتیازی بدست‌نمی آورند بلکه زیبائی، شادابی و طراوت طبیعی خودرا هم‌ازدست میدهند.

چشمان هرخانمی بهرفرم‌و شکلی‌که باشد باز می‌توان‌بکمك آنها همه‌را جادو کرد.

برجسته ترین آرایشگران ومتخصصان‌زیبائی‌اظهارداشته‌اند که بکمك سایه چشمها، خط‌چشم وبویژه‌ریمل می‌توان برجذابیت نگاه افزود وبادستورالعمل های آرایشی صحیح چشم شما بهر شکل وفرمی که باشد جادوئی خواهد شد.

کلیه ستارگان‌سینما، خوانندگان ودیگر هنرمندان جهان که از زیبائی خیره‌کننده وآرایش مو زیبائی‌برخوردارهستند‌تحت‌همین شیوه بوجاهت وزیبائی‌رسیده‌اند. حتی آکتریس‌های سینمای‌ما نیز از این قاعده مستثنی نیستند و هریك برای خود سالن آرایش و متخصص بخصوصی را انتخاب کرده‌اند و از همان لوازماتی استفاده میکنندکه دردسترس هر کسی‌وجوددارد. واین‌آرایشگران تحصیل‌کرده ومجرب هستندکه‌از آنها چهره‌هائی دلفریب، جذاب وگیرا درست میکنند.

سالن‌آرایش‌وزیبائی «روبین» که بتازگی افتتاح گردیده تحت همین شرائط وباهمین‌خصوصیات دائر گشته، مدیریت این کانون زیبائی بعهده خانم روبین‌میباشد که مدت ۶سال دردانشگاه‌مشهور «اورآل» پاریس دررشته آرایش وزیبائی تعلیم دیده و باآخرین تحولات درمورد زیبائی آشنائی پیداکرده است. آرایشگاه‌روبین درسطحی بین‌المللی هنر آرایش وزیبائی را عرضه میکند و این مژده‌ای است برای آن دسته از کسانی‌که طالب وجاهت وزیبائی خیره‌کننده هستند ونیز برای‌آن گروه‌که معتقدند هیچ‌فرمی به‌مو های آنها برازنده نیست وباهیچ

بقیه در صفحه ۴۱



□ خانم روبین



□ خانم روبین ضمن آرایش گیسوی‌یکی از خانمها

## چهره‌های متغیر
(بقیه از صفحه ۱۹)

... سابق حرکات ابروها، سبب ... که یک مقدار به این دگرگونی ... لطمه بخورد ولی این حرکات ... توانست تأثیر گریم و لباس را ... خنثی کند ...

فیلم بعدی «ملك مطیعی» ... عیناً همین حالت را داشت. «... قهرمان دهکده»، فیلمی بود که ... این هنرمند در آن ایفاگر نقش ... یک دهاتی خالص بود ... اگرچه ... در این فیلم، «ملك مطیعی» را ... زیاد گریم نکرده بودند ولی لباس ... های یک مرد دهاتی و آن کلاه ... نمدی بطور کلی یک «ملك‌مطیعی» دیگر ساخته بود. ولی «ملك مطیعی» هرگز از حرکات ابروهایش غافل نبود... در این زمان دیگر این حرکات جزو یکی از خصوصیات بارز «ملك‌مطیعی» شده، به‌صورتی که حتی به تأثیر نقش او کمك مؤثری می‌کند، حتی این حرکات ابروها، محبوبیت هم پیدا کرده‌ا بهمین دلیل هیچگاه نه‌خود «ملك مطیعی» می‌خواهد آن‌را ترك کند و نه کارگردان‌های فیلم‌های او.

اما با تمام این تفاصیل در فیلم بعدی «ملك‌مطیعی»، «میلیونر فراری»، تا حدی به این حرکات تعدیل داده شده بود، به صورتی که ظاهر و تیپ ملك‌مطیعی علیرغم سادگی به دلیل تازگی حرکات، چشمگیرتر از تیپ های ساده‌ی دیگرش بنظر میرسید.

«هاشم خان» یکبار دیگر «ملك مطیعی» را در قالب یك شخصیت خشن و بی‌رحم فرو می برد. او در این فیلم با آن سبیل پهن و پر پشت، کلاه شاهسونی و حرکات وحشیانه و سیمائی که به او برای جان دادن شخصیت یك خان سختگیر و بی‌رحم داده شده بود، نسبت به فیلم قبلی ظاهر متفاوتی یافته بود ... اما با این حال، این تغییر، چندان هم تازگی نداشت، چون «ملك مطیعی» به دفعات این چنین دگرگونی را یافته بود، در حالی که دگرگونی او در فیلم بعدیش «فرار از حقیقت» چنین حالتی را نداشت.

**درشماره آینده تمام میشود**

## رضا فاضلی
(بقیه ازصفحه ۱۷)

- بله ولی فقط بفقط برای مردم و دیدیم که رانندگان جهنم با فروش خوبی روبرو شد ولی فیلمهائی که فقط برای دل خودم ساخته‌ام ضرر کرده است مثلا «الماس ۳۳» را می گویم. ولی دلخوشم باینست که حداقل مهرجوئی را به سینمای ایران معرفی کردم.

● **شما قبلا مهرجوئی را می‌شناختید؟**

- قبل از آنکه کسی بداند اصلا «مهرجوئی»ئی وجود دارد من اورا میشناختم. هنگامی که اورا شناختم هروقت با او درمورد سینما بحث می کردم، باین نتیجه می رسیدم که در مقابل او آدم نادانی هستم. درصورتی که من در سینما کار کرده بودم و او اصلا تجربه نداشت. در آن موقع بود که تصمیم گرفتم کار مثبتی کنم و با اکازیون ساختن فیلم «الماس ۳۳» اورا به سینما معرفی کردم.

● **آیا باز مهرجوئی را بعنوان یك کار گردان خوب می شناسید؟**

- بله، او بیشتر از سابق می‌فهمد - این شخص آنقدر قدرت دارد که اتمسفر را بدنبال خودش می کشد. واگر آقای سیامك یاسمی گفته است گاو با کمك فرهنگ و هنر موفقیت پیدا کرده است باید بگویم سخت در اشتباه است چون این گاو بود که توانست به پیروزی هائی دست یابد و اضافه می کنم اگر حب و بغضی در میان نباشد بعید بنظر می‌رسد که یاسمی این حرف را زده باشد.

## رویدادها

بقیه از صفحه ۵

رامتین، سیمین غفاری ـ اردوان مفید ـ خسرو گلستان واسدزاده شرکت‌دارند.

امور فیلمبرداری زنجیری توسط قاسمی‌وند انجام یافته است.

### دومین رل اول

● بهمن‌مفید که برای اولین بار در فیلم «رضا هفت خط» ایفاگر نقش اول شده است از

## لی تایلور یانگ

(بقیه از صفحه ۲۹)

را بشهرت‌ومحبوبیت رسانده‌است بازیش در نمایشنامه‌های مختلف آنقدر چشمگیر بود که به‌هالیوود کشانده‌شد وبرای بازی درفیلمی کوتاه ازمحصولات کمپانی‌فوکس قرن بیستم انتخاب شد.

بازی « لی‌تیلور یانگ » علیرغم آنکه‌نقشی کوتاه‌بودبحدی مورد توجه‌تهیه کنندگان‌سریال «محله پیتون» قرارگرفت که بلافاصله طی قراردادی ایفای نقش «راشل‌ولز» را درسریال مذکور بعهده وی گذاشتند. درخشش وی در این سریال تلویزیونی بسیارچشمگیر ودرخور توجه بود بخصوص برای آنانکه به تلویزیون علاقمند بودند ودیدن‌برنامه‌های‌تلویزیونی را به فیلمهای عظیم وپرخرج سینمائی ترجیح میدادند.

سریال « محله پیتون » نه تنها درامریکا، بلکه درتمام دنیا باموفقیت تمام روبرو شد ودر مدتی بسیار کوتاه نام «لی‌تیلور یانگ»برسرزبانها افتادومجلات معتبر اورابعنوان یك ستاره‌روز تصاویرش رازینت بخش صفحات خود کردند.

«لی‌تیلوریانگ» ، بعد از بازی درسریال «محله پیتون»در چندفیلم‌دیگربازی کرده‌است‌ولی خودش شهرتش رامدیون دوفیلم جالب «سوارکاران» ساخته جان فرانکن هایمر و(زنجیرآلاله) میداند.

هفته گذشته برای بار دوم دریك فیلم‌تازه ایفاگر نقش‌اول گردید دراین فیلم که محصول تازه ای است ازسپیرافیلم وتوسط‌مازیار پرتوکارگردانی وفیلمبرداری‌می شود علاوه بربهمن مفید، نیلوفر، احمد هاشمی ، احمد معینی، جهانگیرفروهر، فرنگیس‌فروهر ولیلا فروهر نیز شرکت دارند این فیلم دارای یك سوژه کمدی انتقادی است .

### صادق کرده چه میکند؟

● اکیپ سازنده‌ی فیلم «صادق‌کرده» کماکان در نواحی نفت‌خیز جنوب سرگرم تهیه‌این فیلم میباشند در صادق کرده که محصول تازه‌ای است از استودیو میثاقیه و بکارگردانی ناصر تقوائی توسط نصرت الله کنی فیلمبرداری میشود سعید راد ، چهره جدید «آتش‌خیر»، دلیله ، گیتی‌فروهر و...عزت‌الله‌انتظامی درنقش یك‌ژاندارم وظیفه شناس شرکت دارند .

### محلل و عید قربان

● برای برنامه عیدقربان گروه کاپری فیلم محلل محصول تازه استودیو میثاقیه در نظر گرفته شده‌است این‌فیلم که بعداز درشکه‌چی دومین کار نصرت‌اله کریمی درزمینه کارگردانی فیلم های طویل سینمائی است توسط نصرت‌اله‌کنی درتهران واصفهان فیلمبرداری شده و در آن بجز خود کریمی،ایرن،حالتی، مفیدی وچند چهره جدید منجمله سیما، عباس بلورچی ، کرم رضائی و شهناز جابری زاده شرکت دارند .

همانطور که در شماره قبل نوشتیم برنامه عید قربان گروه اونیورسال فیلم راز درخت‌سنجد محصول تینا فیلم است که درآن فردین، ژاله‌سام، صادق بهرامی، عصمت صفوی، مفیدی‌و اسدزاده شرکت‌دارند.

گروه آسیا نیز عید قربان فیلم‌قلندر محصول سپیرا فیلم را که در آن ناصر ملك مطیعی، فروزان و بهمن مفید شرکت دارند نمایش خواهدداد.

## من ازمیعادگاه خشم

(بقیه از صفحه ۱۴)

آخرین صحنه فیلم آن است که این دومرد روبروی یکدیگر ایستاده‌اند وهر کدام آدمی رواز دست داده‌اند . هاشم میپرسد که قدم اسم پسرت چی بود ؟

قدم جواب میدهد محسن .

هاشم میگوید مواظبش باش، نگذار نااهل بار بیاد . آنگاه هاشم جلوی کادر آمده وقدم بعقب کادر میرود وروی این وضع فیلم باتمام میرسد .

بقیه درشماره آینده

## مهمان ناشناس

(بقیه از صفحه ۹)

وارد شدم دونفر ناشناس درحالی که چند تکه کاغذ دردست داشتند بایکی ازنویسندگان بگفتگو نشسته بودند واز کلاهبرداری تأسف‌آوری که درحق این دو نفر ونفرهای دیگری شده است آگاه شدم داستان ازاین‌قراربود که طبق اظهار دونفر مذکور چندی پیش‌شرکتی بنام شرکت‌نمایشات که توسط شیروانی نامی علم‌شده بود ازجوانان ساده‌لوح بعناوین مختلف مبالغی درحدوددویست تا چهارصدتومان پول گرفته که‌آنان رابرای شرکت درفیلم آماده ساز، این‌دوشاکی که یکی ازآنها نامه بلند بالائی برای مجله فیلم وهنر نوشته بوداصرارداشت که از طریق مجله اقدامات قانونی علیه شیروانی وشرکت نمایشات بعمل آید مهمان‌ناشناس باتوجه به قیافه‌های فریب خورده آن‌دو نوجوان که چون مارتیر خورده درهم‌میلولیدند، به‌آنها که بنام‌سینما ازصافی‌ضمیر وساده‌لوحی‌جوانان سوءاستفاده میکنند سخت آزرده خاطر گشت.

جادارد که‌مسئولین‌امر برای برچیدن این چنین لانه‌هائی که کم‌وبیش درگوشه و کنار این‌شهر بزرگ چون قارچ‌بیرون زده‌اند اقدامات اساسی انجام بدهند.

## سالن آرایش

(بقیه از صفحه ۳۸)

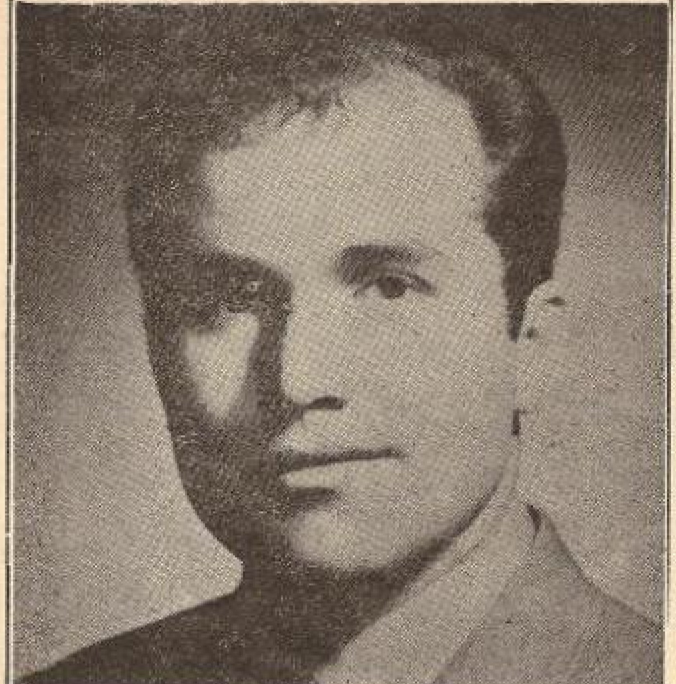
لوازمی نمیتوان نواقص چهره آنهارا برطرف‌کرد.

درحال حاضر کارهائی که درسالن آرایش وزیبائی‌روبین انجام‌میشود عبارتست از، رنگ مو، مش‌دائمی، ویتامینه مو و ، ماساژ سر(برای جلوگیری از ریزش)آرایش‌سر، زیبائی‌صورت، اپیلاسه(تمیز کردن صورت وپا)، ماساژصورت، معالجه‌جوش‌صورت، مانیکور ، پدیکور و ... همچنین مدل‌هائی‌نیز ازطرف‌آرایشگران هنرمند سالن آرایش روبین طرح میشود که درنوع خودجالب وخیره کننده است.

ازمحسنات منحصر بفرد آرایشگاه وزیبائی‌روبین آرایش عروس میباشد که غیرقابل‌وصف است واین از دروس تخصصی مدیریت آرایشگاه روبین در دانشگاه داورآل، پاریس بوده‌است.



## ناصر لاله‌زاری درفرانسه



■ ناصرلاله‌زاری گریمور وبازیگر تآتر ازطرف‌اداره تآتر وزارت فرهنگ‌وهنر برای‌مدتی جهت دیدن یک‌دوره عالی گریم‌وزیبائی بپاریس سفر کرد. وی‌مدت سه‌ماه‌درتلویزیون‌فرانسه ضمن تجربه عملی بکار خواهد پرداخت و بعد در یکی از تآترها واستودیو های فیلمبرداری بطور استاژ کار خواهد کرد.

لاله‌زاری سابقه‌زیادی درامرگریم وبازیگری دارد. وی ازسال ۱۳۳۲ فعالیت خودرا دراین زمینه آغاز کرده وعلاوه بر گریم بازیگران نمایشنامه‌های تالار ۲۵ شهریور وغیره، گریم هنرمندان فیلمهای رستم وسهراب، باباشمل، قلندر وتجاوزرا برعهده داشته است.



## آدمك

( بقیه ازصفحه ۳ )

قرار میگیرد وآن را لمس میکند وداستان فیلم را عمیقاً درفکر خود تجزیه وتحلیل میکند .

این درون‌گرائی وفلسفه ای‌که درطی فیلم مطرح است، تاکنون درکمترفیلمی‌مطرح بوده‌است . فیلم برای تماشاگرعادی، دارای داستانی پر جذبه و حواشی های قابل توجهی است. کار نخست خسرو هریتاش را بعنوان یك فیلم عمیق و پر ارزش می‌ستائیم و مشاهده آن را بهمه تماشاگران فکور سینمای ایران توصیه میکنیم و آرزو داریم‌که آدمك بتواند موجب دگرگونیهای مثبتی درسینمای این مرز وبوم‌گردد ■

## آیا پرونده هنری

(بقیه از صفحه ۲۳)

حاضرند او را در نقش دیگری ببینند .

● **فردین نباید دنبال تجارت برود !**

**« رضا بیك ایمانوردی »** که این روزها کار وبارش حسابی سکه است، در مورد همکار خود عقیده دارد که ،

- فردین در سینمای ایران یك فرد مؤثر بوده است ، زیرا او توانست درپیش‌برد سینما در ایران نقش بسزائی رابازی کند. من عقیده دارم اگرفردین دنبال تجارت نرود ودرفیلمهای هنری بازی کند بازهم محبوبیت خودرا حفظ خواهد کرد، البته‌موفق‌بودن منهای تجارت.

درچند فیلمی که‌من بافردین همبازی بوده‌ام، او خیلی راحت ومستعد کارهایش را انجام میداد، وهمیشه نظرش این‌بود که برای بهبود کار باید خود خواهی را کنار گذاشت وحتی بامن‌درمورد کارش مشورت میکرد.

من ازمطبوعات گله دارم که وقتی یك فیلم شکست میخورد ، فوراً روی هنرپیشه فیلم تکیه می کنند و شکست فیلم‌را بخاطر وجود هنرپیشه تلقی مینمایند .

● **اظهار نظر ملك مطیعی ...**

بد نیست اظهار نظر **«ناصر ملك مطیعی»** را هم بخوانید ،

- من‌هم‌.قدم‌نه‌تنها پرونده‌ی هنری فردین بسته نشده است ، بلکه حالا، حالا هم بسته نخواهد شد وجا دارد از او بعنوان یك هنرپیشه خوب ولایق که بعد از افتخارات فراوانی که در عالم ورزش برای کشور کسب کرد ، برای‌سینمای‌ایران نیز طی‌سیزده سال فعالیت مداوم و پر کوشش افتخار آفرین بوده است تجلیل شود .

***

... وحالا خواننده عزیز ، ازشما هم میخواهیم تادراین‌بحث باما هماهنك شوید و در باره فردین اظهار نظر کنید وبرای‌ما بنویسید که آیاهنوزفردین‌محبوب شما هست یا نه؟

## امین امینی

(بقیه از صفحه ۲۱)

● **دلیل موفقیت « کوچه مردها» بعقیده شما چه بود ؟**

امینی: بازی یکدست‌وخوب فردین، قادری‌ودیگران، داستان جالب فیلم و کار گردانی حساب شده آن تنهاعلت موفقیت‌این‌فیلم بود .

● **فیلم «نقره‌داغ» که از آن نام بردید چگونه فیلمی است وتاچه حدبه‌آن‌امیدوارید؟**

امینی: فیلمی است که من شخصاً رویش حساب می کنم،چون تمام نکات فیلم حساب‌شده است و می‌توانم بجرأت بگویم که یکی‌از فیلمهای‌خوب امسال خواهدبود.

● **بیش از این وقتتان‌را نمی گیرم ، بعنوان آخرین سئوال از شما می‌پرسیم‌که‌برای بهبود سینمای فارسی چه‌راهی پیشنهاد می‌کنید ؟**

امینی : برای‌بهبودسینمای فارسی هریك از دست اندرکاران باید بیشترروی کاری که انجام می‌دهند فکر کنند، ومنظ.ورشان تنهادستمزدگرفتن‌نباشدوبخاطرهنر فعالیت کنند، و بعنوان آخرین حرف باید بگویم که ما برای پیشرفت بیشتر احتیاج بکمك معنوی دولت‌داریم همین.

## معصومیت های

(بقیه از صفحه ۱۵)

کنند. چون یك‌اثرهنگامی‌اصیل است‌که از مغز یك نفر تراوش کندوحرف آن باشد. اگر کسی بخواهد حرفشوبشما بدهد و در قالب شما این حرفرا بزند‌این همان شارلاتان بازی است.

بهرحال تهیه کنندگان ما هم نتوانستند با تلویزیون‌مبارزه کنند وهمانطور که‌دیدیم تماشاگر از این فیلمهای‌سینه‌راما آسوده کاری از پیش نبرد، ولی درعوض تمام این تلاش ها باز یك چیز ثابت شدکه مردم بازهم بدنبال همان «معصومیت»ها میروند.

ادامه دارد

# آیا مالك و مستأجر
# باهم توافق خواهند کرد؟

## اولین اثر کمدی، کمدی، کمدی دو هنرمند ارزنده‌ی ایران، ارحام صدر و آرمان

# مستأجر
یا اجاره نشین



ارحام صدر



پژوهان (چهره‌جدید)



پروین ملکوتی



آقا جانی



تهیه‌کننده و کارگردان:
آرمان

؟

و ... آرمان



فیلمبردار و سناریست:
قاسمی‌وند

پخش از سازمان سینمائی مشعل

تهیه شده در استودیو نقش‌جهان

# گزارش فیلم



## جمشید اکرمی

### قصهٔ فیلمهای پر فروش !

### قصهٔ عشق Love Story

### فرودگاه Airport

* از اواسط دههٔ شصت به اینسو ، به‌گونه‌ای دم افزون و نا منقطع ، صحبت ازیك خانه تکانی همه جانبه درصحنهٔ سینمای آمریکا بوده است وامیدآن می‌رفته که به لطف یك موج دگرگونساز ، این سینما ، زنجیرهای «بازدارنده ازتحول «سینمای کلاسیك دهـه های پیشین را (که اشتیاق عمومی برآنست تا ازآنها به عنوان دهه های طلائی هالیوود یاد شود !) ازپای ودست بگسلد . این تصور ،اتفاقاً هرسال که می‌گذشت ، بیشتر به حقیقت‌می‌پیوست . ازسینمای«مؤلف» اروپائی ، خطوطی (هرچند کمرنگ) درسینمای آمریکا پدیدار شد و دراینجا نیزهمچون اروپا ، اوضاع به‌آن راه می‌رفت تا دیگر تنها کارگردان ، «خدا»ی یك فیلم باشد ونه آنسان که قبلا بود (وبراساس همان سیستم قدیمی «ستاره سالاری» هالیوودی) سوپراستارهای فیلم.

لاکن این دگرگونی ،گرچه نشانه‌هائی خشنودکننده‌ازخود ظاهرنمود ، مع‌الوصف نتوانست ریشه هائی عمیق درتاروپودسینمای آمریکا بدواند . تازه این تنها منتقدین فیلم بودند که ایـن تحول را به‌گرمی تأیید کردند ، وگرنه سینما روهای دنیا (کـه بهرحال پایه های اقتصادی هرسینمائی با هرکیفیتی ، براستقبال وخوشامـد آنها ازآن سینما تکیه دارد) روی خوشی به‌آن نشان ندادند .

این گرچه اسف‌انگیز است، اما درمیان آنهمه‌جاروجنجال وهیاهوی سینمای جدید ، درپایان سال ۱۹۷۰ ، براساس واقعیتی که گیشه‌های سینماهای اروپاوآمریکافاش کنندهٔ آن بودند،پرفروشترین فیلمهای سال، دوفیلم بودند با بستگیهائی مستقیم ومحکم و انکار ناپذیر به همان سینمای قدیمی هالیوود، دوفیلم «قصهٔعشق» و «فرودگاه» که‌نه هرگز در جریان‌تحول تازهٔ سینمای آمریکا ، بلکه باتسلیمی در بست وچشمی خیره به‌همان‌استانداردهای کهنه شده ودل آزار، ساخته‌شده بودند.

بهرحال گوآنکه‌فروش‌فوق‌العادهٔ دوفیلم‌مذکور، برنا‌امیدی دوستداران سینمای جدید آمریکا افزوده است، اما ازاین‌سینماهنوز قطع امید نشده، یعنی که‌فروش این دو فیلم، درمبارزهٔ دوجبهه کهنه‌و نو، نقشی کاملا تعیین کننده نداشته است.

واما آنچه که در اینجا مورد اعتنای ماست، صحبتی است درباب آنکه دوفیلم « قصه عشق » و « فرودگاه » ، چـه جاذبه‌هائی برای مردم داشته‌اند که اینچنین فروش‌فوق‌العاده‌ای را پی‌آورده‌اند.

نخست توجه کنیم به آنکه این هردو فیلم، براساس دونوول پرفروش و به‌اصطلاح Best Seller ساختـه شده‌انـد و بنابـراین ماتریانهای داستانی هردوفیلم ، چیزهائی بوده‌اند کـه قبلا درقالب نوشته، امتحان «مردم‌پسند بودن» خودرا داده‌اند ( «قصه عشق» بر اساس‌نوولی از«اریك‌سگال» و«فرودگاه» براساس نوولی‌از «آرتور هیلی») . پس فیلم کردن آنها درواقع کاری نه ابداً آمیخته به‌ریسك بلکه تاجرانه بوده است.

پس‌از این، نگاه می‌کنیم به‌عناصر انسانی سازندهٔ دوفیلم ، کادر سازندهٔ «قصهٔ عشق» همه جوانند و با نامهائی نه‌چندان معتبر ، «آرتور هیلر»ـ کارگردان فیلم- پیش ازاین یك فیلمساز درجه‌دو بود که البته حالا پس‌از«قصهٔعشق» لابد باید تاحدودی نزد تهیه کنندگان اعتبار یافته‌باشد! بازیگران دونقش اصلی فیلم یعنی «رایان‌اونیل» و «الی مك‌گرا» نیز هرچند که تا پیش‌از این فیلم نیز بازیگرانی محبوب بودند، اما دستمزدهایشان درسطح بالائی نبود. این عوامل- وبخصوص سوژهٔ ساده و کوچك فیلم که هیچ نوع تجمل و زرق و برقی جهت تصویری شدن خود نمی‌طلبید- سبب آنشد که هزینهٔ تهیه فیلم درسطحی نازل بماند، یعنی‌که تهیه‌کننده فیلم «هاوارد جی. مینسکی» می‌توانسته مطمئن باشد که فیلمش اگرنه یك‌منفعت کلان ، بل دست کم منفعتی درخور به‌بار خواهد آورد.

اما، درمقابل ، «فرودگاه» فیلمی پر خرج بوده است. تهیه فیلم ۱۲ میلیون دلار خرج روی دست تهیه کننده آن ( راس هانتر) گذاشته است این هزینه‌ایست که صرف به‌کار خواندن دو سوپراستار (برت لنکستر ودین‌مارتین ) و جمعی دیگر از بازیگران سرشناس سینما وتلویزیون آمریکا شده است. هنرپیشه هائی‌که معمولا ازآنها به‌عنوان بازیگران پولساز یاد می‌شود ومفهوم این* آنست که آنها خواهند توانست پولی راکه به‌عنوان دستمزد گرفته‌اند، چند بـرابر کرده وبه جیب تهیه‌کننده بازریزند .

امادر مورد «فرودگاه» فیلم‌کردن‌خودسوژه نیز هزینه‌ای گزاف می‌طلبیده‌است . اماچه‌غم که یك سوژه «همه‌چیزدار» و«مردم پسند» (که‌حتی قبلاهم درقالب نـوول، سخت خلق‌خدارا خـوش‌آمده است ) نیاز به هزینه‌ای بیش از معمول داشته بـاشد تا به قـالب فیلم‌رود؟! چه این‌خرجی است‌که به قدر کافی روزنه های بازگشت خواهد داشت!

درنگاهی‌ازیك دریچهٔ بازتر به‌هردوفیلم، زمینه‌های‌داستانی وکیفیت ماجراهای آنها جلب توجه مـی کند. این‌دو فیلم علیرغم زمینه‌های متفاوت‌داستانی آنها روی دشواریها ونقاط ضعف‌آدمهائی وابسته به‌تیپ‌های شناخته شده‌آمریکائی انگشت تاکید می‌گذارند. «فرودگاه»هفت ساعت ازوضع یك فرودگاه راکه درآن واحدبا چند مشکل‌روبرو میشود، نشان‌میدهد (گیرکردن چرخ‌های یك هواپیما دربرفهای یکی ازباندهای‌فرودگاه، مشکل تخلیه همین باند بـرای فرودآمدن هواپیمای دیگری‌که قسمتی ازآن در آسمان منفجرشده است، اعتراض‌مردم به‌مسئولین فرودگاه ودرخواست‌آنها برای‌بستن یکی ازباندها و... )

درحاشیه‌این، فیلم‌نمایشی‌نیز دارد ازمشکلات خصوصی‌آدمهائیکه درماجرای این فرودگاه دخیلند. بعضی از این دشواریها ازعدم تفاهم برمی‌زنند (مثلا عدم تفاهم بین یکزوج زن و شوهر که سرانجام به‌جدائی توافق‌آمیز آنان‌می انجامد ویاعدم تفاهم بین زن‌وشوهر دیگرکه ظاهرا بایکدیگر همسازهستند، دراین‌مورد اختلافات موجود منجر به‌گرائیدن دومرد به‌سوی‌دوزن دیگرمیشود وحتی یکی از این دوزن نیز که‌مهماندار هواپیماست ـ (ژاکلین بیزه) ـ ازمرد محبوبش ـ (دین‌مارتین) حامله می‌شود یا آنکه مشکلات، ریشه درفقرو بی‌بضاعتی مالـی دارند (مـرد تنگدست

مستأصلی که بخاطر برخوردار ساختن خانواده خود از یك حق بیمه کلان، بر آن می‌شود تا هواپیمائی را که خود و شصت هفتاد نفر دیگر سرنشینش هستند، منفجر سازد.)

اما قصهٔ عشق ، یکداستان کوتاه جوان‌پسند (همه‌پسند؟!) رومئو وژولیتی» دارد دربارهٔ یکزوج دختر و پسر جوان از یك گراوندهای متفاوت - و با شکاف بزرگ فقر و ثروت درمیان - که به یکدیگر دل می‌بازند و علیرغم مخالفت شدید خانوادهٔ پسر باهم ازدواج می کنند ولی دست آخر، دختر گرفتار مرضی لاعلاج می‌شود و می‌میرد. یکچنین داستانی طبعاً می‌تواند شلیکی مؤثر باشد به هدفهای به شدت آسیب پذیر احساسات رقیق وسانتیمالیتهٔ زنانه .

فیلم ،کلیشهٔ مدرنیزه‌ایست از افسانه های جن و پری ، شاهزاده‌ای موطلائی عاشق یکدختر فقیر سیه چشم و سبزه‌روی می‌شود و بخاطر ازدواج با او، از میراث سلطنتی اش چشم می‌پوشد . البته مدرنیزه کردن این داستان ، نیاز به‌آن داشته که یکمقدار مسائل امروزی قاطی ماجراها شود ، مسأله شکاف عقیدتی و اختلاف فکری بین پدر و پسر ، برپا ایستادن پسری ازیك فامیل ثروتمند، کاتولیك بودن دخترك و پروتستان بودن پسر که منتج به‌آن می‌شود تا هردو ازمذهبشان بازگردند و آن عروسی غیر کلیسائی را برپا کنند (که اتفاقاً خیلی پرآب و تابتر و سوزناکتر و پرشمارتر از عروسیهای کلیسائی چهره می‌نماید !)

گذشته ازاین ، یکی دیگر ازوجوه جاذبهٔ این دوفیلم ،در دیالوگهای ظریف و هوشمندانهٔ آنها نهفته است که این احتمالا مدیون چیره دستی نویسندگان نوولهای مربوطه است (در «قصهٔ عشق» سناریو نیز از آن «اریك سگال» است ، اما سناریوی «فرودگاه» را خود «جورج سیتون» نوشته است) .

موزیك نیز به این هردو فیلم جاذبه‌هائی بخشیده است ، موزیك متن «قصهٔ عشق» ، یك تم رمانتیك سحرآسا و خیال انگیز دارد که حاکم بر آتمسفر کلی فیلم است . این موزیك ، کار «فرانسیس لی» - موزیسین فرانسوی- است. اما موزیك متن «فرودگاه» که توسط «آلفرد نیومن» تصنیف شده، از آنجهت در خور اعتناست که از آن، یاری مؤثری برای القای حالات روحی کاراکترها و فضای عاطفی صحنه‌های فیلم گرفته شده است (به‌یاد بیاوریم موزیك شاد و زندهٔ صحنه‌های کمدی مربوط به «هلن‌هیز» را و یا موزیك صحنه‌هائی را که «وان هفلین» در آنها بازی دارد که در آغاز غم‌انگیز می‌نماید، ولی بعد به تدریج که نقشهٔ شیطانی او به مرحله اجرا نزدیك می‌شود، تم اظطراب‌انگیزی پیدا می کند).

اگر همچنان اصرار بر آن داشته باشیم که وجوه تشابهی بین «فرودگاه» و «قصه عشق» بیابیم ، باید اشاره کنیم به این نکته که هردوفیلم باشاتهائی ازچشم اندازهای پوشیده ازبرف آغاز می‌شوند




□ صحنه‌ای از « فرودگاه »



□ «رایان اونیل» و «الی‌مك گرا» در یك صحنه از «قصه عشق»

و درطول فیلم نیز، برف‌ریزان همچنان ادامه‌می‌یابد!

«فرودگاه» بعد از یك «اورتور» از همهمه جمعیت و صدای غرش هواپیماها، با نماهائی از یك باند «برف پوشیده» بازمی‌شود. «قصهٔ عشق» نیز با فصلی آغاز میشود که طی آن «اولیور بارت» (رایان اونیل) در کنار یك استادیوم خالی و سفید ازبرف نشسته و در بارهٔ محبوب ازدست رفته‌اش جنی کاویله‌ری» (الی مك گرا) حرف‌میزند. پس از این، طی یك سلسله «فلاش‌بك» تمامی ماجرا بازگفته میشود.

«جورج سیتون» در پاره‌ای ازصحنه‌های «فرودگاه» تکنیك «اسپلیت اسکرین» Split Screen (پردهٔ تقسیم شده به چندقسمت باکادر های محدود که برهریك از این قسمتها شاتهائی از یك‌صحنه یا چند صحنه را منعکس می‌بینیم) را به کار می گیرد، اما با آن شیوه رفتار او، و باخاطره هائی که از بهره گیری های هوشمندانهٔ « سام پکین‌پا» و «نورمن جوئیسن» از همین تکنیك درفیلم‌های « افسانهٔ کیبل‌هاگ» و «حادثهٔ توماس کراون» داریم، شاید بهتر باشد بگوئیم که وی این تکنیك‌را درفیلمش حرام می کند!.

قصه عشق، دست کم پرداخت زنده‌تر و باحال‌تری دارد. فیلم گرچه از واقعیات زندگی فاصله‌ای بعید می گیرد، لاکن در همه حال چشم به‌صفا و ظرافت احساسی ازیك دیدگاه نیمه فانتزی دارد. زیاده از حد به‌روده درازی و اطناب نمی گراید و حرفهایش را کوتاه و موجز بیان می‌دارد، ولی چه‌حرفهائی؟! مسأله همین جاست !.

## قصهٔ عشق

کارگردان : آرتور هیلر ،سناریست : «اریك‌سگال» براساس نوولی نوشتهٔ خودش . مدیر فیلمبرداری : دیك‌گرالینا . موزیك : فرانسیس لی . تهیه‌کننده : هواردجی . مینسکی . طول نمایش ۱۰۹ دقیقه . محصول کمپانی پارامونت .

هنرپیشگان : رایان‌اونیل (اولیور بارت)، الی‌مك گرا (جنی کاویله-ری) ، ری میلند (پدراولیور) ،جان مارلی (فیلیپ)، کاترین بالفور (مادر اولیور)

## فرودگاه

سناریست وکارگردان : جورج سیتون . مدیر فیلمبرداری :ارنست لازلو ، موزیك : آلفرد نیومن . تهیه‌کننده : راس هانتر . طول نمایش : ۱۳۵ دقیقه . محصول کمپانی یونیورسال .

هنرپیشگان : برت لنکستر (مل بیکرزفلد) ، دین‌مارتین (ورنون)، جین سیبرگ (تانیا) ،ژاکلین بیسه (گوئن) ،جورج کندی ( پاترونی ) ، هلن هیز ( خانم‌کوانست ) ، وان هفلین (گره رو) ، مورین استاپلتون (خانم گره‌رو) دانا وینتر (سیندی بیکرزفلد) ، لوید نولان (مأمور گمرك) .

# آدمک فیلمی در مقیاس بین المللی

● «هریتا فیلم» سازمان تازه تأسیس یافته‌ای است که پس از دو سال تلاش از این هفته نخستین محصول خودرادرمعرض قضاوت عموم قرار میدهد.

برای آنها که سینما را یك مسئله‌جدی تلقی می کنند اولین محصول هریتا فیلم آدمك آن چنان جاذبه ای می آفرینند که مدتها آنهارا بفکر می‌اندازد و برای آنها که سینمارا از دریچه یك تفریح نگاه میکنند، آدمك دارای عوامل متعدد عاطفی‌است که وجود آنانرا دستخوش‌هیجان واحساس میکند.

«آدمك» داستان جوانی‌است که دریك خانواده‌اشرافی‌زندگی میکند، خانواده او دختری از میان طبقه خود برای او نامزد کرده‌اند. پسر کوچکتر خانواده بدان جهت که به‌موزیك‌رخواندن علاقمند است از خانواده فرار کرده است واین پسربزرگ‌است که میکوشد تا حد امکان خود را به‌خانواده خود نزدیك کند، اما درمی‌یابد که چه‌فاصله عمیقی‌است بین او ومادرش و آنها که‌اطراف میز قمار همبازی های مادرش هستند، آنگاه است که ازاین‌همه تجمل فرار می کند و بسوی‌پدرش می‌شتابد. درآنجا نیز درمی‌یابد که زندگی پدر پوچ و تو خالی و تهی از احساس و انسانیت است و در این میان یك عشق تازه بالغ‌شده وپاك ومنزه طرزتفکر او را عوض میکند و پسرمیکوشد آن باشد که خود میخواهدنه آن‌باشد که خانواده‌اش ازاومتوقعند.

این داستان پرکشش‌وجالب آدمك است که برای اولین بار درسینمای ایران مطرح میگردد وبفیلم روح تازه ای میدهد.

## گروه سازنده‌ی فیلم

قبل از هرکس از میان سازندگان فیلم ازخسرو هریتاش باید سخن گفت که کارگردانی فیلم را انجام داده ودرضمن‌برای‌فیلم موزیك متن نوشته و سناریو فیلم ازخود اوست.

هریتاش تحصیلات خودرادر رشته سینما در آمریکا باتمام رسانده است. درآمریکا پیوسته‌در ردیف بهترین شاگردان کالج U. C. L. A بود. پس ازاتمام درس دست بتهیه وکارگردانی‌چند فیلم‌کوتاه زدکه یکی از آنها «پیله» نامداردکه درآمریکاسخت مورد توجه واقع شد. دریکی‌دو فیلم نیز سمت معاون کارگردان را داشت. پس از نمایش فیلم پیله ازاوخواسته شدکه باکمپانی وارنرهمکاری نزدیك تری پیدا کند.

هریتاش بلافاصله پس از بازگشت بایران استودیو هریتا فیلم را تاسیس کردوبرای تربیت بازیگران فیلمی که‌درنظرداشت‌بسازد تعدادی‌علاقمنددرکلاس بازیگری او نام‌نویسی کردند که همین افراداکثراً بازیگران‌فیلم‌آدمك هستند.

امور فیلمبرداری فیلم را مصطفی عالمیان، فیلمبردار تحصیلکرده ایرانی برعهده‌داشته است، وی که از زمان تحصیل با هریتاش در آمریکا آشنا بود، دعوت وی را برای انجام امور آدمك پذیرفت ومیتوان گفت که یکی ازامتیازات فیلم آدمك، فیلمبرداری خوب عالمیان می‌باشد بخصوص که‌فیلم‌بطریقه‌رنگی فیلمبرداری شده است.

درآدمك برای اولین‌بار رنگ مفهوم‌پیدامیکند، انتخاب رنگ‌های دکورها، اطاق‌ها وبك گراندفیلم‌بجا ومتناسب حوادثی است که‌درآن‌روی‌میدهد واین هارمونی دررنگ و شخصیت‌های داستان سبب شده است که تاحد بسیارزیادی در القاء مفاهیم به تماشاگر کمك کند.

ازنظرمحل وقوع‌داستان‌که اکثرأدرکاشان است، کارهریتاش چشمگیرتر وبهتر نمود می کند، بخصوص آنکه وی می کوشد زندگی آرام ویك نواخت‌وکسل کننده جامعه ایرانی وعقاید و آداب‌اورابهترین وجهی دراین زمینه نشان دهد.

## بازیگران فیلم

در آدمك ما برای اولین مرتبه با قهرمانان مشهورروبرو نمی‌شویم درحقیقت در این‌فیلم بازیگران‌پولسازی‌شرکت‌ندارند. بجز تعدادی معدود ازکسانی که اندك‌شهرتی درکار سینمای‌ایران دارند بقیه‌را بازیگرانی تشکیل میدهند که این اولین تجربه‌آنها درزمینه کار بازیگری‌است.

**«سیامك‌دولتشاهی»** بازیگر نقش نخست فیلم که‌فارغ‌التحصیل کلاس هنرپیشگی هریتاش است در این فیلم واقعیت زندگی یك جوان امروزی‌را باهمه پیچ‌وتاب های زندگیش نشان میدهد، تیپ کاملا خشن، مردانه سیامك ازاو با نمایش فیلم آدمك چهره‌ای خواهد ساخت که میتواند در سینمای ایران شهرت‌ودرخشش بوحدبدست آورد.

**زری‌خوشکام**ستاره‌معروف نیز درآمك شرکت دارد و در حقیقت آدمك‌اولین کارسینمائی او است، هرچندکه تاکنون چند فیلم از او دردست تهیه‌وبنمایش درآمده است.

**فریده صادقیان** بازیگر نقش دخترك پاك ومعصومی است که‌هنوزآلودگیهای‌تمدن‌امروزی او را منحرف نساخته است و پرستاری ازبرادر بیمارش رادر زندگی بهرچیز مقدم میدارد و سایرین عبارتند از **ژاله‌ـبهروز به‌نژادـکسری ـواهه ـ دیانا ـ پروین دولتشاهی ـ ایروانلو** که بجز ژاله ستاره معروف‌سینما وتاتروديانا که اورا درسريالهای تلویزیونی و هم چنین پروین دولتشاهی که از بازیگران تلویزیونی است، سایرین چهره های آشنائی ازنظر تماشاگران ایرانی‌نیستند.

در آدمك صحنه قالیشویان «مشهد اردهال» که‌ازجالب‌ترین مراسم مذهبی ایران است و هر ساله بیش‌از سی‌هزارنفر در آن شرکت دارند گنجانده شده است وسیل خروشان جمعیتی که‌درفیلم وجود داردتا کنون درفیلمی‌سابقه نداشته است.

«آدمك» با دارابودن جنبه های خاص ایرانی و بادارابودن فلسفه خاصی که اینك در مشرق زمین خانواده ها باآن‌ها دست بگریبانند وبادارا بودن بهترین تکنیك‌ممکنه توانسته است‌فیلمی در حد یك کار در خور توجه بین‌المللی باشد.

فیلم آدمك از این هفته در تهران وچندین شهرستان بزرگ بنمایش درخواهد آمدوبنابگفته روابط عمومی‌هریتافیلم‌قراراست به‌فستیوال‌های بزرگ سینمائی جهان‌چون‌لندن ـ کان‌ـ ادینبورگ وشیکاگوارسال گردد ■



سعادت و سلامت و کوشش و پیشرفت واقعی
برای ایران و ملت ایران در سال نو آرزو دارم
و امیدوارم دوش بدوش بزرگترین ملت جهان
حتی یک قدم جلوتر همگام آنها باشیم

محمدعلی فردین
فروردین ۱۳۵۲




# فیلم و هنر

سال ششم - شماره ۷ (۲۳۵)
چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۸
تکشماره: ۱۰ ریال

